



کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران

(مصوبات، سخنرانیها، پیامها)

ضمیمه: مصوبات کنگره های سوم و چهارم حزب

از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران - نوامبر ۲۰۰۴

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران
(مصوبات، سخنرانیها، پیامها)
سپتامبر ۲۰۰۴

از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران
نوامبر ۲۰۰۴

فهرست

- ۷ * مقدمه
- ۱ * قدرت ما در رادیکالیسم و سوسیالیسم ماست
- ۱۱ * گزارش تشکیل کنگره، خلاصه متن پیامها به کنگره
- ۱۹ * اعلام رسمیت کنگره
- ۲۱ * قطعنامه در مورد انشعاب راست از حزب
- ۲۳ * ایستادیم قاطعانه از جنبش خودمان دفاع کردیم
- ۲۹ * ما سوسیالیسم را همین امروز میخواهیم
- ۳۵ * قطعنامه درباره سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران
- ۳۷ * حزب کمونیست کارگری عراق در معرض چرخش به راست
- ۴۵ * ما به مردم عراق پشت نخواهیم کرد
- ۴۹ * ما وظیفه داریم دخالت کنیم
- ۵۳ * دفاع از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق
یک وظیفه ماست!
- ۵۷ * قطعنامه مبانی استراتژی و رئوس وظایف حزب
برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی
- ۶۳ * انقلاب در انتظار ماست!
- ۷۵ * انقلاب هزاران آژیتاتور کمونیست میخواهد
قطعنامه در مورد حزب و قدرت سیاسی
- ۸۱ * بعد از جمهوری اسلامی
- ۸۵ * اجازه نمیدهیم هیچ نوع دولت بورژوایی
در ایران تثبت شود
- ۸۹ * سه قرار در مورد علنیت، ارتباط کمیته مرکزی و دفتر
سیاسی و ارتباط اعضا و ارگانهای رهبری
- ۹۱ * این حزب هیچ بحث سیاسی مخفی ندارد
- ۹۵ * قرار در قردادانی از رفیق حمید تقوایی
- ۹۵ * قرار در قردادانی از رفیق علی جوادی

- ۹۵ * قرار در حمایت از فراکسیون چپ در
حزب کمونیست کارگری عراق
- ۹۶ * قرار علیه هتك حرمت
- ۹۷ * حزب، ستاد رهبری کننده انقلاب سوسیالیستی،
محمد مزرعه کار
اکنون در دسترس طبقه کارگر است
- ۱۰۱ * با انرژی و سرعتی بیش از گذشته به پیش می‌رویم
حمید تقوائی
- ۱۰۵ * پیام کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری
به کارگران ایران
- ۱۰۷ * پیام به فعالین حزب کمونیست کارگری در ایران
- ۱۰۹ * پیام کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران
به خانواده‌های جانب‌اختگان راه آزادی و سوسیالیسم
- ۱۱۱ * کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری
با شکوه تمام برگزار شد
- ۱۱۴ * نتیجه بازشماری آرای انتخابات کمیته مرکزی در کنگره ۵
- ۱۱۵ * قرار در مورد شورا و جنبش شورائی
- ۱۱۷ * گفتگوی نشریه انترناسیونال با حمید تقوائی
درباره قرار شورا و جنبش شورائی
- ۱۲۵ * قط‌نامه پیرامون تلاش‌های جمهوری اسلامی برای
دستیابی به سلاح‌های اتمی
- ضمیمه ۱ (مصوبات کنگره چهارم حزب):
- ۱۲۷ * قط‌نامه درباره حزب کمونیست کارگری و چشم انداز
انقلاب در ایران
- ۱۳۳ * قط‌نامه درباره طبقه کارگر و قدرت سیاسی
- ۱۳۷ * بیانیه حقوق جهانشمول انسان
- ۱۴۵ * بیانیه برای مذهب زدایی از جامعه!

- ۱۵۱ * بیانیه حقوق زنان
- ضمیمه ۲ (مصوبات کنگره سوم حزب)
- ۱۵۵ * قطعنامه درباره اوضاع سیاسی ایران
- ۱۵۹ * قطعنامه کنگره سوم درباره:
اوضاع ایران و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری
- ۱۶۱ * پیام کنگره سوم حزب به کارگران ایران
- ۱۶۳ * پیام کنگره سوم حزب به مردم ایران

مقدمه

کتابی که پیش رو دارید مجموعه سخنرانی‌ها و اسناد کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران است. کنگره پنچ يك کنگره اضطراری بود که بدنبال اختلافات درون حزب و انشعابی که در ماه اوت رخ داد، در روزهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر تشکیل شد. این کنگره بدلیل ضیق وقت از مقطع فراخوان کنگره تا برگزاری آن، امکان انتخاب نماینده را نداشت و کنگره مستقیم اعضا بود. همه اعضائی که در کنگره شرکت داشتند صاحب رای بودند.

مجموعه قطعنامه‌ها و قرارهائی که در این کنگره به تصویب رسید و نیز سخنرانی‌هائی که در معرفی آنها بعمل آمد همگی در این کتاب آمده‌اند. پیامهائی در جریان کنگره و روزهای قبل از آن بدست ما رسیده بود و همچنین سه پیام کنگره خطاب به کارگران، به خانواده جانباختگان و خطاب به فعالین حزب در داخل کشور، اینها نیز در این کتاب به چاپ رسیده است.

تعدادی از قرارها بدلیل کمبود وقت در کنگره مورد بحث قرار نگرفت و به کمیته مرکزی واگذار شد. کمیته مرکزی نیز آنها را به دفتر سیاسی سپرد. دفتر سیاسی در این فاصله قرار مربوط به شورا و قطعنامه درباره تلاشهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی را مورد بررسی قرار داد و تصویب کرد که همراه با مصاحبه انترناسیونال با حمید تقوائی در توضیح قرار مربوط به شورا، به این مجموع اضافه شده‌اند.

علاوه بر اسناد و سخنرانیهای کنگره پنجم، مجموعه مصوبات کنگره‌های سوم و چهارم حزب نیز در این مجموعه آمده است که شامل دو قطعنامه از کنگره سوم و پیامهای این کنگره به کارگران و مردم ایران و پنج قطعنامه و بیانیه کنگره چهارم است. لازم به توضیح است که قطعنامه "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" در کلیت به تصویب کنگره چهارم رسید اما تدقیق آن به کمیته مرکزی واگذار شد که پس از تدقیق در پلنوم بیستم کمیته مرکزی تصویب شد.

مباحث این کنگره‌ها به هم مربوطند و مباحث هرکنگره مباحث کنگره قبلی را تکمیل میکند. سیر منطقی بحث از بحث حزب و قدرت سیاسی که منصور حکمت در کنگره دوم مطرح کرد (این بحث تم اصلی کنگره دوم بود اما بشکل قطعنامه و مصوبه مطرح نشد)، سپس بحث "حزب و جامعه" و در تداوم آن بحث موقعیت حزب در کنگره سوم در اکتبر ۲۰۰۰، آخرین کنگره‌ای که منصور حکمت حضور داشت، ادامه پیدا میکند و در کنگره‌های چهارم و پنجم در قطعنامه‌های چشم انداز انقلاب و موقعیت حزب کمونیست کارگری و قطعنامه طبقه کارگر و قدرت سیاسی در کنگره چهارم، قطعنامه حزب و جامعه در ایران مصوب پلنوم بیست کمیته مرکزی حزب، و سپس قطعنامه‌های کنگره پنجم تکمیل میشود. خواننده میتواند سیر منطقی مباحث کنگره‌های حزب را در این کتاب دنبال کند.



قدرت ما در رادیکالیسم و سوسیالیسم ماست

حمید تقوائی

متن سخنرانی افتتاحیه کنگره پنجم حزب

من هم به سهم خودم شرکت در کنگره پنجم حزب را به همه شما خوشامد میگویم. همه میدانیم این یک کنگره ویژه و فوق العاده است ولی چرا اینطور است؟ فوق العادگی این کنگره در

چیست؟ خواهید گفت شرایط ویژه ای پیش آمد، بحث‌هایی در گرفت، اختلافات نظری داشتیم و يك کنگره فوق العاده تشکیل دادیم برای اینکه این بحث‌ها و اختلاف نظرات را به سرانجام برسانیم. این بخشی از واقعیت را توضیح میدهد ولی به نظر من این همه داستان نیست. لازم نیست کسی بداند در صفوف ما چه بحث‌هایی پیش آمد تا به ویژگی این کنگره پی ببرد. کفایت فقط در این کنگره حضور داشته باشد تا بفهمد این کنگره چرا فوق العاده است. این کنگره فوق العاده ای است از يك حزب فوق العاده، از آدم‌هایی فوق العاده در جهانی که چنین انسان‌هایی در آن بسیار کم هستند. در دنیائی که تروریسم اسلامی يك گوشه آنست و میلیتاریسم آمریکا گوشه دیگر آن، در جهانی که اسلام سیاسی در قلب اروپاست و دو سوم مردم آن زیر خط فقر زندگی میکنند، دنیائی که جنگ و تروریسم و فقر در آن بیداد میکند، در دل این دنیا يك چنین جمع عظیمی از انسان‌های کمونیست جمع میشوند تا اعلام کنند "ما میخواهیم این دنیا را تغییر بدهیم". این کنگره فوق العاده است بخاطر اینکه کنگره يك حزب فوق العاده است. ویژگی ما، فوق العاده بودن ما، غیر متعارف بودن ما، از اهداف ما و سیاست ما و مبارزه ما ناشی میشود. شمائی که اینجا نشسته اید در ده‌ها عرصه درگیر این مبارزه هستید. ما با اسلام سیاسی در فرانسه جنگیدیم، برای حقوق کودک در کل اسکان‌دیناوی جنگیدیم و هم اکنون داریم علیه قوانین شریعه در کانادا می‌جنگیم - رفیقای که راس این مبارزه است باید در میتینگی حاضر میشده و هنوز خودش را به این کنگره نرسانده است. ما يك حزب درگیر در مبارزه ایم. ما حزب اول ماه مه سقزیم، حزب مطرح کننده و مبتکر و مجری نقشه عملی هستیم و راهی را جلوی فعالین جنبش کارگری گذاشتیم که امروز جامعه دارد به آن جواب میدهد. تشکیلات این حزب در خارج کشور فقط نوك كوه یخ است. من پیام‌هایی را که از داخل ایران برای این کنگره آمده است دیده‌ام. برای اولین بار رفقائی از داخل زیر قطعنامه هائی امضا گذاشته اند و خواسته اند که بعنوان تایید کنندگان قطعنامه به کنگره معرفی شوند. رفقای متعددی پیام داده اند و اظهار نظر کرده اند. نه فقط راجع به بحث‌های داخلی ما، بلکه راجع به حزب و اینکه حزب چه باید بکند. بما میگویند چرا حزب دنبال بحث حزب و جامعه در ایران را نمیگیرد. میگویند ما را تا اینجا آورده اید، گام بعدی چیست؟ میگویند رهنمود بدهید و انتظار ما از کنگره اینست که رو بجامعه بگوید چطور انقلاب را میسازد و ما را در هر عرصه مشخص چطور راهنمائی میکند. من فکر میکنم در هیچ کنگره ای بخش مخفی حزب، آن پیکر عظیمی که هیچوقت دیده نمیشود تا این اندازه در کنگره دخیل

نبوده است و تا این درجه کنگره را مربوط به خودش نمیدانسته است. این کنگره، کنگره همه این رفقا است. این کنگره ویژه ایست برای اینکه ما مبارزه ویژه ای را در عرصه های مختلف به پیش میبریم. و مهم نیست که کجا هستیم، در اروپا هستیم و یا در ژاپن و استرالیا هستیم و یا در خود ایران، در هر جا هستیم مبارزه واحدی را به پیش میبریم علیه این دنیائی که برای ما ساخته اند.

ما کنگره ویژه ای هستیم برای اینکه منصور حکمت شخصیت ویژه ای بود. و برای اینکه سوسیالیسم ما سوسیالیسم ویژه ای هست. سوسیالیسمی که فوری باید پیاده شود و سوسیالیسمی که همین امروز میخواهیمش. سوسیالیسمی که با فعالیت مبارزاتی هر روزه مان داریم معنی میکنیم. سوسیالیسمی که لازم نیست کتاب خوانده باشید و تئوری بدانید و کتاب کاپیتال را مطالعه کرده باشید و یا لنین را بشناسید تا بفهمید و بخواهیدش. سوسیالیسمی که منصور حکمت گفت زیر پوست هر انسانی پیدایش میکند. ما حزب این نوع سوسیالیسم هستیم. ما حزب انقلاب هستیم نه فقط بخاطر اینکه در قطعنامه هایمان و تئوریهایمان و مباحثمان از انقلاب حرف زده ایم. بخاطر اینکه يك انقلاب زنده در ایران موقوف و منوط به اینست که این حزب چه میکند، کجا می ایستد و به کجا میرود. ما حزب انقلابیم بخاطر اینکه جنبش ما از انقلاب ۵۷ بیرون آمد تا انقلاب بعدی را بسازد. و اگر ما این دو نقطه را بهم وصل نکنیم هیچکس نخواهد کرد و انقلابی در ایران رخ نخواهد داد. ما حزب انقلابیم بخاطر اینکه تاریخ واقعی ایران ده بیست ساله اخیر مهر ما را بر خود دارد. اگر بیست سال بعد تاریخ نویسان به ایندوره نگاه کنند خواهند گفت که اگر این حزب نبود شیرین عبادی رئیس جمهور ایران میشد، اگر این حزب نبود دوره سوم ریاست جمهوری آقای خاتمی شروع میشد. اگر این حزب نبود آقای سروش سکولار نمیشد و اگر این حزب نبود حتی راست جامعه حرفهایش را قورت نمیداد. این حزب سوسیالیسم و انقلاب است نه فقط بخاطر حرفها و نظراتش، و یا سیاستهایش و یا برنامه و تئوریهایش. بلکه بیش از همه اینها بخاطر موقعیت عینیش در دنیا، بخاطر موقعیت عینیش در ایران و در فرانسه و در سوئد و در آلمان و در کانادا. امروز افکار عمومی کانادا میداند که اگر حزب ما نبود دادگاههای اسلامی حل اختلافات خانوادگی در آنجا بر پا شده بود. داشتند کارشان را میکردند. اما امروز استان به استان و ایالت به ایالت دارند طرح دادگاههای اسلامی را رد میکنند، حرف خودشان را قورت میدهد و میگویند چه کسی از قوانین شریعه صحبت کرد؟ ایالت ما این قوانین را رد میکند و

قبول ندارد! چرا؟ برای اینکه حزب ما آنجاست. خیال میکنند حرف خودشان را میزنند. خیال میکنند حرف ولتر را میزنند. خیال میکنند حرف لیبرالها را میزنند، خیال میکنند حرف انقلاب فرانسه را میزنند! چه کسی اینها را بیادشان آورده است؟ ما! دارید حرف ما را میزنید! (کف زدن حضار). طرفدار حقوق بشر شده اند. طرفدار برابری زن و مرد شده اند. میگویند مثل اینکه نسبت فرهنگی آنقدرها هم خوب نیست. مثل اینکه تعریف بشر جهانشمول است. بیاد این افتاده اند که جامعه مدنی در عراق لازمست. سر و کله مصلحین پیدا شده است. رفرمیستها پیدا شده اند. دو خرداد فقط مال ایران نیست. ما همه جا دو خرداد بوجود آورده ایم. از دل ارتجاع، از دل ریگانیسم و تاجریسم، جهان دارد په چپ میچرخد. خبرنگارهایی در بی بی سی پیدا شده اند که لیبرال چپ شده اند و بدنبال ما میگردند که با ما مصاحبه کنند. ما هر جا که هستیم و هر اندازه که میتوانیم دنیا را به چپ سوق میدهیم. این کنگره، کنگره ماست. این ویژگی ماست. ما یک حزب فوق العاده در این دنیای سیاه هستیم و این کسانی که اینجا نشسته اند سیاسیون، فعالین و مبارزین ویژه ای هستند. تعداد ما زیاد نیست - اولین وظیفه ما اینست که فعالینی مثل خودمان بوجود بیاوریم و حزب را گسترش بدهیم - ولی انقلابیگری ما، سوسیالیسم ما فقط از عقایدمان و ادبیاتمان نمی آید، از موقعیت عینی ای ناشی میشود که در جهان داریم و اگر کسی این موقعیت عینی را نبیند تئوریهایش هم به راست میچرخد. مثل یک حفرة سیاه که همه چیز را بداخل خود می بلعد اگر موقعیت عینی و اجتماعی خودمان را نبینیم و به آن متکی نشویم و با آن به پیش نرویم، تئوریهایمان را هم با خودمان به ته چاه میبریم. همه چیز حزب از دست میرود. عقیده و تئوری بر جنبش عینی مقدم نیست، در دنیای واقعی این رابطه برعکس است. این را مدتها پیش منصور حکمت گفت. این تز پایه ای کمونیسم کارگری است. جامعه ای که چپ را میخواهد و به کمونیسم احتیاج دارد چپ خودش را میسازد. ما حزب یک جنبش عظیم چپ هستیم. حزب انقلاب سوسیالیستی هستیم و کسی که این پایه عینی را نبیند و از آن دور شود کم کم برنامه ها و تئوریهها و سیاستهای انقلابییش را هم کنار میگذارد. یا اینکه آرمانهایش را قاب میکند و سر تاقچه میگذارد و در عمل تیشه به ریشه حزب انقلابی میزند. رفقا این تعارف نیست این یک واقعیت است: بدون حزب ما جنبش سرنگونی علیه رژیم اسلامی به اینجا نمیرسید و در آینده هم بدون حزب انقلابی در ایران در کار نخواهد بود. بدون حزب ما جمهوری اسلامی تا به این حد تضعیف نمیشد، و اسلام سیاسی در سراسر جهان میتازید بی آنکه با هیچ مقاومتی روبرو

شود. ما داریم در ایران و در دنیا سوسیالیسم و انقلاب را نمایندگی میکنیم. این ویژگی ماست.

میگوئید خب، بحثهای داخلیمان چه میشود؟ من میپرسم داخلی؟ کدام داخل؟ آیا دیواری بین حزب ما و جامعه هست؟ ما بحث خودمانی داشتیم؟ بر سر تفاوت سلیقه مان در نوع غذا و لباس بحثمان شد؟ کدام بحث داخلی؟ آن جنبشهایی که این ویژگیهای ما را نداشتند آمدند تا این ویژگیها را نفی کنند. و این تلاش در صفوف ما منعکس شد. در صفوف ما حرفهایی زدند که برای جنبش ما کاملا غریب و تازه بود اما در جامعه و در جنبش راست حرف تازه ای نبود. ما در جامعه مشغول جنگیدن در برابر نظراتی بودیم که میگفت انقلابی در کار نیست، سوسیالیسم عملی نیست و تئوریهها و برنامه ها و اهداف دیگری را در مقابل جامعه قرار داده بود. بیش از دو دهه با این نظرات جنگیدیم و آنها را به عقب راندیم و ناگهان دیدیم که از داخل سنگر خودمان همان نغمه ها شنیده میشود. بحث اصلا داخلی نبود. بحثی از این سیاسی تر و اجتماعی تر و بیرونی تر مدتهاست که در حزب نداشته ایم. می خواستند هرسمان کنند. میخواستند ما را به شکل حزب متعارف در بیاورند. میخواستند ویژگیهایمان را بزنند. میخواستند از راههای متعارف بقدرت برسیم. به جای اتکا به رادیکالیسم میخواستند به افکار عمومی ساخته و پرداخته راست جهانی و ایرانی متکی بشوند. میخواستند پایون بزیم و متمدن بشویم و ویژگی هایمان را یک بیک کنار بگذاریم. انقلاب و قیام غیر متمدنانه است؟ رفقا، وحوش، جانوران سیاسی در پارلمانها هستند، در دولتها هستند. متمدنین، آن دنیای متمدنی که منصور حکمت میگوید در خیابانها است. ما نماینده این جهان متمدنیم. به بالا نگاه کردند و ظاهرا متمدنین را آن بالا پیدا کردند. گفتند باید متعارف بشوید. گفتیم انقلاب گفتند کدام انقلاب؟ انقلابی در کار نیست، این فروپاشی است. گفتیم سوسیالیسم گفتند حرفش را نزنید، مردم رم میکنند، نیروهایمان پراکنده میشوند. گفتیم کنگره گفتند مراسم تدفین است در آن شرکت نمیکنیم. این یکی را درست گفتند یک نظر را میخواستیم دفن کنیم. یک نظر و سیاست را و این را تشخیص دادند و به کنگره نیامدند. این کنگره تشکیل میشود تا بگوید ما حزب انقلاب سوسیالیستی هستیم. (کف زدن حضار).

رفقا ما درگیر ساختن این انقلاب هستیم. ما در نقطه شروع نایستاده بودیم که یکی بگوید راه الف را باید رفت و یکی بگوید راه ب را. ما بیست و پنجسال است، از انقلاب ۵۷ راه خودمان را انتخاب کرده ایم و این راه بعد از منصور حکمت ادامه پیدا کرد. ما کنگره چهارم و

پلنوم بیستم را داشتیم و راه منصور حکمت را ادامه دادیم و به پیش رفتیم. به ما میگفتند این راه بجائی نمیرسد. این راه ظاهراً زیادی ایدئولوژیک بود، زیادی آرمانی بود، و پا در هوا و غیر واقع بینانه بود. کاری که ما باید بکنیم، کاری که این کنگره باید بکند، باید بر خط و سیاست رادیکال و ماکسیمالیستی همیشگی ما تاکید کند. هیچ سیاست و موضع جدیدی را لازم نیست تصویب کنیم. لازمست بگوئیم به خط تا امروزمان ادامه میدهیم، مسائل امروز را بر بنای اینخط حل و فصل میکنیم و موانع را از سر راهمان برمیداریم و نشان میدهیم که در دل همین شرایط امروز چطور باید انقلاب سوسیالیستی را ساخت و چطور باید پیروز شد. این کاریست که کنگره باید انجام بدهد.

مرسوم است که برای کنگره‌ها اسم بگذاریم. من میگویم این کنگره، کنگره انقلاب سوسیالیستی است. کنگره انقلاب و کنگره سوسیالیسم است. نه بعنوان ایده آل و آرمانی که بعداً باید متحقق بشود بلکه بعنوان کار و فعالیتی که همین امروز همه ما درگیرش هستیم و باید بسیار وسیعتر، بسیار فعالتر و بسیار همه جانبه تر با آن درگیر شویم. این کنگره رو بجامعه برای همه کسانی که از اینترنت دارند ما را میبینند و یا بعداً فیلمهای کنگره را می بینند و یا به اسناد کنگره رجوع میکنند، باید روشن کند که چطور باید انقلاب را ساخت، به کجا باید برویم و چطور باید برویم. قطعنامه‌ها و اسنادش را داریم و در این گنکره بحث و بررسی میکنیم و به تصویب میرسانیم.

رفقا ما حزبی هستیم که امروز میلیونها چشم به آن خیره شده است، ما دیگر فقط کنفرانس برلینی نیستیم لقب ما در ایران کانال جدیدی هم هست. و این يك لقب چپ است. کانال جدیدی یعنی رادیکال، یعنی شفاف و روشن، یعنی کسی که حرف دل مردم را میزند و آرمانهای مردم را نمایندگی میکند. این حزب نمیتواند دیگر در مقیاس محافل و گروه‌ها و فرقه‌ها و حتی احزاب متعارف فکر و عمل کند. این حزب یا در این میدان و در مقابل چشم میلیونها نفر نشان میدهد که چطور باید انقلاب را سازمان داد و به پیروزی رساند و یا هیچ چیزی از گذشته اش نماند. بقول منصور حکمت بر نمیگردید به سر جای امروزتان. یا در همین راهی که تا امروز آمده ایم با جدیت و فعالیت و قاطعیت بیشتر به پیش میرویم و یا تمام میشویم. به کمونیست شکست خورده امان نمیدهند. کمونیست شکست خورده حزب لیبرالها نیست که برود در دانشگاهها درس بدهد تا دوباره به پارلمان دعوتش کنند. کمونیسم شکست خورده را جارو میکنند. ولی آیا میتوانند ما را شکست بدهند؟ این تماماً بسته به کار و فعالیت

ماست. آن جهان متمدنی که منصور حکمت به آن رجوع میکند میگوید کمونیسم کارگری در صحنه است. در صحنه سیاست ایران نگاه کنید میبینید که ما حزب اکثریت قاطع جامعه، حزب کارگران و جوانان و زنان هستیم. ما حزب نود درصد مردم جامعه هستیم، آن جامعه، نیازها و ضروریات آن جامعه، اجازه نمیدهد کمونیسم کارگری را حذف کنند. بقول منصور حکمت اگر ما هم نباشیم چه جامعه و جنبش کمونیسم کارگری حزب خودش را میسازد و حولش متشکل میشود. حزب ما حزب ضرورت و نیاز زمانه ماست و تا وقتی این ضرورت و نیاز هست وظیفه ما پاسخ به این نیاز است. این انتظار از ما می‌رود، این خلا را باید پر کنیم. دنیا بدون ما بسیار سیاه تر و کثیف تر و تاریک تر می‌بود. این نور و این روشنی باید ادامه پیدا کند، ما باید جایگاه و نقش خودمان را بشناسیم و محکم و استوار این نقش و مکان را حفظ کنیم.

رفقا ما یک حزب فوق العاده ایم و این کنگره یک کنگره فوق العاده است. و کسانی که این ویژگیها را ندیدند و نخواستند، در این کنگره شرکت نکردند. ما در این کنگره یکبار دیگر دور هم جمع شده ایم تا تاکید کنیم بر خط و سیاستی که داشتیم و بر مبارزه ای که پیش می‌بردیم. این مبارزه بداخل سنگرهایمان کشیده شد و ما با تمام قوا ایستادیم و جنگیدیم. همانطور که همه ما و در جامعه وقتی به چنین نظراتی بر می‌خوریم می‌ایستادیم و می‌جنگیدیم. مبارزه خوشایندی نبود، یک تراژدی بود و سخت بود. رفقای همسنگرت بودند رفقای بودند که سالها در کنار هم مبارزه مشترکی را به پیش می‌بردیم. تراژدی فقط انشعاب و جدائی این رفقا نیست. این بخشی از مساله است. تراژدی وقتی است که میبینید رفقای قدیمیتان حرفی را میزنند که تا دیروز از سنگر مقابل میزدند. مسلما آگاهانه و عامدانه چنین نمیکنند ولی بطور عینی و واقعی و در بطن جامعه در تقابل میان چه و راست در کنار راست قرار میگیرند. کسی که تا دیروز در کنار ما ایستاده بود و همین نوع سیاستها و نظرات و عقایدی که امروز پرچمش را بلند کرده نقد میکرد امروز در مقابل ما قرار گرفته است. تراژدی ایجاست. چرا اینطور میشود؟ چرا احزاب کمونیست انشعاب میدهند؟ چرا در احزاب راست کمتر شاهد چنین انشعابهائی هستیم؟ دلیل روشن است. چون حزب بورژوا یک حزب متعارف است، حزب عقاید عمومی است، حزب سنتها و فرهنگ مسلط است. تمام مذهب و ناسیونالیسم و فرهنگ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی طبقاتی حزب بورژوا را نگاهمیدارد و هر فرقه اش و هر فراکسیونش و هر بخشش بالاخره دارد در چارچوب فرهنگ و ارزشهای مسلط کار میکند و

ساز طبقه حاکمه را میزند. اما حرفهای ما کمونیستها را از جای دیگری نمیشنوید. در فیلمها و رمانها این حرفها و عقاید را نمیبینید. در بی بی سی و سی ان ان نمیبینید. در روزنامه‌ها نمیبینید. مادرها با حرفهای ما برای بچه‌هایشان لالائی نمیگویند، در کودکانها حرفهای ما را سرود نمیکنند، در مدارس حرفهای ما را درس نمیدهند و اگر ما مدام و با صدای بلند عقایدمان را بیان نکنیم و بر آن پا نفرسیم فرهنگ مسلط هجوم میآورد. اگر ویژگیهای خودمان را نبینیم اگر این گوهر را در دست نداشته باشیم و بر ماکسیمالیسم و رادیکالیسم و سوسیالیسم استوار نمانیم به ما هجوم می‌آورند و در سنگر خودمان میکوبندمان. این اولین انشعاب در حزب ما نبود، امیدوارم آخرینش باشد ولی اگر هم نباشد تعجب نکنید. دعوای درونی در کار نیست. اینطور نیست که ما با هم میسازیم، فرهنگ مسلط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه با ما میسازد. ویژگی ما را بر نمیتابد و مقاطعی هست که میبینید در صفوف خودتان در مقابل شما ایستاده است. باید ایستاد و جنگید و کنارش زد. اگر حزب رادیکال و خلاف جریان و افراطی و غیر متعارف نباشیم دیگر چیزی برایمان نمانده است. این ویژگیها را از دست بدهیم نود درصد مردم ایران امیدشان را از دست میدهند. کارگران و زنان و جوانان در ایران امید به رهائی را از دست میدهند. و نه فقط در ایران بلکه سکولارهای کانادا و تورنتو هم نومید میشوند، آخوند را وارد زندگی زنانی میکند که ما تا امروز اجازه نداده ایم دادگاه شریعه بر زندگیشان چنگ بیندازد، اگر این ویژگیها را از دست بدهیم به سر کودکان خانواده‌های مسلمان در اسکاندیناوی چادر میکنند. این ویژگیها را از دست بدهیم امیدی به سوسیالیسم و امیدی به آزادی نیمماند. انشعاب میدهیم متاسفانه. برای آنکه تمام دستگاه سیاست سازی و حزب متعارف سازی دنیا علیه ماست. این جزئی از مبارزه ما، بخشی از مبارزه ما با کل جنبش راست در دنیاست. تاسف اینجاست، تراژدی اینجاست که این مبارزه به داخل سنگرهای خودمان کشیده شده است. برای جلوگیری از تکرار چنین تراژدی ای باید رادیکالیسم و ماکسیمالیسم و سوسیالیسم را در دست بگیریم و مثل تخم چشمان از آن مواظبت کنیم. من در مورد شخصیت تک تک رفقای که رفته اند قضاوتی نمیکنم و حرفی نمیزنم. هیچوقت این کار را نکرده ام. همه آنها رفقای شریف و رادیکالی هستند، انسان بالآخره اشتباه میکند، تند پیچها را تشخیص نمیدهد و هزار و یک عامل باعث میشود انسان انتخاب سیاسی اشتباهی بکند. من امیدوارم خیلی از این رفقا برگردند و در کنگره بعدی صندلیهای خالی را پر کنند. جنگی که من کردم جنگ با جبهه مقابل بود وقتی که دیدم از سنگر خودمان

سر در آورده است. و این نبرد جزئی از مبارزه و نبرد همیشگی ما کمونیستهاست. ما دعوای داخلی با کسی نداشتیم و نداریم. این يك مبارزه اجتماعی و سیاسی و طبقاتی است. ما یکبار دیگر از این نبرد پیروز بیرون آمدیم و این کنگره تشکیل شده است تا این پیروزی را اعلام کند. اگر در این نبرد شکست میخوریم در جبهه علیه شریعه در جبهه اول ماه مه سقز و در جبهه حزب و جامعه در ایران و در جبهه علیه اسلام سیاسی و در جبهه علیه جمهوری اسلامی شکست میخوریم. شك نداشته باشید. قدرت ما ویژگی ماست قدرت ما اینست که فوق العاده ایم.

رفقا یکبار دیگر حضور شما را در کنگره فوق العاده خوب کمونیست کارگری ایران خوشامد میگویم.



گزارش تشکیل کنگره، خلاصه متن پیامها به کنگره

شهلا دانشفر

با سلام به همه رفقا من هم به سهم خودم به همه شما خوش آمد میگویم. همانطور که گفته شد من اینجا قرار است که گزارش تشکیل کنگره را به اطلاع برسانم تا بعد از آن کنگره وارد دستور جلسه رسمی خودش بشود.

این يك کنگره فوق العاده است، حمید تقوایی این را در صحبتهايش گفت. در کنگره ها رسم بر اینست که انتخابات میشود و بعد کنگره ها مشروعیت انتخابات را تایید میکنند و کنگره رسمیت خودش را اعلام میکنند. اما این يك کنگره ویژه است. همانطور که اطلاع دارید در جریان اختلافات درون حزب اعضا و کادرهای حزب با نوشتن طومار و جمع کردن امضا خواهان برگزاری کنگره شدند. این امضاها به بیش از ۴۰۰ رسید. این امضا کردن ها ادامه داشت که حمید تقوایی لیدر حزب تشکیل کنگره پنج را اعلام کرد و فراخوان به تشکیل آن داد

و تاریخ برگزاریش را اعلام کرد. بدین ترتیب امضا جمع کردن‌ها متوقف شد. و گرنه اگر ادامه پیدا میکرد حتما امضاهاى بیشتری با خواست تشکیل فوری کنگره جمع میشد. بدنبال اعلام تشکیل کنگره طی کمتر از يك ماه این کنگره تدارك دیده شد و کنگره‌اى که ما الان شاهدش هستیم سازمان پیدا کرد و اعضا برای شرکت در آن شروع به ثبت نام کردند. بنا به گزارش برای کنگره ۴۸۵ نفر ثبت نام کرده اند. از این ۴۸۵ نفر الان تعدادی در راه هستند و به ما خبر رسید که به دلیل تصادفی در راه عده‌اى در ترافیک مانده اند آنها هم تا فردا به جمع ما می پیوندند. بنابراین این بزرگترین کنگره این حزب است. کنگره‌اى که در ظرف کمتر از يك ماه چنین جمعی در آن نشسته اند. ابهت این کنگره برای من آنقدر است که مشکل است بتوانم وصفش کنم. در هرحال وارد گزارش میشوم. علاوه بر این ۴۸۵ نفری که ثبت نام کرده اند تعداد ۲۰۳ نفر از اعضای این حزب با ارسال پیام برای کنگره اعلام کرده اند که به دلیل اینکه فرصت کوتاهی بوده، مشکل کاری داشته اند، مشکل شخصی داشته اند، نتوانسته اند در این کنگره شرکت کنند و گفته اند این کنگره ما را نمایندگی میکند. بعلاوه اینکه همین امروز ما چهار پیام دیگر هم از رفقایمان دریافت کردیم که آنها گفته اند این کنگره آنها را نمایندگی میکند. از ۲۰۳ نفری که به کنگره پیام داده اند، ۲۷ نفر آنها از ترکیه هستند که میدانید آنجا به دلیل مشکلات پاسپورت و نداشتن ویزا نمیتوانستند در اینجا حضور یابند و به همین دلیل به ما پیام همبستگی داده اند. همچنین از انگلیس ۲۲ نفر از کانادا ۶۵ نفر، از سوئد ۶۴ نفر و از فنلاند، هلند، بلژیک، نروژ استرالیا، و آمریکا. از همه این کشورها ما پیام همبستگی دریافت کرده ایم.

اما از داخل ایران.

همانطور که حمید تقوایی گفت این کنگره ویژه بود و ما بیشترین عکس العمل را از داخل ایران گرفتیم. پیامهای زیادی از داخل به دست من رسید. رفقای ما در داخل به اشکال مختلف در مباحثات این دوره شرکت کردند، پیام همبستگی فرستادند، برای کنگره پیام دادند و اصرار داشتند که پیامهایشان در این کنگره خوانده بشود. تا آخرین مهلت رفقا زنگ میزدند، پیام می دادند، خواستند که امضایشان پای قطعنامه‌ها گذاشته شود. این سطح جنب و جوش در داخل ایران و تلاش برای دخالت در حیات سیاسی حزب جدید و شورانگیز بود.

ما پیامهایی از جمعهایی از ماهشهر، آبادان، تبریز، سقز ارومیه و تهران داشتیم. ۶ جمع مرکب از جمع‌های کارگری، دانشجویی، جوانان از شهرهای تهران تبریز و سنندج سقز مرئیوان و

بانه برای کنگره ۵ پیام فرستادند و ما همچنین از رفقا منصور تهرانی، ساسان رهایی، مسعود اورنگ، نوید مینایی، خسرو ساعی، یاشار سهندی، مهدی کارگر، فرید از تهران، اسد حکمت، سامان، فواد شافعی، سامان، بهزاد، سینا سپهری، کریم احمدی، مرتضی، مصطفی، آرش سرخ پیام داشتیم. پیامهای همه این رفقا اینجا در پوشه است هرکس بخواد میتواند مراجعه کند. در فاصله جلسات نیز اگر فرصت شد متن پیامها خوانده خواهد شد.

من قسمت هایی از برخی از پیامهای رسیده را برایتان میخوانم.

* رفقا پوریا رضا آیدر، رامین، هاوار فاروق پرویز، مونا شیوا فرانک، فرخنده از سنندج و احمد هژار، جلال طیب ویدا و ندا و مهدی از سقز، و سمین و آکو از مریوان، ملیشا و جیانا نینا و محمد از سقز در نامه ای گفته اند ما دوستداران حزب در کردستان از جمله شهرهای سنندج و مریوان و سقز طرفداری خود را از حزب کمونیست کارگری ایران اعلام میکنیم و ادامه داده اند به امید تحقق آرمان های حزب و منصور حکمت پیش به سوی کنگره ای با عزم و اراده راسخ"

* جمعی از فعالین از تهران گفته اند: ما همه کنگره ۵ را به حزب و به همه مان تبریک میگوییم. ما با تمام قوا پشتیبان حزب منصور حکمت هستیم و حزب منصور حکمت حزب ماست. رفقای سابق را فرامیخوانیم که به کنگره بیایند. از نظر ما رفتن آنها از این حزب کار درستی نبود. ما امیدواریم کنگره ای با شکوهرتر از کنگره ۵ داشته باشید. ما میخواهیم که قرار زنده باد شوراها را به کنگره ببرید و امضای ما را نیز در زیر این قرار بگذارید.

امضاء سامان، بهزاد، مصطفی

* خسرو ساعی در مطلبی خطاب به کنگره مینویسد: با عزمی راسخ تر از همیشه دست شما رهبران کنگره پنجم مخصوصا رهبر و رفیق عزیزمان حمید تقوایی را صمیمانه میفشارم و اطمینان میدهم که روح و جان همه اعضا و فعالین داخل کشور حزب در کنگره پنجم با شما خواهد بود، چرا که این رفقا حزب کمونیست کارگری را با شکل و شمایل تشکیلاتی و سیاسی - اجتماعی که تا به امروز داشته است انتخاب کرده اند. چرا که حزب را با انقلابش نه با نافرمانی مدنی، با مجمع نمایندگان شوراهاش نه با مجلس سنایش و با سوسیالیسم بلاواسطه و بدون تخفیفش انتخاب کرده اند، اگر به جز این بود انتخاب دیگری میکردند....

* کریم احمدی مینویسد: حزب و دیدگاه جنبشمان همانطور که در نقد چپ غیر کارگری در تمامی عرصه‌ها رشد کرد، اینبار با نقد جریان راست درون خودش گام بزرگی به طرف انقلاب و رهبری آن برخواهد داشت. به امید برگزاری کنگره ای عظیم و موفق.

* کریم احمدی همچنین پیام زیر را از طرف جمع‌هائی از فعالین حزب در ماهشهر، آبادان، تبریز، اراک، تهران، ارومیه و سقز ارسال کرده است:

رفقای شرکت کننده در کنگره ۵

با سلامهای گرم و با آرزوی برگزاری کنگره ای با شکوه به عظمت جنبشمان البته از اینکه دیر پیام خود و سایر رفقا را به شما مینویسم پوزش می‌خواهم. امیدوارم در هنگام برگزاری کنگره آنرا داشته باشید. این پیام از طرف تعدادی از دوستان و فعالین حزب در شهرهای ماهشهر، آبادان، تبریز، اراک، تهران، ارومیه، و سقز است که از من خواستند برایتان بنویسم و ارسال کنم.

پیام به کنگره ۵ مواضع راست منشعبین بیانگر اینست که کمونیسم کارگری به قدری قوی و با بنیه است که هر کسی بخواهد به نام این جنبش و رهبر فکری آن منصور حکمت حرف بزند دیر یا زود حباب تبلیغات و هیاهوی سیاسی آنها، تهی بودن و تناقضاتشان، با اهداف واقعی جنبش کمونیسم کارگری آشکار شده و افشا و طرد خواهد شد.

امیدوارم این کنگره بتواند گامهای اساسی در جهت قوت بخشیدن به اتحاد نظری و سیاسی که لازمه کمونیسم کارگری برای رهبری انقلاب آتی ایران است بردارد. ما نیز همانطور که منصور حکمت و حمید تقوایی در مباحثات خود نوشتند، معتقدیم تنها راه حزب و ارتقا کیفی و کمی کمونیسم کارگری در عرصه مبارزه اجتماعی در گروهی ثبات نظری و سیاسی با بنیادهای مارکسیستی و بویژه دیدگاههای منصور حکمت است. این انشعاب نشان داد که حزب فقط در صورت کادرسازی قوی و ارتقاء دانش سیاسی و نظری اعضا و کادرهای خود و مشارکت دادن بدنه در حیات نظری و سیاسی حزب است که میتواند از بروز چنین اتفاقی جلوگیری کند.

ما از همین جا به شما اطمینان میدهم که هیچ کدام از دیدگاههای راست مطرح از طرف کوروش مدرسی در واقعیت‌های جامعه ایران و سطح مبارزه اجتماعی خوانایی نداشته و کوچکترین بردی ندارد. از نظر ما کنگره خواهد توانست با موافقت و سربلندی برگزاری و قطعنامه‌هایی راهگشا برای هدایت و رهبری انقلاب در ایران را تصویب خواهد کرد. در اینجا

مردم تشنه انقلاب و جان به لب رسیده از جنایتهای جمهوری اسلامی میخواهند کل نظام سرمایه داری را نابود و بر ویرانه های آن جامعه سوسیالیستی برپا دارند و به کمتر از این رضایت نخواهند داد. هیچگونه سازش به هر بهانه قابل قبول نخواهد بود.

با آرزوی پیروزی و سربلندی حزب کمونیست کارگری

کریم احمدی

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۴

* رفیق نوید مینایی در مطلب زیبایی تحت عنوان حزب و جامعه و کنگره پنجم مینویسد: با مطالعه آثار منصور حکمت به روشنی میبینیم که کنگره پنجم کنگره آرا و نظرات منصور حکمت است نه نام خشک و خالی او و یا پسوندی از نامش بر نامی آشنا! بدون شك منصور حکمت بدون حمید تقوایی منصور حکمت نمیشد، بدون آذر ماجدی منصور حکمت نمیشد و حزب بدون اصغر کریمی حزب نمیشد. اینان کمونیست ها شناخته شده ایران هستند.

* جمعی از فعالین و دستداران حزب از تهران در قسمتی از نامه ای خطاب به اسد گلچینی و دیگر رفقا مستعفی نوشته اند: کنگره پنج حزمان نقطه عطف و تاریخ سازی در بستر تحولات جاری در ایران خواهد بود و یکبار دیگر بیش از هر زمان دیگری کمونیسم کارگری منصور حکمت را در راس این تحولات قرار خواهد داد. صمیمانه از شما میخواهیم در این پروژه انسانی و انقلابی با ما سهیم شوید. زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد منصور حکمت

* مسعود اورند از تهران در پیام خود کنگره ای موفق برای حزب آرزو کرده و مینویسد: دوست داشتم در کنگره شرکت میکردم و در کنار دوستان میبودم، اما به هر حال این شانس را ندارم.

* فواد شافعی از تهران به حمید تقوایی مینویسد: ضمن تشکر از شما بخاطر نمایندگی کردن مقاومت در مقابل جریان دست راستی در بالاترین سطوح حزب، باید بگویم که جوانانی که من در اینجا میبینم، کمونیستهایی که من در اینجا میبینم در شرایط جامعه ای در حال انفجار ایران، هر گونه نسخه راست، سازشکارانه و بی ویتامین را پس خواهند زد. بخصوص اگر در زیر لوای کمونیسم و منصور حکمت باشد. به امید برگزاری موفقیت آمیز کنگره ۵

* اسد حکمت در قسمتی از پیام خود به کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران مینویسد: کنگره ۵ کنگره کمونیست کارگری کنگره انقلابی. روزهای پرامیدی در راه است. حزب کمونیست کارگری به کنگره ۵ رسید، اما این کنگره متفاوت برای کل حزب و مردم چشم دوخته به آن خواهد بود. این کنگره ایست که در آن حزب بار دیگر پایبندی به آرمانهای و الایش را ثابت خواهد کرد، بار دیگر از بلندگوها اعلام خواهد شد که حزب انقلاب ایران حزب کمونیست کارگری است، بگذار رژیم بر خود بلرزد، بگذار اسلام سیاسی بر خود بلرزد، بگذار سرمایه داری در دنیا بر خور بلرزد. حزب کمونیست کارگری در ایران به هیچ وجه از آرمانهای والای انسانی اش يك ذره عقب نشینی نمیکند، و در ادامه این نوشته به تمام رفقای که در این کنگره شرکت کردند درود و تبریک میفرستد و برای کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری آرزوی موفقیت میکند.

* سینا سپهری از تهران در نامه ای خطاب به حمید تقوایی مینویسد: ای کاش من هم میتوانستم در کنگره ۵ شرکت کنم. خواستم به شما بگویم که حمید تقوایی عزیز ما تا نهایت توانمان با شما هستیم و از عقاید منصور حکمت دفاع میکنیم.

* فرید از تهران در پیامش به کنگره اشاره میکند: در حال حاضر که راست گرایان از حزب ما جدا شده اند بهتر میتوانیم ماهیت چپ و توانائی جنبش خود را آشکار کنیم.

* يك جمع ۹ نفره از تهران، کرج، سنندج و کرمانشاه در پیامی نوشته اند:

۱- بحث تعیین بخشی از حمید تقوایی را بیشتر مبنای کار و فعالیت حزب قرار دهید.

۲- جنگ لفظی را با این جریان متوقف کنید و کار حزب را پیش ببرید.

۳- این جریان را بعنوان يك جریان چپ برسمیت بشناسید، در عین حال نقدتان را به

نظراتشان داشته باشید.

برای کنگره ۵ آرزوی موفقیت و پیروزی داریم و برگزاری کنگره را تبریک میگوئیم.

* و بالاخره یاشار سهندی پیامی برای ما فرستاده و درخواست کرده که این پیام را پروین کابلی در اینجا بخواند که در وقت خودش هیات رئیسه اجازه خواهد داد که این پیام در اینجا خوانده شود.

پیام یاشار سهندی به کنگره: من بدینوسیله حمایت قاطع و صریح خود را از سیاستهای حزب کمونیست کارگری ایران اعلام میدارم. و همه رفقای شرکت کننده (از حمید تقوایی لیدر حزب تا کوچکترین فرد سازمانی در کنگره را نماینده خود میدانم که در وضعیت کنونی عهده دار وظایف خطیری هستند. اکنون که راست حمله بیسابقه ای را به کمونیسم کارگری شروع کرده و به زعم برخی ضربه کاری به کمونیسم کارگری وارد شده است، وظیفه فعالان این جنبش بسیار حیاتی شده تا این ضربه کاری را خنثی کنند.

رفقا به پیش! موقع دست دست کردن نیست. جامعه ایران در آستانه تحولی تاریخی است. برای همین هم ضربات کاری بر جنبش ما وارد می آورند. انقلاب سوسیالیستی در ایران یعنی بشریت راه خلاصی خودش را پیدا کرده. این انقلاب جنبش راست را (اعم از اسلامی و غیر اسلامی) ناتوان خواهد ساخت. و به بشریت متمدن راه برون رفت از این توحش سرمایه داری را باردیگر نشان خواهد داد. این انقلاب جنبش مارکس را در سراسر جهان، حیاتی جدید خواهد بخشید.

این مطلب البته نکاتی است که هر کمونیست کارگری به آن واقف است، در این برهه از زمان اما باید تاکید مجدد بر این نکات کلیدی داشت. کنگره ۵ باید تثبیت همین نکات باشد تا پیروزی بر راست را رسمیت بخشد. به پیش رفقا!

زنده باد منصور حکمت، زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، آزادی برابری حکومت کارگری

* دو نفر از رفقای ایتالیائی حزب، آلفونسو و فولویو، و همچنین رفیق ازگور پالچینی از طرف رفقای حزب در ترکیه پیامهایی به کنگره داده اند:

پیام آلفونسو و فولویو: ایجاد جنبش کمونیسم کارگری در اروپا تعهد ما است. افق ما تشکیل حزب کمونیست کارگری بر اساس درسهای مارکس، لنین و منصور حکمت است. منصور حکمت به ما نشان داد که دوره جدیدی در مبارزه انقلابی پرولتاریا آغاز شده و ما باید با دیدگاه باز و شجاعانه به آینده نگاه کنیم و کسانی که به طبقه کارگر اعتماد ندارند را به حال خود بگذاریم. ما معتقدیم که حزب با آزاد شدن از گرایشات انحلال طلبانه و اپورتونیستی و در تحلیل نهائی گرایشات بورژوائی قوی تر میشود.

ما امیدواریم که حزب این درس منصور حکمت برای يك رهبری منسجم را دنبال کند.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد منصور حکمت

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

آلفونسو چیوفینی Alfonso Ciufini

فولویو Fulvio

پیام اوزگور پالچینی

رفقای عزیز درودهای ما را از جانب کمونیست‌های کارگری در ترکیه بپذیرید. حزب ما از نقطه عطف تعیین‌کننده‌ای گذشته است و با موفقیت بر آن غلبه کرده است.

این نشان میدهد که کمونیسم مارکس عمیقا در سلولهای حزب منصور حکمت ریشه دارد. حزب کمونیست کارگری نه تنها امید یک دنیای بهتر در ایران و عراق بلکه امید میلیون‌ها نفر در جهان است. کمونیسم کارگری این موقعیت اش را به اعتبار خواست سوسیالیسم الان، آزادیهای بی قید و شرط و بدون تخفیف در خواسته‌های ماکسیمالیستی اش کسب کرده است. دلیل جلب مردم از سراسر جهان بطرف حزب ما و اینکه همه چشمشان به سوی ما خیره شده است، این است که ما خواهان سوسیالیسم، حکومت کارگری، حکومت مردم بر مردم از طریق شوراها، موکول نکردن سوسیالیسم به آینده و داشتن برنامه، تاکتیک و استراتژی مشخص برای دستیابی به این خواست‌ها هستیم. چند روز پیش دو رفیق جوان در ترکیه به حزب ما پیوستند. علت این اتفاق همان است که مردم در سراسر دنیا به این سو جلب میکنند: اینکه سوسیالیسم امکانپذیر است و ما خواهان عملی کردن فوری آن هستیم. میدانیم که این کار ساده‌ای نیست، ولی همانطور که منصور حکمت گفته است، هیچگاه انسان تا این اندازه محتاج کمونیسم و فقط کمونیسم نبوده است. این دوره دوره ما است. ما علیه همه نیروهائی که میخواهند از برقراری سوسیالیسم جلوگیری کنند مبارزه میکنیم.

رفقای این کنگره باید کنگره منصور حکمت باشد. باید نشان دهد که این حزب، حزب شکست نخوردگان است. که این کنگره کنگره رسیدن به اولین پیروزی سوسیالیسم در قرن ۲۱ است.

به همه رفقا تبریک میگویم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری

زنده باد منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم

اعلام رسمیت کنگره

اصغر کریمی

گزارش شهلا دانشفر و در واقع گزارش آماری شهلا دانشفر را شنیدید. گوشه ای از پیامهایی که رسیده بود برایتان خوانده شد. همانطور که توضیح داده شد، هم حمید تقوایی صحبت کرد و هم در گزارش شهلا دانشفر، این کنگره با طوماری از ۴۰۰ نفر از اعضاء، که البته جمع آوری طومار در وسط راه متوقف شد، از لیدر حزب تقاضا شد. بعد حمید تقوایی کنگره را فراخوان داد. ۴۸۵ نفر نام نویسی کردند برای کنگره، راه افتادند بطرف کنگره که بخشا در اینجا هستند و اکیپ هایی در راه هستند که امیدواریم امروز و بعضا فردا به کنگره برسند. ۲۰۰ و چند نفر از اعضای حزب از خارج کشور کنگره را حمایت کردند و پیامهای خود را فرستادند. اینها به دلایل مختلف امکان شرکت در کنگره را نداشتند. همینطور اکثریت دفتر سیاسی خواهان تشکیل کنگره ۵ شده بود.

با توجه به همه این نکات اینجا از همه اعضای حزب در این سالن حضور دارند رسمیت کنگره را رای میگیریم. رفقای که موافق رسمیت یافتن کنگره ۵ حزب هستند لطفا دستشان را بلند کنند:

(رای گیری انجام گرفت)

بله به اتفاق آراء رای به رسمیت کنگره داده شد و بدین ترتیب کنگره پنجم رسمیت می یابد.

قطعنامه در مورد انشعاب راست از حزب مصوب کنگره پنجم به اتفاق آرا

۱) انشعابی که در اواخر اوت ۲۰۰۴ در حزب کمونیست کارگری ایران صورت گرفت، انعکاس واقعیت های سیاسی پایه ای و اساسی در جامعه ایران است. جامعه ایران برای حل بحران و بن بست جمهوری بیش از پیش به انقلاب و آلترناتیو چپ روی می آورد و در قطب مقابل، آلترناتیو راست در برابر انقلاب قرار میگیرد. آلترناتیو راست میکوشد تا از طریق کنار گذاشتن جمهوری اسلامی از بالا و یا با دخالت هرچه محدودتر مردم انقلابی و حل و فصل مساله قدرت از بالای سر آنها، بحران انقلابی حاضر را مهار کند و نظام سرمایه داری را از تهدید يك انقلاب اجتماعی عظیم برهاند. آلترناتیو چپ برعکس، میکوشد تا جمهوری اسلامی را به نیروی انقلابی مردم سرنگون کند، بیشترین عرصه دخالت مستقیم توده های وسیع کارگران و مردم را فراهم آورد، سرنگونی جمهوری اسلامی را به يك انقلاب اجتماعی تمام عیار تبدیل کند و با برقراری جمهوری سوسیالیستی پیروزی قاطع و همه جانبه بر جمهوری اسلامی و سرمایه داری را تضمین کند. این جدال اجتماعی بین چپ و راست در حزب کمونیست کارگری منعکس شد و اکثریت قاطع حزب خط رسمی و تاکنونی حزب یعنی آلترناتیو چپ را انتخاب کرد.

۲- مباحث و اختلاف نظرات درون حزب پس از در گذشت منصور حکمت عمدتا بر سر همین مساله اساسی در مقابل جامعه ایران یعنی بر سر استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی و حل انقلابی بحران جمهوری اسلامی صورت گرفت. این اختلافات اساسا حول دیدگاهی بوجود آمد که بوسیله رفیق کورش مدرسی در حزب مطرح شد. در این دیدگاه انقلاب به بهانه های مختلف از استراتژی تصرف قدرت سیاسی حذف میشود و بجای آن دیپلماسی قدرت و تشکیل دولتهای ائتلافی قرار میگیرد. توهم به تصرف قدرت بدون انقلاب عملا به دست شستن از

تغییر نظام اجتماعی و تحقق سوسیالیسم منجر میشود. ائتلاف و سازش طبقاتی و یا آوانتوریسم از نتایج گریز ناپذیر این نوع خیره شدن بقدرت و نادیده گرفتن انقلاب است.

۳- مواضع و تزهائی نظیر حذف انقلاب از استراتژی تصرف قدرت، عدم امکان بقدرت رسیدن کمونیستها در مبارزات و جنبش انقلابی جاری علیه جمهوری اسلامی، طفره رفتن از سازماندهی انقلاب سوسیالیستی و کلا دست شستن از انقلاب، توهم به سرنگون کردن رژیم با حمله به خانه سه نفر از مقامات حکومتی، جانشین کردن جمهوری سوسیالیستی با حکومت حزب، طرح این نظر که قیام خشونت است و راه متمدنانه تصرف قدرت مجلس موسسان و رفراندوم است، طرح اینکه در شرایط حاضر مردم از سوسیالیسم رم میکنند و در صورت کسب قدرت حزب باید از اعلام سوسیالیسم خودداری کند، و مواضع مشابهی که صریحا از جانب منشیین در مباحثات درون حزبی مطرح شد آشکارا با کمونیسم کارگری، برنامه و سیاستهای حزب و مصویات کنگره های قبلی در تناقض کامل قرار دارد.

۴- بیانیه ای که در تاریخ ۱۱ اوت به امضای ۲۱ تن از منشیین منتشر شد بیانیه ای بغایت راست و ضد کمونیستی است. این بیانیه یک ادعای نامتناهی جنگ سردی و مک کارتیستی علیه حزب و مملو از افترا، اهانت و ترور شخصیت است و اتهامات "کلاسیکی" که علیه حزب طرح میکند ساخته و پرداخته دستگاه های تبلیغی غرب در دوره جنگ سرد است. اتهامات و ادعاهای این بیانیه علیه حزب و شخصیت های حزبی تماما بی پایه و کذب محض است.

با توجه به نکات فوق کنگره انشعاب اخیر از حزب را یک انشعاب از راست میدانند، و اعلام میکنند حزبی که منشیین تاسیس کرده اند اگر این نظرات را مبنای سیاستها و فعالیت های خود قرار بدهد، جایی در جنبش کمونیسم کارگری نخواهد داشت.

کنگره همچنین اعلام میدارد که مبارزه همه جانبه نظری که حول این نظرات در درون حزب درگرفت و نقد آنها از جانب بخش وسیعی از رهبری و کادرها اکنون حزب ما را به مراتب برای انجام وظیفه تاریخی اش یعنی قرار گرفتن در پیشاپیش جنبش کارگران، زنان و جوانان و توده های مردم و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی و تحقق آزادی و برابری و رفاه آماده تر، منسجم تر و مصمم تر ساخته است.



ایستادیم قاطعانه از جنبش خودمان دفاع کردیم

متن سخنرانی مصطفی صابر

در معرفی قطعنامه "انشعاب راست از حزب"

من قرار است قطعنامه در مورد انشعاب راست از حزب را معرفی کنم. صحبت کردن در مورد این قطعنامه در عرض ده دقیقه زیاد راحت نیست. ولی صحبتی که من اینجا می‌کنم و خود این قطعنامه متکی بر کوهی از ادبیات کتبی و شفاهی است که در فضای پرشور و بی‌مانندی توسط اعضا و کادرهای این حزب، کمیته مرکزی این حزب و دفتر سیاسی این حزب تولید شده است. کوهی از ادبیات و جلوه شور انگیزی از مبارزه کمونیستی و پیروزی کمونیسم، پیشروی کمونیسم در ایران. از کسانی که صحبت‌های من را می‌شنوند می‌خواهم که به این ادبیات رجوع

بکنند. ادبیات مهمی است و امیدوارم که حزب در آینده اینها را بصورت قابل دسترس تری هم فراهم بکند و در اختیار همه قرار بدهد. به نظر من این مرحله مهمی از جنبش ما بود و خواندن این ادبیات فکر میکنم خیلی آموزنده است. برای خود ما آموزنده بود. رفقای به میدان آمدند و نوشتند و بحث کردند که خیلی شورانگیز بود. و من می خواهم توضیح دهم که چرا این اتفاق افتاد. چرا افراد زیادی چنین پر شور به میدان آمدند.

بگذارید اینطور بگویم: برای خودم شخصا این دوره، بخصوص چند ماهه اخیر و کلا یکی دو سالی که بحث داشتیم، فکر کنم شما این احساس را داشتید، یک مقدار فشار زیاد بود ولی خیلی شورانگیز بود. نیروی عجیبی داشت. من اگر بخواهم مقایسه ای بکنم، در این دوره احساسی که شخصا داشتم شبیه دوره انقلاب ۱۳۵۷ بود. شبیه دوره مبارزه ما علیه پوپولیسم. چیزی که برجسته بود این بود امثال من که عضو دفتر سیاسی بودیم، رفیق عضو یا کادرمان که در خارج کشور هست یا آن رفیقی که در داخل ایران هست بطور عجیبی همه یک موضع را می گیریم بدون اینکه الزاما با همدیگر بحث یا صحبتی کرده باشیم. در مقابل بحثهای راست و نظریات و تره‌های راستی که در حزب مطرح شد همه یک موضع میگیریم. برایم خیلی شورانگیز بود رفیقی از داخل ایران، امروز در اینجا قبلا اسم بردم، فواد شفیعی، اولین نامه ای که به من نوشته بود تیتراش این بود: "کمک کمک"! و وقتی میخواندید نوشته بود: میگویند حزب منحل شده است، میگویند حزب داغان شده است، چه اتفاقی افتاده است؟ من به ایشان گفتم یک کمی آرام. حزب سر جایش هست. این اسناد مباحثات است بویژه این چند تا را بخوان. دو روز بعد نامه ای نوشت که موضعگیری و مرزبندی بسیار تیزی داشت. نامه ای نوشت به حمید تقوایی که من یک جمله اش یادم است که گفته بود: که دیگر بس است، ما دیگر پلخانف و برنشتاین و خلیل ملکی نمی خواهیم. ما دیگر کمونیسم راست نمی خواهیم. نامه ای تیز و روشن. برای من تعجب برانگیز بود که یک آدمی که دو سه روز نشسته (شب و روز البته) این بحثها را دنبال کرده، همان موضعی گرفته که حمید تقوایی گرفته، یا رفقای دیگر دفتر سیاسی گرفتند یا کادرهای مختلف حزب و اعضای حزب گرفته اند. احساسی که من در این دوره داشتم این بود که ما یک جنبشیم. یک جنبش ریشه دار، عمیق و پر قدرت. ایستادیم قاطعانه از جنبش خودمان دفاع کردیم. هیچ دوره ای را اینگونه ندیدم به جز دوره انقلاب ۱۳۵۷. فکر می کنم شاید شما هم همین احساس را داشتید و فکر می کنم این احساس واقعی است. این احساس متکی بر این واقعیت است: آن اتفاقی که در حزب ما افتاد پیش درآمد

اتفاقات بسیار عظیمی در جامعه است. اتفاقی که در حزب ما افتاد و انشعابی که در حزب ما صورت گرفت، در واقع انعکاس انتخابی بود که در جامعه دارد صورت میگیرد. و قطعنامه هم بر همین انتخاب و انعکاس آن در حزب تاکید میکند.

قطعنامه تاکید می کند که جامعه ایران به جایی رسیده که بطور عینی چیزی جز سوسیالیسم، چیزی جز کمونیسم، چیزی جز انقلاب کارگری نمیتواند پاسخ همه جانبه ای به خواستها و مطالبات مردم باشد. جامعه ایران باید از شر جمهوری اسلامی رها بشود. این اولین حرف جامعه ایران است. ولی چگونه؟ چه نیرویی میتواند جامعه را از شر جمهوری اسلامی رها کند؟ دو آلترناتیو راست و چپ در جامعه مطرح است و جامعه ایران دارد بین آلترناتیو راست و چپ انتخاب میکند. به میزان زیادی، میشود گفت، جامعه آلترناتیو چپ را انتخاب کرده است.

در ایران انقلابی در راه است، تحولات اجتماعی عظیمی در راه است که اگر بخواهیم مشخصاتش را واقع بینانه بگوییم بدون هیچگونه اغراق و غلو کردن از اینقرار است:

اولین تحولی که در ایران صورت میگیرد و خیلی بارز است همان چیزی که منصور حکمت میگوید انقلاب زنانه. شما هر تحول تاریخی را بخواهید در نظر بگیرید که تغییراتی در موقعیت زن در جامعه ایجاد کرده است. حتی انقلاب اکتبر را در نظر بگیرید. تحولاتی که در دهه های ۷۰-۱۹۶۰ در غرب و اروپا پیش آمد را در نظر بگیرید. من فکر می کنم انقلابی که در ایران در میگیرد و خواستها و مطالباتی که در مورد برابری زن و مرد مطرح می کند، به یمن ما، به یمن منصور حکمت، به یمن کمونیسم کارگری، به مراتب رادیکال تر از هر تحولی خواهد بود که تا به حال تاریخ بشری در زمینه برابری حقوق زن و مرد به خود دیده است. ما با چنین وضعیتی در ایران روبرو هستیم.

يك مشخصه دیگر در تحولات ایران این است که این تحولات به شدت ضد مذهب است، به شدت ضد حکومت مذهبی است. خواهان این است که شر مذهب از سر نه فقط مردم در ایران، نه فقط از شر کشورهای اسلام زده بلکه از سر تمام بشریت امروز رفع بشود. حالا شما ضد مذهبی ترین بودن حرکت کل تاریخ بشری را در نظر بگیرید. انقلاب فرانسه را در نظر بگیرید که مشهور است به ضد مذهبی بودن. من فکر میکنم انقلابی که در ایران صورت میگیرد به مراتب ضد مذهبی تر، رادیکال تر و بنیادی تر علیه مذهب خواهد بود.

مشخصه دیگر این تحول را در نظر بگیرید، این که مردم جامعه سکولار می خواهند. يك

جامعه ای که به حقوق انسانها احترام بگذارد. به حقوق فردیشان، به حقوق اجتماعیشان، به حقوق سیاسیشان احترام بگذارد. آزادیهای بی قید و شرط سیاسی را به رسمیت بشناسد. آن چیزی که مردم می خواهند را برسمیت بشناسد. باز هم در این زمینه هم اگر بگوییم انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب اکتبر یا کمون پاریس از نمونه های برجسته اند، که حقوق مردم حقوق سیاسی اجتماعیشان را به رسمیت شناخته اند، من فکر می کنم که انقلابی که در ایران دارد در میگیرد به مراتب رادیکالتر و همه جانبه تر از تمام تحولات اجتماعی است که نام بردم. برابری طلبی، رفاه طلبی، زندگی بهتر این چیزی است که مردم می خواهند.

وقتی نگاه میکنید به کل تصویر اوضاع ایران، چیزی نمیتواند جواب مردم باشد به جز کمونیسم، جز انقلاب سوسیالیستی، جز انقلاب کارگری. همه این مشخصات، این انقلاب زنانه، انقلاب ضد مذهبی، انقلابی که برابری طلبی است و رفاه میخواهد، انقلابی که آزادیهای سیاسی میخواهد حقوق همه جانبه انسان را میخواهد، همه اینها را بگذارید کنار همدیگر اسم دیگری ندارد به جز انقلاب کارگری. این چیزی نمیتواند باشد چیزی جز انقلاب منصور حکمت. جز انقلاب مارکس، جز انقلاب کمونیستی.

این چیزی است که اوضاع ایران می طلبد. اوضاع ایران الان رسیده به جایی که جمهوری اسلامی را از سر راهش بردارد، ولی فقط این نیست که جمهوری اسلامی را از سر راهش بردارد. دارد آلترناتیو چپ راه حل چپ را انتخاب میکند. ما این را بارها در این چند سال دیدیم. این چند سال هر تحول اجتماعی که صورت گرفت چپ جلو آمد، حزب کمونیست کارگری جلو آمد، منصور حکمت جلو آمد و کمونیسم بیشتر مطرح شد. آخرین تحولی هم که حتماً بایست از آن اسم برد تلویزیون کانال جدید است. تلویزیون کانال جدید حزب کمونیست کارگری و کمونیسم کارگری را در اشل دیگری در جامعه مطرح کرده است. الان بی تردید، بی تردید، یکی از سریع‌الرشدترین، یکی از بالنده‌ترین جنبشهای اجتماعی و سیاسی در ایران کمونیسم کارگری و جنبش منصور حکمت است. بویژه خود منصور حکمت، به شدت مورد توجه مردم قرار گرفته است.

حرفهایم را خلاصه میکنم. جامعه بین يك انتخاب واقعی بین چپ و راست قرار گرفته و چپ را دارد انتخاب میکند. شواهد خیلی زیادی هست که جامعه دارد چپ را انتخاب میکند. رهبران نوینی دارند در جامعه ایران بوجود می آید. رهبران سیاسی نوینی: حمید تقوایی، آذر ماجدی، علی جوادی، اصغر کریمی، مینا احدی و همه رفقای دیگری که اینجا هستند. جامعه

دارد چپش را انتخاب میکند و این جدال بین چپ و راست که در جامعه هست، در درون ما نیز منعکس شد. یک عده ای آمدند گفتند آنچه دارد اتفاق می افتد انقلاب نیست، فروپاشی است. (حمید تقوایی در سخنرانی اش در این مورد مفصل صحبت کرد و من اتکا میکنم به صحبت های او) (با توجه به اینکه وقت کم است). یک عده ای آمدند گفتند مردم از سوسیالیسم رم میکنند. درست همان چیزهایی که جامعه طلب میکند و جامعه بعنوان راه حلش می خواهد، یک عده ای در حزب گفتند نه اینها نمیشود. و حزب در مقابل این ایستاد. در این جدال بین چپ و راست، حزب هم چپ را انتخاب کرد.

علت اینکه مبارزه درونی ما حالت یک جنبش داشت، علت اینکه این قدر شور و جدیت و قاطعیت در مبارزه ما که اینجا نشستیم و آن کسانی که نتوانستند بیایند اینجا، از جمله کسانی که از داخل کشور نوشتند، وجود داشت این بود که همه ما این حقیقت و این واقعیت امروز جامعه ایران را درک کردیم. ما هم بین چپ و راست، چپ را انتخاب کردیم، کمونیسم را انتخاب کردیم، منصور حکمت را انتخاب کردیم، خط رسمی و تاکتونی این حزب را انتخاب کردیم.

این پیش درآمد انقلاب کارگری در ایران است. رفقا، هیچ چیز مهمتر از حزب کمونیست کارگری آماده و مصمم برای انقلاب کارگری نیست. ما نشان دادیم که قدم بزرگ و مهمی برای کسب این آمادگی برداشتیم. انقلابی که در آینده در ایران صورت خواهد گرفت، مقدماتا در حزب کمونیست کارگری در عنصر آگاه و فعاله این انقلاب صورت گرفت. و این حزب پیروز از آن بیرون آمد.

این انشعاب را باید بسرعت پشت سر گذاشت. راجع به آن هم دیگر زیاد حرف نزد. کارهای بسیار مهمتری در دستور داریم. ما باید کاری را بکنیم که بیش از همه منصور حکمت میخواست و آرزو داشت که متحقق شود. ما باید آرزوی زنان و جوانها و دختران ایران را متحقق بکنیم. ما موظفیم در مقابل همان دختری که تازه اعدامش کردند، (عاطقه رجبی)، در قبال کارگران خاتون آباد، کارگران سقز، ما موظفیم در قبال همه قربانیان جمهوری اسلامی، ما موظفیم در قبال مردمی که در فلسطین دارند نابود میشوند، در قبال بچه هایی که در روسیه به وسیله حمله تروریسم اسلامی همین هفته گذشته کشته شدند، ما موظفیم در مقابل بلشویکها در قبال کموناردهای پاریس که کوشیدند جهان بهتری ایجاد کنند. ما این تلاش ها را باید به سرانجام برسانیم. ما وظایف مهمی داریم که باید انجام دهیم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری.

نکته ای فراموش کردم. درست پیش از اینکه بیایم به کنگره با آرش سرخ صحبت می کردم که یکی از ستاره های نشریه جوانان کمونیست است و او حمایتش را از این کنگره بطور علنی اعلام کرد.



ما سوسیالیسم را همین امروز می‌خواهیم

متن سخنرانی علی جوادی

در دفاع از قطعنامه "انشعاب راست از حزب"

رفقای عزیز من می‌خواهم در باره کلیت این قطعنامه (انشعاب راست از حزب) صحبت کنم. و از همه شما انتظار دارم که به این قطعنامه رای مثبت بدهید.

این قطعنامه مجرای اجتماعی که این جدال درون حزبی در آن صورت گرفت را روشن کرده است. این قطعنامه تزه‌های راست و پرچم و پلاتفرم راستی را، که این گرایش در حزب علم کرد، و جوهر جدلی را که در مقابله با آن صورت گرفت، را بطور روشن بیان کرده است. این قطعنامه

اعلام کرده است هدف این مبارزه بر سر چه بود و چه اتفاقی افتاد.

رفقا من می‌خواهم که پیروزی خودمان و پیروزی شما را و در يك کلام پیروزی کمونیسم را در مقابله با این گرایش به همه تبریک بگم. (کف زدن حضار)

رفقا ما در این مبارزه زخم خوردیم. اما به قول منصور حکمت اگر زخمی ما را از پا نیندازد قویترمان میکند و این مجرای می‌شود که حزب کمونیست کارگری از این پس با این تجمع، با این کمونیست‌هایی که اراده خود را جزم کرده اند که به پیش بروند، قویتر به جلو برود. این را شما تضمین کردید. این را کادرهایی که در این مبارزه پا پیش گذاشتند تضمین کردند. و این نشان می‌دهد که اگر دوباره جریانی راست در این حزب قد علم کند، تنها راه پیشروی حضور و دخالت موثر رهبری و کادرهای کمونیست و کمونیسم این حزب است. این جدال نشان داد که تنها کمونیسم حزب ضامن پیروزی در این جدالها خواهد بود. (کف زدن حضار)

رفقای عزیز: ما پیروز شدیم. کمونیسم منصور حکمت پیروز شد. ما نگذاشتیم حزب کمونیست منصور حکمت را به حزب کمونیست بورژوازی راست تبدیل کنند. این يك پیروزی تاریخی است که در تاریخ کمونیسم جایگاه ویژه‌ای ایفا خواهد کرد. زمانیکه تاریخ آتی ایران را بنویسند، زمانیکه تاریخ کمونیسم در ایران را بنویسند، به این جدال اشاره خواهند کرد و انسانهایی که در این تاریخ نقش ایفا کردند. خواهند گفت که چگونه انسانهایی در يك جدال تاریخی از کمونیسم، از آرمانش، از فوریتش، از مطلوبیتش، از مبرمیتش، از راهی که کمونیسم باید به قدرت برسد دفاع کردند. و این تاریخ را سرانجامش را امروز ما اینجا در این کنگره داریم می‌بینیم.

ما نگذاشتیم که حزب آرزوی مردم را، حزب خوشبختی را، حزب سعادت مردم را شکست بدهند. ما نگذاشتیم که این حزب را تبدیلش بکنند به حزب نافرمانی مدنی. ما نگذاشتیم که حزب کمونیست کارگری را تبدیلش بکنند به حزب ائتلاف با بورژوازی و راست جامعه. ما نگذاشتیم حزب کمونیست کارگری را در درون سنگرهای خودش، از درون شکست بدهند. این مبارزه سخت بود. اما ما پیروز شدیم. (کف زدن حضار)

رفقا به ما گفتند سوسیالیسم مردم را فراری می‌دهد. بهشان گفتیم نه! سوسیالیسم مردم را رم نمیدهد، سوسیالیسم بورژوازی را رم می‌دهد. گفتیم مردم حامی سوسیالیسم هستند. سوسیالیسم دوی درد مردم است. مردمی که به قول منصور حکمت اگر زیب جلدشان را باز کنید، درون تک تکشان يك سوسیالیست، يك بلشویک دو آتشه را پیدا خواهید کرد که از

بلشویک هم بلشویک ترند بدون اینکه خودشان بدانند. فقط باید بهشان گفت. و وقتیکه این واقعیت را درک کردند، پرچمش را بلند میکنند و اینطور خواهد شد. در درون حزب، جدال بر سر این واقعیت پیروز شد.

رفقا به ما گفتند که انقلاب کارگری "ایدئولوژیک" است. از ما خواستند که جنگ نکرده تسلیم شویم. ما دیده بودیم که شکست خوردگان تاریخ به انقلاب پشت میکنند، میگویند که انقلاب خشونت است. انقلاب غیر متمدنانه است. انقلاب راه متمدنانه پیشروی نیست. اما نشینده بودیم هنوز کسانی که شکست نخوردند، کسانی که حتی مبارزه شان را هم نکردند، بخواهند شکست ما را اعلام کنند. و این چنین به انقلاب کارگری پشت کنند.

رفقا این بورژوازی نبود که جرئت کند شکست ما را در سنگر مبارزه اعلام کند. این بورژوازی نبود که جرئت داشته باشد به ما بگوید پل پت. این بورژوازی نبود که چنین جسارتی داشته باشد. اما متأسفانه برخی از رفقای که پرچم راست را در حزب ما بلند کردند، چنین اتهامات ضد کمونیستی به ما زدند که بورژوازی حتی جسارت ابراز آن را نداشت. اما ما در این مبارزه حیاتی شکستشان دادیم. و این مبارزه به نظرم تاریخی بود.

ما نگذاشتیم که حزب کمونیست کارگری را، حزب انقلاب کارگری را به حزب نافرمانی مدنی تبدیلش کنند. ما نگذاشتیم که حزب مبارزه طبقاتی را به حزب سازش طبقاتی تبدیلش بکنند. تبدیلش بکنند به حزب ائتلاف با راست جامعه. نگذاشتیم که حزب کمونیست کارگری را تبدیل به حزب قدرت مافوق مردم بکنند. این حزب، حزب جنبش شورایی است. در پرچمش نوشته شده است که این حزب ایجاد شوراها را مردم است. حزب قدرت و حکومت شورایی مردم است. (کف زدن حضار)

رفقا این دوستان رفتند. زمانیکه میخواستند بروند گرد و خاک کردند. سنگ پرتاب کردند. و به قول منصور حکمت انتظار دیگری از کسانی که حزب کمونیستی را ترک میکنند نمیشد داشت. کسانی که می‌رفتند معلوم بود که رفتن را به ماندن در سنگر کمونیستی دارند ترجیح میدهند. معلوم بود زمانیکه صفوف این حزب را ترک کنند، این حزب را به عرش اعلی نمی‌برند. در مقابل سئوالات ما، در مقابل نقد سیاسی ما، لیدرشان به ما گفت که مثل "ساواکیها" به ما پرسشنامه ندهید. از رهبر سیاسی شان می‌پرسیدیم که تکلیف سوسیالیسم پس از کسب قدرت سیاسی چه میشود؟ گفتند که پرسشنامه در مقابل ما می‌گذارید. مگر ما نخوانده بودیم که مانیفست مارکس با این جملات شروع میشود که کمونیستها عار دارند

عقاید خودشان را پنهان کنند؟ ولیکن این‌ها عار داشتند که عقاید خودشان را باز گو کنند. زمانیکه مورد نقدشان قرار میدادیم میترسیدند که از عقایدشان در بیرون درهای بسته دفاع کنند. میدانستند چرا؟ میدانستند زمانیکه عقایدشان علنی مطرح شود، زمانیکه اسناد این جدال علنی شود، شکست خوردگان تاریخ سیاسی این حزب خواهند بود.

رفقا اینها رفتند. ترور شخصیت کردند. رفتند و جعل کردند. رفتند و امیدواریم که حزب نفرت نسازند. هر چند که شروع کردند. رفتند واقعا امیدواریم که حزب نفرت نسازند. بسیاری از کسانی که رفتند انسانهای شریفی هستند. بسیاری از آنهايي که رفتند انسانهایی هستند که همسنگران ما بودند. بسیاری از آنها در قلب ما جا دارند. درهای این حزب برای بازگشت هر کدام از این رفقا که آن پرچم راست را کنار بگذارند، باز است. امیدواریم که دو باره به این حزب برگردند. و امیدواریم که یکبار دیگر فکر نکنند. دو بار دیگر فکر نکنند. این حزب رفتن ازش ساده است. پیوستن بهش ساده است. کسی که بخواهد پرچم منصور حکمت را بلند بکند جایش در این حزب است. و باید در این حزب باشد. (کف زدن حضار)

رفقا ما در این مبارزه صدماتی خوردیم. انکارش غیر واقعی است. تعداد قابل ملاحظه ای رفتند. تعدادی که رفتند میتوانند يك حزب درست کنند که از بسیاری از احزاب چپ و راست کنونی در جامعه بزرگتر باشد. اما ما نگران سرنوشت سیاسی این دوستان هستیم. ما نگران سرنوشت کسانی هستیم که دیروز با ما بودند. ولی امروز در زیر يك پرچم راست قرار گرفته اند. اما ما تعهد میکنیم. این حزب تعهد میکند که این صدمات را جبران بکند. همین الان، همین کنگره اش که بزرگترین کنگره تاریخ حزب کمونیست کارگری است، نشان پایبندی ما به این تعهد است. این کنگره نشان میدهد که کادرها و فعالین این حزب عزم کرده اند که به سرعت این صدمات را جبران کنند. همین کنگره نشان میدهد که این حزب کجا ایستاده و در چه موقعیتی قرار دارد.

رفقا آنها رفتند و ما ماندیم. آنها رفتند، اما منصور حکمت ماند. آنها رفتند اما منصور حکمت اینجاست. پرچمش اینجاست. انسانهایی که برای آن آرمانها مبارزه میکنند، اینجا هستند. آنها رفتند و لیکن منصور حکمت در این جدال پیروز شد. کارگر در این جدال پیروز شد. کمونیسم در این جدال پیروز شد. آرزوی مردم در این جدال پیروز شد. تلاش برای سعادت مردم در این جدال پیروز شد. اینکه اگر زمانیکه ما قدرت سیاسی را در جامعه بدست بگیریم، سوسیالیسم را همانطوریکه منصور حکمت گفته حتی اگر ۶ روز قدرت را در دست داشته

باشیم، اگر در يك كيلومتر مربع قدرت بگیریم، همانروز اعلام می‌کنیم که کار مزدی را لغو خواهیم کرد. همان روز اعلام جمهوری سوسیالیستی می‌کنیم. همان روز اعلام می‌کنیم که حکومت مردم ایجاد شده است. ما منتظر نمیشویم. برای ما سوسیالیسم وعده ای برای روزها و آینده ای دور دست نیست. سوسیالیسم را به حکومت دوره های آینده موکول نمی‌کنیم. ما سوسیالیسم را همین امروز می‌خواهیم. همین الان می‌خواهیم. فوراً می‌خواهیم. آنها رفتند، شکست خوردند. اما پروژه سوسیالیسم فوراً پیروز شد. به ما وعده دادند که يك دنیای بهتر را برنامه خودشان خواهند کرد، اما اضافه کردند دیرتر. کمی دیرتر. نه حالا. بعداً! این پروژه در حزب کمونیست کارگری پیروز شد. پروژه خوشبختی مردم فوراً پیروز شد. به همین سادگی. من می‌خواهم این پیروزی خوشبختی فوراً را به شما، به همه شما تبریک بگویم. می‌خواهم بگویم که بدون حضور جدی شما در این جدال رهبری حزب به تنهایی قادر نبود در این جدال پیروز شود. بن بستى در رهبری حزب بوجود آمده بود. و حضور قاطع کادرها و فعالین کمونیست این بن بست را شکست. راه پیروزی را نشان داد. گره را باز کرد.

این موفقیت را به همه شما باید تبریک گفت. می‌خواهم به کارگران، به مردم، به آزادیخواهان تبریک بگویم. می‌خواهم به همه شما بگویم که کمونیسم گامهای بلندی را برای آزادی و سعادت مردم برداشت. (کف زدن حضار)

رفقا ما این جدال را پشت گذاشتیم. باید به جلو برویم. ما دنیایی برای فتح کردن در پیش رو داریم. در يك جدال كوچك پیروز شدیم. باید در جدالهای آتی و نهایی هم پیروز شویم. این کنگره باید نشان دهد که چه جایگاهی در این مبارزه سرنوشت ساز ایفاء خواهد کرد. از همه رفقا می‌خواهم که به این قطعنامه رای مثبت بدهند. (کف زدن حضار)

قطعه‌نامه درباره

سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران

با دو رای ممتنع تصویب شد

از آنجا که:

الف) فراخوان رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در اطلاعیه مورخ ۲۵ اوت ۲۰۰۴ مبنی بر پیوستن مردم ایران به منشعبین از حزب کمونیست کارگری ایران موضعی کاملاً انحلال طلبانه در قبال حزب کمونیست کارگری ایران است،

ب) رهبری حزب کمونیست کارگری عراق با صدور بیانیه حمایت آمیز و با شرکت در تاسیس حزب منشعبین، که از موضع راست از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شده و بیانیه دست راستی و ضدکمونیستی ۲۱ نفره پلاتفرم آن است، حزب کمونیستی کارگری عراق را در معرض چرخش به راست قرار داده است،

ج) رهبری حزب کمونیست کارگری عراق بدون اینکه جامعه عراق و اعضا و کادرها و حتی کمیته مرکزی این حزب را از مضمون اختلافات سیاسی در حزب کمونیست کارگری ایران مطلع کند، در سیاست همیشگی خود در قبال حزب کمونیست کارگری ایران چرخش کرده و عملاً حزب کمونیست کارگری عراق را بشیوه ای کاملاً غیرمسئولانه در مقابل يك عمل انجام شده قرار داده است،

لذا کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران بر نکات زیر تاکید میکند:

۱- کنگره سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق را شدیداً تقبیح میکنند و از آنها میخواهد که موضع انحلال طلبانه خود را مورد تجدید نظر قرار دهند.

۲- کنگره از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد که اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و همینطور جامعه عراق را از تحولات درونی و مضمون سیاسی اختلافات درون حزب کمونیست کارگری ایران مطلع کند.

۳- سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب و موضع خصمانه آنان نسبت به حزب کمونیست کارگری ایران ضربه آشکاری به جنبش کمونیسم کارگری در عراق و ایران و تحزب این جنبش در هر دو کشور است. حزب کمونیست کارگری ایران خود را موظف به دفاع از جنبش کمونیسم کارگری در عراق میداند و تقویت آن و جلوگیری از به انحراف کشیدن آنرا يك وظیفه مبرم رهبری حزب میداند. کنگره از رهبری حزب میخواهد که سیاست فعالی را در این جهت در دستور کار خود بگذارد و همه فعالین کمونیسم کارگری را به این حرکت فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری عراق در معرض چرخش به راست

متن سخنرانی حمید تقوایی
در معرفی قطعنامه در مورد
سیاست حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب

قطعنامه در مورد سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب در اسنادی که توزیع شده هست، امیدوارم همه دیده باشید و خوانده باشید. علت اینکه به چنین قطعنامه ای احتیاج داریم اینست که حزب ما باید موضع رسمی اش را نسبت به اتفاقات اخیر در حزب و موضعگیریهای حزب عراق نسبت به این اتفاقات اعلام کند و اکنون که کنگره هست چه بهتر که کنگره این موضع را اعلام کند.

فکر کنم در جریان مکاتبات بین من و ریووار احمد هستید. رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق هم بیانیه ای منتشر کرد و از جانب رئیس دفتر سیاسی حزب ما پاسخ گرفت. ولی هنوز موضع رسمی حزب معلوم نیست و اکنون این بعهد کنگره است که در این مورد تصمیم بگیرد. بعلاوه اکنون تحولات پیش تر رفته است و وضعیت بیشتر روشن شده است.

موضعی که رهبری حزب عراق، رهبری به معنای دفتر سیاسی و نه حتی کمیته مرکزی، اتخاذ کرد از دو جنبه کاملاً قابل انتقاد است و باید ما نسبت به آن عکس العمل نشان بدهیم. جنبه اول از نظر مناسبات و اصول روابط میان احزاب. روابط میان حزب ما و حزب کمونیست کارگری عراق بسیار نزدیکتر از روابط حسنه بود. در اصطلاح چپ روسی به احزابی با این نوع رابطه میگفتند احزاب برادر و یا احزاب خواهر. ما دو حزب از يك جنبش بودیم، منصور حکمت نقش تعیین کننده ای داشت در تشکیل حزب کمونیست کارگری عراق و رفقائی از

کمیته مرکزی دو حزب عضو کمیته مرکزی یکدیگر بودند و در جلسات دفتر سیاسی یکدیگر شرکت میکردند. میخواهم بگویم مناسبات ما از دو حزب نزدیک و یا برادر نزدیکتر بود. ما خود را تقریباً یک حزب میدیدیم. بحثی نداشتیم که از همدیگر پنهان کنیم، در تمام جلسات پلنوما، اعضای دفتر سیاسی حزب دیگر شرکت میکردند و غیره. بعد در حزب ما بحثی درگرفت. رفقای از حزب عراق که عضو کمیته مرکزی ما بودند خواه ناخواه در جریان بحثها قرار گرفتند مانند بقیه کادرها. آنها حتی در پلنوما هم حضور داشتند و ازینرو اطلاع بیشتری از کادرهای ما در مورد اختلافات داشتند. تقریباً مثل کمیته مرکزی ما در جریان اختلافات بودند. بعد که انشعاب صورت گرفت سریع و کاملاً یکجانبه علیه حزب ما، انحلال طلبانه علیه حزب ما و به نفع حزب انشعاییون موضع گرفتند. کمیته مرکزی، کادرها، بدنه حزب عراق، جامعه عراق نمیدانست چه اتفاقی افتاده است. مثل اینستکه فرض کنید در بلوک شوروی سابق از حزب کمونیست شوروی جمعی جدا میشد و حزب کمونیست چکسلواکی از آن حمایت میکرد. بدون هیچ توضیحی برای جامعه و برای هیچکس. بحثهای ما داخلی بود و هنوز یکهفته هم از علنی شدن آن نگذشته بود آنهم به زبان فارسی. یک کارگر بغدادی، یک کارگر کرکوک، یک عضو حزب کمونیست کارگری عراق در اربیل نمی فهمید چه شده است. دو حزب نزدیک متحد و بیشتر از برادر، دو جزء یک جنبش با رهبری منصور حکمت فعالیت میکردند، نزدیک یکدیگر بودند، عضو کمیته مرکزی یکدیگر بودند، در همه بحثها در کنگره ها و پلنوما با هم بودند، بعد یک عده ای منشعب میشوند بدون هیچ پلاتفرم سیاسی و جامعه. منشعب میشوند میگویند برنامه ما همان برنامه یک دنیای بهتر است، جمهوری سوسیالیستی را قبول داریم، و بعد اطلاعیه ای از مرکزیت حزب عراق منتشر میشود که پرچم منصور حکمت را بدست منشعبین میدهد، و مردم و کارگران ایران را فرا میخواند که به حزب انشعابی بپیوندند. خود حزب منشعب چنین ادعاهائی نکرد، اما اینها یک بیانیه کاسه داغ تر از آش انتشار میدهند. بعد هم در نامه شان مینویسند انشعاب خیلی بد است و مخالف انشعاب هستند و به من حمله میکنند که چرا انشعاب شد. گوئی من انشعاب کردم. به این میماند که دو اتومبیل تصادف کنند، بعد پلیس راهنمایی را بیاندازند زندان که چرا جلوی تصادف را نگرفتی! جرم من اینست که چرا جلوی انشعاب را نگرفتم! و بعد به بحثهای داخلی تشکیلاتی متوسل میشوند و همان کمیته علیه اشخاص را ادامه میدهند. اینست مناسبات بین احزاب؟ دو حزب برادر و درون یک جنبش که سهل است، دو حزب پارلمانی هم اینطور

موضع نمی گیرند!

حدود بیست سال قبل، وقتی در کردستان بودیم بخشی از حزب دمکرات انشعاب کردند و انشعاب هم از چپ بود و منشعبین خودشان را به کومه له حزب کمونیست ایران نزدیک تر میدانستند. با اینهمه تصمیم ما حمایت از منشعبین نبود. ما رابطه مان را با بخشی که اسم حزب دموکرات را حفظ کرده بود ادامه دادیم. این انشعابیون هستند که باید صبر کنیم ببینیم چی می گویند. امروز هم مساله همین است. برنامه ما عوض شده؟ سیاست ما عوض شده؟ خط ما در رابطه با سناریوی سیاه در عراق عوض شده؟ تاکتیک های ما عوض شده؟ زدیم زیر قطعنامه کنگره ۴؟! ما گفتیم قطعنامه کنگره ۴ سازش بود؟! ما گفتیم قطعنامه کنگره ۴ التقاطی بود؟! ما گفتیم سوسیالیسم زوداست؟! یک کسانی این حرف ها را زدند و رفتند. شما متحد حزبی بوده اید که همیشه عکس این حرفها را میزده است. این حزب، حزب برادر و نزدیک و متحد شما بوده است. حزب هم جنبشی شما بوده. جنبش منصور حکمت با سیاستهایی که حزب ما هم چنان مطرح میکنند، از کنگره یک تا چهارم، نمایندگی میشود. ما که چیزی را تغییر ندادیم. چطور پرچم پرید رفت بدست منشعبین؟! چرا همه مردم بروند به آن حزب بپیوندند؟! بنظر من در این جریان رهبری حزب عراق مثل یک شاخه ای از منشعبین عمل کرد. عینا اینطور عمل کرد. آنهم یک شاخه متعصب و افراطی اش. چون خود منشعبین همچنین حرف هایی نزدند. آنها نگفتند که پرچم منصور حکمت دست ماست. به خودشان حکمتیست گفتند ولی چنین ادعاهایی نکردند.

بیانیه ای که می گوید مردم به حزب جدید بپیوندید دارد یک موضع خصمانه علیه ما اعلام می کند. دارد یک موضع انحلال طلبانه ای اعلام می کند. ما هنوز خواستار انحلال حتی حزب توده نشدیم. هیچ موقع پرنسیب مان این نبوده است. آن موقع که با پوپولیست ها می جنگیدیم در ایران فراخوانمان این بود که فراکسیون مارکسیسم انقلابی را در سازمان های رزمندگان و پیکار وغیره درست کنید، و با رعایت اصول تشکیلاتی خودتان خط مارکسیسم انقلابی را آنجا مسلط کنید. به هیچ کسی نگفتیم سازمانت را ترك كن و هیچ وقت به جامعه نگفتیم به پیکار نپیوند. هیچ وقت به جامعه نگفتیم پرچم مارکسیسم دست چه کسی هست و دست چه کسی نیست. هیچ موقع اینکار را در مقابل انشعاب هیچ حزبی نکردیم. این پرنسیب کمونیستی ما بود. کمونیست کارگری که سهل است، آن موقع که مارکسیست انقلابی بودیم، هیچ وقت انحلال هیچ اپوزیسیونی را در خواست نکرده بودیم. حتی اگر اصلا کمونیست نبود.

ما انحلال مجاهدین را هیچ موقع نخواستیم. شدیدترین انتقادها را کردیم. ولی گفتیم بالاخره اپوزیسیون جمهوری اسلامی است. هر وقت هم در مخصه عراق و حمله آمریکا گیر افتاده از آن حمایت کرده ایم. گفتیم حق ندارید به این اینها بگویید تروریست. حق ندارید بگیرید. حالا يك حزب برادر متحدت می گوید به منشعبین بییونید، یعنی عملا میگوید به حزب کمونیست کارگری نییونید. معنی اینست. بعد نامه می نویسند که ما مناسبات گرم و دوستانه مان را همچنان حفظ میکنیم! نامه خصوصی است به من! خیلی ممنون! مناسبات دو طرفه است دیگر. نمی تواند گرمایش فقط از يك طرف باشد و رو به جامعه همه اش سرما باشد!

این موضعی است که گرفتند. بعد هم ادعا میکنند که نگران انشعاب هستند و خیلی بد شد که انشعاب شد و غیره. خب شما که ظاهرا اینقدر نگران انشعاب هستید، آیا نمی باید موضعی می گرفتید و میگفتید "حزب کمونیست کارگری ایران که فعلا سر جایش هست. متحد قدیمی ماست. منشعبین هم هنوز مواضعشان معلوم نیست، فعلا ما هر دو را برسمیت می شناسیم تا ببینیم حزب منشعب چه می گوید"؟ اینکه شما عضو ك. م و مشاورین حزب ما بودید و در بحث ها شرکت کردید که برای جامعه قابل توضیح نیست. به بدنه تشکیلاتیتان چه می گوید؟ داد خیلی از کادریهایشان در آمد که این چه موضعی است که دارید می گیرید؟! کادریهایشان نمی دانند چه اتفاقی افتاده چه برسد به جامعه. چه برسد به زنانی که در سازمان زنان ینار هستند و یا با حزب عراق هستند. یا کارگرانی که در کرکوک با حزب هستند. اینها می گویند چی شد؟! پرچم منصور حکمت چطور از این طرف پرید رفت آنطرف؟! معلوم نیست. و شمایی که اینقدر نگران انشعاب هستید، آیا این جنبش کمونیست کارگری متحدکننده تر نبود که می گفتید فعلا من هر دوی شان را برسمیت می شناسم تا اتفاقا ببینم آن انشعابی چه می گوید. حزب ما که سر جایش هست! درست عکس اینرا موضع گرفتند! خود انشعابیون هنوز نمی دانند پلاتفرم سیاسی شان چیست. من همین را در جواب ریسوار نوشتم. نوشتم، درست نبود صبر می کردید، صبر می کردید بعنوان يك حزب تا مواضع روشن شود. گفتند تو می گویی ما دخالت نکنیم؟! یعنی چه، ما کمونیست هستیم، دخالت گر هستیم و غیره. در جواب من میگویند شما می خواهید ما را منحل کنید. میگویند حزب عراق را می خواهید منحل کنید! همان نیات خبیثی که ظاهرا من در بهم زدن حزب کمونیست کارگری ایران داشتم، برای آن ها هم دارم. ظاهرا من هیچ کار و زندگی ندارم جز اینکه حزب بهم بزنم. خبیثم! مثل

اینکه يك ژن حزب منحل کن آمده در خون من! و با همین حرفها در صفوف حزبشان و رو بجامعه کمپین میکنند. پیوسته اند به کمپین حمله به شخصیتها که در حزب خود ما منشعبین براه انداخته بودند. متأسفانه رهبری حزب عراق دارد مثل بخشی از این کمپین عمل می کند.

بعد از همه این اتفاق ها آخرین موضعی که گرفته اند خیلی گویاست. ما يك مبارزه ای داشتیم در کانادا برای اینکه دولت اول ماه مه را برسمیت بشناسند. می دانید که در آمریکای شمالی روز کارگر اول ماه مه نیست. ما و رفقای حزب کمونیست کارگری عراق پیشرو کمپین برای برسمیت شناخته شدن اول ماه بودیم. اخیرا يك نهاد معتبر کارگری در آنجا اول ماه مه را بعنوان روز کارگر برسمیت شناخت. ما و کمیته کانادای حزب عراق مثل همیشه اعلامیه مشترك دادیم، و بعنوان فعالین کمپین اول ماه برسمیت شناختن این روز را تبریک گفتیم. این اعلامیه به امضای کمیته کانادای حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته کانادای حزب کمونیست کارگری عراق منتشر شد (کف زدن حضار). مسئولین خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق به اعضایشان نامه داخلی دادند که با این حزب همکاری نکنید؟! چرا؟! چون ظاهرا حزب ما سیاست های خصمانه داشته است! در نامه ات با من گرمی آنوقت رهنمود داخلیت این است؟! یعنی چی همکاری نکنید؟! ما در آکسیون ها ضد جمهوری اسلامی میگوئیم حتی سلطنت طلب هم اگر هست در آکسیون شرکت کنید. دو حزب حالا برادر هم نه، گرم هم هیچی، ولرم، این دو حزب يك کمپین مشترك داشتند که موفق شده، تثبیت شده. نباید اعلامیه بدهیم و تبریک بگوئیم و یکبار دیگر پرچم خودمان را بلند کنیم؟! میگویند همکاری نکنید؟! این يك کمیته داخلی حزب منشعبین است. يك ذره اجتماعی، يك ذره سیاسی، يك ذره رادیکال نیست. رفقا این اعلام رابطه دیپلماتیک سیاسی با حزب جدید نبود. حزب عراق خودش را انداخت پشت حزب جدید برای اینکه در آن پروپاگاندا، در آن تبلیغات بین کنفرانس و بین این کنگره نیرو برای آنها جذب کند. این جوری کار کرد. عملا مثل يك کمیته تبلیغاتی حزب جدید کار کرد. هیچ مصلحت دیگری، هیچ هدف سیاسی در آن نیست. خودشان نمی دانند از نظر سیاسی چه می گویند، منشعبین هنوز نمی دانند از نظر سیاسی چه می گویند، چه برسد به دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق. چی می گویند شما سر این بحث ها؟ اصلا واردش نمی شوند. می گویند چرا پلنوم را عقب انداختید، چرا کنگره را جلو انداختید. به شما چه مربوط! در حزب خودم می فهمم با این بحث ها چه کنم. بحث کردم دلایل را گفتم، جوابشان را

هم دادیم. این هم کنگره اش! عظیم ترین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل شده است. شما بعنوان يك حزب دیگر، خارج از ما می آید می خواهید ببینید کنگره چرا و چه شد و پلنوم چرا و چه شد؟! پرچم منصور حکمت با کنگره زود تر یا پلنوم دیر تر می رود دست یکی دیگر؟! این موضع به نظر من هیچ چیز قابل دفاع ندارد. رهبری حزب عراق فقط کمپینی برای تقویت انشعابیون، يك کمپین انحلال طلبانه علیه ما براه انداخته است. اگر جامعه مد نظرشان بود مبارزه، مبارزه برای اول مه در کانادا را برسمیت می شناختند. نه تنها جلویشان را نمی گرفتند بلکه تشویق نامه برایشان می فرستادند. می گفتند هر دعوایی با این حزب دارید، مبارزات بیرومان را در کنار هم پیش میبریم. این حزب اصلا بنظر من مسئله جنبش و مبارزه مد نظرش نیست.

نکته دیگر اینکه به رفقاییشان اخطار کردند که در این کنگره شرکت نکنند. به چه حقی! یعنی چه! مگر آمدند حزب عراق را اینجا نمایندگی کنند؟! بعنوان اعضای حزب کمونیست عراق آمدند در جلسه کنگره. اگر شخص من بروم در کنگره "توری پارتی"، حزب محافظه کار انگلیس، شرکت کنم هیچکس حق ندارد بگوید کجا رفتی! مگر ما به اعضایمان می گوئیم کجا رفتی کجا رفتی! مگر ما میپرسیم چرا رفتی در اتحادیه زرد و یا سرخ؟! چرا رفتی در فلان کنگره، در فلان کنفرانس! یعنی چه يك تشکیلاتی قرار داخلی می دهد که در این کنگره شرکت نکنید؟! و بعد هم خط و نشان که اگر شرکت کنید اله و بله می شود! آنوقت ما پل پت هستیم؟!

این حزب رابطه خصمانه ای با ما شروع کرده است. يك ذره مصلحت، سیاست، جامعه و طبقه کارگر بنظر من چراغ راهنمایش نیست. چراغ راهنمایش تقویت منشعبین در مقابل حزب ماست. بزرگترین اشتباه عمرشان را کردند. من اینرا نوشتم برایشان. به این معتقدم. زمستان می رود روسیاهی رو ذغال می ماند. زمستان اش هم سه ماه نیست، سه هفته است رفقا. زمستان سه هفته ای دارند اینها. می رود تمام می شود. آنوقت رهبری حزب عراق باید بنشینند فکری بحال خودش بکند. سیاست می برد، حقیقت می برد، رادیکالیزم می برد! جوابگویی به جامعه می برد! کمپینهای دالانی بر سر پلنوم و کنگره عمرش دو هفته است. چقدر توانستید این کنگره را محدود کنید؟ اشتباه عظیمی کردند.

این قطعنامه روشن دارد می گوید این حزب در معرض چرخش به راست قرار گرفته است. دقیقا اینطور است. پرچم منصور حکمت را داده به دست يك کسی که در حزب ما مواضع و

بحث‌هایی مطرح کرد که کاملاً راست بود و قطعنامه اش را دیروز تصویب کردیم. حزبی که يك بیانیه ضد کمونیستی نه فقط ضد حزب ما، بلکه ضد کمونیسم را بعنوان پرچمش در شماره اول نشریه اش چاپ کرده، و اینها می گویند به آن حزب بپیوندید. کاملاً این موضع، موضع راستی است. اینها را ما در این قطعنامه گفتیم. گفتیم که موضعتان خصمانه است. کنگره این موضع را رد می کند. تقبیح می کند. تصمیم گیری های مشخص دیگری لازم است که در قطعنامه نیامده چون این را بنظر من باید کمیته مرکزی تصمیم بگیرد. ولی این قطعنامه بطور پرینسیپال و اصولی باید نظر خودش را راجع به رابطه حزب ما با حزب کمونیست کارگر عراق اعلام کند. نتیجه گیری های مشخص تر عملی از این قطعنامه با توجه به تحولات آتی باید صورت بگیرد و این بعهدہ کمیته مرکزی است. متشکرم.



ما به مردم عراق پشت نخواهیم کرد

متن سخنرانی عصام شکری در کنگره پنجم

حزب کمونیست کارگری ایران

رفقا صبح بخیر. پوزش می‌خواهم از اینکه به فارسی صحبت نخواهم کرد. "خوش آمدید" تنها چیزی است که به فارسی میدانم. (خنده حضار) من در هفت سال گذشته برای یاد گرفتن فارسی تلاش ناموفق انجام داده‌ام. این بار این موضوع را جدی خواهم گرفت. به این کنگره دروذهای گرم می‌فرستم. افتخار میکنم که در اینجا هستم. به همه شما و

هیئت رئیسه این کنگره به خاطر این کنگره موفق تبریک می‌گویم. رفقا ما اینجا آمده ایم تا تصمیمی بگیریم. ما اینجا آمده ایم تا يك موضع اعلام کنیم. موضعی که من و رفقایم گرفته ایم. ما اینجا آمده ایم تا پشتیبانیمان از شما را اعلام کنیم. ما با شما هستیم. (کف زدن حضار) مردم و کارگران عراق همیشه حزب کمونیست کارگری ایران را به عنوان رهبر و پرچمدار کمونیسم منصور حکمت تلقی کرده اند. (کف زدن حضار) و ما به آنها پشت نخواهیم کرد. ما این راه را ادامه خواهیم داد و ما می‌خواهیم پشتیبانیمان از و سمپاتییمان به حزب کمونیست کارگری ایران را نشان دهیم. (کف زدن حضار)

رهبری حزب کمونیست کارگری عراق يك انتخاب کرده است. و همچنانکه همه شما میدانید این يك انتخاب سیاسی بود. حمید تقوایی به این نکته اشاره کرده است. از نظر من این يك انتخاب خطرناکی بود. به دلایل سیاسی خطرناک بود چون انشعابیون از انقلاب فاصله گرفته اند. انشعابیون راه دیگری انتخاب کرده اند. آنها آگاهانه تصمیم گرفته اند از این جریان بزرگ در جامعه، نه در ایران بلکه در سطح جهان جدا شوند. رهبری ما تصمیم گرفت با آنها برود. این يك تصمیم خطرناک بود. شخصا به این تصمیم اعتراض کردم. به روشهای مختلف اعلام کرده ام که این تصمیم ما را به نتایج خطرناکی خواهد رساند. شاید در شرایط حاضر این خود را نشان ندهد. شاید ما در حال حاضر در عراق در شرایط سناریوی سیاه بسر می‌بریم. مردم تلاش میکنند شرافتمندانه زندگی کنند، مردم مشغول سیاست نیستند، شرایط مثل ایران انقلابی نیست، و میدانم شما به این امر واقف هستید. اما با تمام اینها، تصمیم رهبری برای حمایت از انشعابیون این را توجیه نمیکند که رهبری حزب کمونیست کارگری عراق از مردم ایران دعوت کند به انشعابیون پیوندند! آنها نمیتوانند به این کار دست بزنند. این حتی از نقطه نظر دیپلماتیک خطرناک است. بگذریم از اینکه نتایج عقبگرد سیاسی این موضع در آینده چه خواهد بود.

در میان کادرها و اعضا حزب ما این موضع شکل گرفته بود که موضع رهبری غلط بود. این موضع باید عوض شود. ما در حزبمان، در عین حفظ وحدت حزب، در عین تبعیت از مقررات حزب تلاش میکنیم بگوییم که این موضع غلط بود و اینکه حزب کمونیست کارگری ایران پرچم منصور حکمت را برافراشته نگاه داشته است. (کف زدن حضار)

رفقا، مايلم به اطلاعاتان برسانم که ما قبلا در داخل حزب اعلام کرده ایم که ما به همراه بیست رفیق تصمیم گرفته ایم در داخل حزب کمونیست کارگری عراق يك فراکسیون برای تغییر

این تصمیم خطرناک رهبری تشکیل دهیم. این فراکسیون توسط يك اطلاعاتیه دو صفحه ای که در آن پلاتفرم سیاسی مان برای فراکسیون طرح شده است اعلام شده است. این پلاتفرم سیاسی به تفاوت اساسی موضع ما گروهی از کادرها که مخالف موضع رهبری است اشاره کرده است که ما قطعنامه اخیر دفتر سیاسی در رابطه با حمایت از انشعابیون را از لحاظ سیاسی غلط و خطرناک تلقی میکنیم. نکته دوم اینکه ما روی این حق که انتقادمان در حزب مورد توجه قرار گیرد تاکید کرده ایم. ما درخواست کردیم که از طریق پلاتفرممان به مردم بگوییم چه میگذرد، تفاوت سیاسی فراکسیون با رهبری چیست. در حالیکه آنها هیچ اشاره ای به اختلافات سیاسی نکرده و به جای آن همه اش به حمله شخصی دست زده اند. همه اش روی مسائل تشکیلاتی تاکید شده است. هیچ کمونیستی در دنیا به این باور نمیکند که جنبشی به این عظمت بر سر مسائل تشکیلاتی انشعاب کند. کسی این را تحویل نمیگیرد.

موضوع دیگر این است که حزب کمونیست کارگری ایران نماینده کمونیسم کارگری در ایران و جهان است. این در پلاتفرم ما تصریح شده است. ما همچنین در بیانیه فراکسیون متذکر شده ایم که ما به عنوان فراکسیون، روابط رفیقانه مان را با رفقایی که از حزب کمونیست کارگری ایران انشعاب کرده اند حفظ خواهیم کرد. از همان اول معتقدم بودم که مردم برای هضم این ماجرا، برای فکر کردن بر سر آن، برای خواندن اسناد، برای دسترسی به مباحثی که در دو سال گذشته در جریان بوده است به وقت احتیاج دارند. ما معتقد بودیم که رهبری حزب لازم است حداقل کمی عقب بکشد و به مردم اجازه دهد ببینند چه اتفاق افتاده است و بعد تصمیم بگیرد و ما را در چنین تصمیم خطرناکی وارد نکند، تصمیمی که در رابطه با شرایط عراق برای سالهای سال عواقب وخیمی خواهد داشت.

ما همچنین گفتیم و پافشاری کردیم و باز هم من به همه رفقا، همه کادرها و رهبری اعلام میکنم که ما میخواهیم وحدت حزب کمونیست کارگری عراق را حفظ کنیم. این يك حزب عزیز است که دوش به دوش با حزب کمونیست کارگری ایران و برای سالهای زیاد در راه حقوق انسان، حقوق کارگران، حقوق زنان مبارزه کرده است. ما میخواهیم حزب را حفظ کنیم در عین حال ما میخواهیم سیاست رهبری برای اتحاد با انشعابیون را تغییر دهیم. در عین حال ما به عنوان اعضای حزب تعهداتمان و فعالیتهایمان در حزب را حفظ خواهیم کرد.

رفقا، ما اختلاف سیاسی داریم و ما حق اعلام این اختلاف را مطالبه میکنیم. ما حمایت میخواهیم، ما میخواهیم کنگره از فراکسیون ما حمایت کند. مردم نیاز دارند صدای ما در

عراق، ایران و تمام جهان شنیده شود. ما فکر میکنیم که این يك نقطه عطف تاریخی است. شما پیروز شده اید. شما قویتر و شفافتر و پرانرژیتر از این ماجرا بیرون آمده اید. من مجدداً به شما تبریک میگویم و اعلام میکنم ما با شما هستیم و ما اعتقاد داریم شما پرچم منصور حکمت را برافراشته نگه داشته اید.

بازهم اعلام میکنم: زنده باد منصور حکمت. زنده باد سوسیالیسم.

ما وظیفه داریم دخالت کنیم

متن سخنرانی حمید تقوایی

در معرفی قرار

در حمایت از فراکسیون چپ حزب کمونیست کارگری عراق

با توجه به اینکه مخالفتی نبود و رفقا تنها اصلاحیه هائی پیشنهاد کردند و با توجه به صحبت هایی که رفیق عصام کرد، من می خواهم توضیحی بدهم و يك قرار جدید را پیشنهاد کنم. قطعنامه موجود هم بنظر من باید آپدیت بشود. چون آن قطعنامه را ما وقتی نوشتیم که فراکسیون اعلام نشده بود. الان رفیق عصام اینجا علنا اعلام فراکسیون کرد. فراکسیونی که پلاتفرم اش نوشته شده و در اختیار رهبری حزب عراق قرار گرفته اما این دوستان ما فعلا به کسی چیزی نگفته اند! حتی بدنه حزب خودشان را هم بی خبر گذاشته اند. مخفی نگهداشتن تشکیل فراکسیون در يك حزب هم یکی از سنت های جدید است!

من در اینجا می خواهم کمی راجع به این مساله صحبت کنم و متن قراری که پیشنهاد می کنم را بخوانم. و بعد پیشنهاد می کنم برای مبنا و اساس و چهار چوب این قطعنامه رای گیری می کنیم و بعد با توجه به این اتفاق جدید باید آنرا آپدیت کنیم.

اما در مورد فراکسیون. من قبلا هم گفتم رفقا سیاست اصولی ما همیشه این بوده است که از سیاست رادیکال کمونیستی برای نجات جامعه عراق، و طبقه کارگر عراق دفاع کنیم و در اینجا هم برای اینکه حزب کمونیست کارگری عراق واقعا بتواند در آن موقعیتی که بوده بایستد و بسیار فراتر برود ما مسئول هستیم از نظر سیاسی دخالت کنیم. ترجمه تشکیلاتی این می شود: ما قاطعانه با تمام قوا از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق حمایت می کنیم (کف زدن حضار). وظیفه ما این هست که اجازه ندهیم که حزب کمونیست کارگری عراق براست بچرخد. رهبری حزب اولین قدم ها را در این جهت برداشته است. نفس سکوت در مورد

بحث‌های سیاسی به این مهمی، نفس سکوت حتی اگر هم علیه ما نمی‌نوشتند بنظر من يك چراغ سبز بزرگ به راست است. پلاتفرم تفتیش عقاید نكن و سکوت پلاتفرم راست علیه حزب ما بود. نمی‌توانید بگوئید موضع نگرفتم. يك بخش از حزب کمونیست کارگری در جنبش کمونیست کارگری فوریت سوسیالیسم و هزار و يك بحث دیگر را زیر سوال برده است، شما موضع نمی‌گیرید، بعد هم سر تقدم پلنوم به کنگره پرچم را می‌دهید بدست منشعبین! این راست است، نفس این حرکت راست است. بقیه چیزها را هم صحبت‌اش را کردم. وظیفه داریم از نظر سیاسی اجازه ندهیم این اتفاق بیافتد. و الان که فراکسیون چپ تشکیل‌اش را اینجا اعلام کرد، معنی وظیفه ما این می‌شود که باید سعی کنیم این فراکسیون و نظرات و خط‌اش به نظرات و خط غالب حزب کمونیست کارگری عراق تبدیل شود. همان سیاستی که اگر بخواهم مقایسه تاریخی کنم در رابطه با پوپولیسم در جنبش چپ دهه ۷۰ و ۸۰ ایران داشتیم. ما اعلام انحلال حزب عراق را نمی‌دهیم علیرغم اینکه آنها داده‌اند. ما نمی‌گوییم کارگران، مردم به آن حزب نپیوندید علیرغم اینکه آنها اینرا گفتند. ما هیچ کدام از این حرف‌ها را نمی‌زنیم. این فراکسیون باید بکوشد بطور اصولی و بر اساس موازین تشکیلاتی‌شان تبدیل به اکثریت و تبدیل به نظر رسمی حزب کمونیست کارگری عراق بشود. و رفع هر مانعی که جلوی این فراکسیون بوجود می‌آورند، همانطور که تا بحال اعلام‌اش نکردند، این هم جزو کمپین مبارزه سیاسی ما است. حق فراکسیون باید برسمیت شناخته شود. فراکسیون باید اجازه داشته باشد از تریبون‌های آن حزب، نشریات آن حزب حرف خودش را بزند. باید اجازه داشته باشد درون حزب تبلیغ کند. باید اجازه داشته باشد در جامعه تبلیغ کند. اگر آنها به فراکسیون اجازه ندهند ما با تمام قوا این امکان را به آنها می‌دهیم (کف زدن شدید حضار). و نباید اجازه بدهیم کوچکترین تمهیدات و تصمیمات تنبیهی و یا تشکیلاتی علیه این فراکسیون گرفته شود. این بعید نیست باید مقابل این هم بایستیم. این فراکسیون سیاسی است. کاملاً سیاسی است. در پلاتفرم‌اش حرف‌هایش را زده مثل هر کمونیستی در این دنیا موضع گرفته. من می‌خواستم در يك نامه و خواستم ده‌ها بار تلفنی با ریووار صحبت کنم نشد. و نکته‌ای که می‌خواستم به او بگویم و الان از اینجا به او می‌گویم این بود که رفیق ریووار یادت بره تو رهبر آن حزبی و من رهبر این حزبم. همسایه‌ات در بغداد، يك عده که بخودشان می‌گویند چپ در دنیا، در سوئد، در ایران، دارند می‌گویند سوسیالیسم فوری نیست، دارند می‌گویند بدون انقلاب می‌شود بقدرت رسید، دارند می‌گویند باید برویم در پارلمان، دارند می‌گویند حزب تعدد نظرات هر

نظری بیاید در حزب، تو چه می‌گویی؟ به عنوان يك کمونیست چه می‌گویی؟ الان فراکسیونی تشکیل شده که حرفش را اعلام کرده، در قبال این مسائل اساسی موضع گیری کرده، و ما وظیفه داریم با تمام قوا از او حمایت کنیم. به این ترتیب سعی کنیم که تمام حزب در عراق چنین حرف بزند. يك وظیفه اصلی ما این است که مدارك، اسناد، نوشته‌ها، سمینار هایمان را ترجمه کنیم. نمی‌توانیم به عربی و کردی فوری ترجمه کنیم، ولی انگلیسی را فوری می‌توانیم. رفقایی هستند که از انگلیسی به کردی و عربی ترجمه کنند. جامعه عراق و بدنه حزب عراق بی‌خبرست. نمیدانند چه اتفاقی افتاد. و بی‌خبر نگهداشتن خط حزب منشعبین است. و الان هم خط رهبری حزب کمونیست کارگری عراق متاسفانه همین شده. بی‌خبر گذاشتن بخاطر این نیست که امکانش را ندارند. می‌گویند مهم نیست. این بحث‌ها اصلاً مهم نیست. راجع به من و آذر و غیره به ۸۰ زبان حرف زدند با دنیا. اما اختلاف نظری مهم نیست اینها به ما مربوط نیست. این‌ها حزب بهم ریز و غیره هستند. اینها را همه را می‌دانیم. به همین خاطر من الان قراری اینجا نوشتم و این قرار را به رای می‌گذارم.

قرار در مورد فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق:

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق قاطعانه حمایت می‌کند، و از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران می‌خواهد از فعالیت این فراکسیون برای اینکه نظرات و مواضعش به خط رسمی حزب کمونیست کارگری عراق تبدیل شود قاطعانه حمایت کند. (کف زدن حضار)

این قرار را من اینجا به رای می‌گذارم. و قطعنامه‌ای که قبلاً داشتیم طبق این مواضع جدید باید تصحیح شود.



دفاع از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق یک وظیفه ماست!

متن سخنرانی آذر ماجدی

در دفاع از قطعنامه درباره سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق

من قرار بود بعنوان جمعبندی بحث در مورد قطعنامه "سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران" صحبت کنم ولی با در نظر گرفتن

صحبت‌های رفیق عصام شکری و اعلام فراکسیون چپ، بحث باید با در نظر گرفتن این اتفاق جدید مطرح شود.

فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق، اعلام شده، یک هفته است که اعلام شده و پلاتفرم خود را نیز اعلام کرده است. ولی رهبری حزب ک.ک.ع مانع انتشار این خبر است. این رفقا در کنگره ۵ حزب ما شرکت کرده اند تا در اینجا نیز تشکیل فراکسیون چپ را اعلام کنند. این فراکسیون در دفاع از حزب کمونیست کارگری ایران و در محکوم کردن سیاست و روش انحلال طلبانه رهبری کنونی حزب شان نسبت به ح.ک.ک.ا اعلام موجودیت کرده است.

رفقا ما باید از این فراکسیون با تمام قوا حمایت کنیم. و بنظر من این کار نیز کاملاً در سنت کمونیسم کارگری است. حزب کمونیست کارگری عراق چگونه تشکیل شد؟ به فراخوان و تلاش منصور حکمت. یک عده انسان و جریان چپ که به نوشته‌ها و نظرات منصور حکمت تمایل داشتند و به این خط نزدیک بودند، به فراخوان منصور حکمت و با دخالت مستقیم منصور حکمت کنار هم جمع شدند و ح.ک.ک.ع را ساختند. (کف زدن حضار)

بدون این فراخوان و بدون این تلاش و دخالت این حزب ساخته نمیشد. حزب کمونیست کارگری ایران در تشکیل حزب ک.ک.ع نقش مستقیم و فعال داشت. اکنون رهبری حزب ک.ک.ع دارد انحلال همان حزبی را که نقش فعال در ساختنش داشت، انحلال حزب ک.ک.ا را اعلام میکند. انحلال حزبی که منصور حکمت ساخته است را دارد اعلام میکند و یک فراکسیون تشکیل شده که میگوید ما از حزب کمونیست کارگری ایران دفاع می‌کنیم. اعلام میکند که این حزب است که پرچم کمونیسم کارگری و منصور حکمت را برافراشته است. واضح است که کنگره حزب ک.ک.ا باید از این فراکسیون حمایت کند. (کف زدن‌های ممتد حضار)

رفقا! ما فقط وظیفه مان دفاع از حزب کمونیست کارگری ایران نیست. وظیفه مان فقط ساختن ح.ک.ک.ا نیست. وظیفه مان فقط رهبری انقلاب آتی ایران نیست. وظیفه مان فقط ساختن جمهوری سوسیالیستی در ایران نیست. وظیفه مان دفاع از جنبش کمونیسم کارگری در تمام دنیا و اکنون بویژه در عراق است. (کف زدن حضار) ما باید با تمام قوا از جریان، گرایش و کسانی که از کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت در عراق دفاع می‌کنند، دفاع کنیم. همانگونه که منصور حکمت تلاش کرد این نیروها را در جنبش کمونیسم کارگری کنار هم جمع کند، در یک حزب گرد هم بیاورد و تا زمانی که بود تلاش کرد که آنها را روی خط کمونیسم کارگری نگاه دارد. منصور حکمت رفت، یک جریان راست در حزب ما شکل گرفت و متأسفانه بخش اصلی کسانی که از رهبری حزب ما با حزب ک.ک.ع در تماس مستقیم بودند در گرایش

راست بودند. اینها موفق شدند رهبری حزب ك.ك.ع را با خود همراه و هم خط سازند و بنظر من با توسل به ترور شخصیت و با اتکاء به مسائل تشکیلاتی رهبری حزب ك.ك.ع را با خود همراه کردند. (در اینجا به صحبت های حمید تقوایی ارجاع میدهم و آنها را تکرار نمی کنم.) باید گفت که این رفقا به اسناد مجادلات دسترسی نداشتند. یکی از این بحث ها را بسیاری از رفقای که چنین موضعی گرفته اند، نخوانده اند. امکان خواندنش را نداشته اند، بچه زبانی این مباحث را مطالعه کرده اند؟ صرفاً ورژن دست دوم این مباحث را از زبان گرایش راست و منشعبین شنیده اند و اعلام موضع کرده اند. این غیراصولی ترین و نادرست ترین سیاستی است که توسط رهبری ح.ك.ك.ع اتخاذ شده است. این سیاست را باید قاطعانه محکوم کرد. سیاست و روش انحلال طلبانه رهبری این حزب را باید محکوم کرد. بعلاوه آنها پلاتفرم راست، ضد کمونیستی و جنگ سردی منشعبین، بیانیه ۲۱ نفره، که بیانیه حزب منشعبین است را پذیرفته اند و به مردم ایران فراخوان داده اند که به آن حزب بپیوندند. ضمناً يك بخش مهمی از رهبری شان، از جمله لیدر و رئیس دفتر سیاسی شان عضو کمیته مرکزی آن حزب هستند. آیا بیشتر از این سند برای اثبات چرخش به راست رهبری ح.ك.ك.ع احتیاج داریم؟

و اکنون يك فراکسیون، علیرغم کلیه کارشکنی ها و فشارهای رهبری حزب ك.ك.ع تشکیل شده است و قصد دارد که از کمونیسم کارگری، خط منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری ایران دفاع کند و به تمام حمایت ما نیاز دارد. و ما باید با تمام قوا از این فراکسیون دفاع کنیم تا پرچم کمونیسم کارگری در عراق به زمین نیافتد. (کف زدن حضار)

رفقا! من شکی ندارم که اگر اوضاع به همین شکل رها شود و فقط رهبری فعلی ح.ك.ك.ع در صحنه باشد، پرچم کمونیسم کارگری در عراق به زمین میافتد. پذیرش و پیوستن به يك پلاتفرم راست و ضد کمونیستی هشدار بسیار مهمی است. برخی از رهبری ح.ك.ك.ع موضع راست خود را چنین توجیه می کنند: که در عراق اکنون معضل "سناریوی سیاه است و نه انقلاب". بحث بر سر عراق یا ایران نیست. بحث بر سر اصول و مبانی پایه ای و هویتی کمونیسم کارگری است. باید از این رفقا پرسید: آیا انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم فوراً از مبانی هویتی و پایه ای کمونیسم کارگری هست یا نه؟ آیا زیر پا گذاشتن این اصول تخطی از کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت هست یا نه؟ به این سوالات باید پاسخ گفت.

و بالاخره. رفقا! رهبری ح.ك.ك.ع فقط سیاست ها و پلاتفرم راست اتخاذ نکرده، روش های راست نیز اتخاذ کرده است. روش هایی که متعلق به يك سنت راست است. آیا ما تاکنون در سنت کمونیسم کارگری شاهد بوده ایم که به عضو حزب اجازه داده نشود در يك مجمع یا جلسه

سیاسی شرکت کند؟ هیچگاه. این رفقا از طرف رهبری تهدید شده‌اند و زیر فشار قرار گرفته‌اند و از شرکت در کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران منع شده‌اند. این روش هیچ ربطی به سنت منصور حکمت و کمونیسم کارگری ندارد. در عرض مدتی به این کوتاهی این رفقا با چنین شتابی به سوی اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های راست رفته‌اند. من شکی ندارم که اگر ما دخالت نکنیم، اگر ما فعالانه شرکت نکنیم، اگر ما از این رفقای که علی‌رغم کارشکنی‌ها دارند تلاش میکنند از خط کمونیسم کارگری دفاع کنند، حمایت نکنیم، پرچم کمونیسم کارگری و منصور حکمت لااقل برای مدتی در عراق به زمین میافتد.

حزب کمونیست کارگری ایران، ما که در اینجا جمع شده‌ایم، بعنوان گردانی از جنبش کمونیسم کارگری، گردانی که در جلوی صف قرار گرفته‌است و پرچم منصور حکمت، پرچم انقلاب کارگری و پرچم سوسیالیسم فورا را بلند کرده‌است باید با تمام قوا از حرکتی که در عراق برای دفاع از کمونیسم کارگری شکل گرفته دفاع کنیم و هر امکانی که در توانمان هست را در اختیار این جریان بگذاریم. باید سیاست‌های راست رهبری فعلی ح.ک.ک.ع. را افشاء کنیم. ما باید به جنبش کمونیسم کارگری در دنیا و به مردم عراق نشان دهیم که رهبری ح.ک.ک.ع چگونه سیاست‌هایی اتخاذ کرده‌است.

از جمله تهدید و منع اعضای ح.ک.ک.ع از شرکت در کنگره ح.ک.ک.ا، حزبی که تا همین دیروز با آن روابط رفیقانه داشته‌اند و به یک جنبش متعلق بوده‌اند، باید افشاء شود. باید کلیه اسناد و مباحث جدال میان راست و چپ در ح.ک.ک.ا ترجمه شود و در اختیار مردم عراق، جنبش چپ در عراق و ح.ک.ک.ع قرار گیرد. بیانیه ۲۱ نفر باید ترجمه شود تا اعضای ح.ک.ک.ع و مردم عراق متوجه شوند که رهبری ح.ک.ک.ع به چه بیانیه ضد کمونیستی و راستی پیوسته‌است.

رفقا! وقت کم است و من همینجا بحثم را تمام میکنم. من از رهبری آتی حزب کمونیست کارگری ایران و تمام کادرهای حزب میخواهم که بعنوان یکی از وظایف اصلی شان دفاع از جنبش و خط کمونیسم کارگری در عراق را جزء وظایف خود قرار دهند. ما قصد نداریم حزب کمونیست کارگری عراق را بشکنیم، ما نمیخواهیم این حزب را منحل کنیم. ما چنین سیاستی نداریم. ما میخواهیم که سیاست‌های چپ، خط منصور حکمت و همان سیاست‌هایی که پیش از این خط رسمی رهبری حزب کمونیست کارگری عراق بود، در این حزب حاکم شود. و باین منظور ما از فراکسیون‌هایی که شکل گرفته و این پرچم را بلند کرده‌است، دفاع میکنیم. این اصولی‌ترین راه ممکن است و باید اینکار را انجام دهیم.

قطعه نامه درباره

مبانی استراتژی و رؤوس وظایف حزب

برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی

مصوب کنگره پنجم به اتفاق آرا

۱- محتملترین و مطلوبترین راه بقدرت رسیدن حزب، کسب قدرت سیاسی از طریق سازماندهی و رهبری انقلاب علیه جمهوری اسلامی است. حضور و نفوذ حزب کمونیست کارگری در جامعه و در جنبش انقلابی که در ایران در جریان است به این انقلاب خصلتی چپ و سوسیالیستی میدهد. این انقلاب تنها میتواند با برقراری جمهوری سوسیالیستی به پیروزی برسد. سازماندهی و رهبری انقلابی که بر علیه جمهوری اسلامی شکل میگیرد، در محور استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی قرار دارد.

۲- هدف فوری حزب کمونیست کارگری تصرف قدرت سیاسی و استقرار جمهوری سوسیالیستی است. مبارزه ما برای سرنگونی حکومت اسلامی از مبارزه برای استقرار جمهوری سوسیالیستی جدا نیست. هر نوع سناریو دیگری نظیر "حکومت موقت" و یا "قدرت دوگانه" و کلا هر نوع حالت دیگری که ممکن است بسته به شرایط پیچیده و متنوع در سیر مبارزه ما برای استقرار جمهوری سوسیالیستی رخ بدهد، نباید حتی بعنوان یک هدف مرحله ای در فعالیتها و تبلیغات ما جایی داشته باشد. شعار جمهوری سوسیالیستی و حکومت کارگری تنها هدف و شعار حزب در رابطه با قدرت سیاسی است.

۳- حزب کمونیست کارگری در مقابل هر نوع سناریویی که ممکن است به برکناری حکومت اسلامی بیانجامد، قاطعانه برای ادامه انقلاب و به میدان کشیدن طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در جهت تصرف قدرت و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب باید در هر شرایطی با تمام قوا مبلغ و اشاعه دهنده تصرف تمام قدرت بوسیله حزب و استقرار جمهوری سوسیالیستی باشد.

کسب قدرت سیاسی توسط حزب از طریق رهبری يك انقلاب پیروزمند و استقرار جمهوری سوسیالیستی تماما بسته به آنست که تا زمان بقدرت رسیدن، حزب بطور پیگیر و در هر شرایطی پرچمدار انقلاب و عامل رادیکالیزه کردن و تعمیق نه مردم در برابر کل نظام موجود، و علیه حکومت اسلامی و یا آلترناتیوهای بورژوازی جانشین جمهوری اسلامی باشد.

۴- تامین و اعمال رهبری حزب مستلزم درگیری و دخالتگری پیگیر و مستمر حزب، از رهبری تا کادرها و شخصیتها و کمیته ها و حوزه ها و شبکه های حزبی، در رویدادها و تحولات سیاسی و شکل دهی به این رویدادها و تحولات در دوسطح است:

الف) در ابعاد سراسری برای تامین رهبری حزب بر کل جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی و نهایتا سازماندهی و رهبری انقلاب.

ب) در سطح محلی برای تامین رهبری اعتراضات و مبارزات جاری.

۴. الف) رهبری سراسری انقلاب

تامین این امر اساسا مستلزم دخالت مستقیم رهبری حزب است. وظایفی که در این رابطه بعهده رهبری قرار دارد در مباحث منصور حکمت تحت عنوان "حزب و قدرت سیاسی"، "حزب و جامعه"، بحث "جنبش سلبی و اثباتی" و "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود"، قطعنامه های کنگره ۳ و بطور مشخص تر در قطعنامه های "حزب و چشم انداز انقلاب"، و "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" مصوب کنگره ۴ توضیح داده شده است. این اسناد راه تامین رهبری حزب در انقلاب و وظایف رهبری حزب در این رابطه را مشخص میکنند. رئوس این وظایف بقرار

زیرست:

* معرفی و شناساندن حزب در سطح جامعه بعنوان يك حزب مدعی قدرت سیاسی و قادر به تصرف و حفظ قدرت. حزب باید در يك سطح اجتماعی از جانب طبقه کارگر و چپ جامعه بعنوان تنها آلترناتیو حکومتی مطلوب و يك نیروی قادر به تصرف و حفظ قدرت سیاسی شناخته و انتخاب شود.

* قابل دسترس تر کردن حزب برای ایجاد ارتباط وسیعتر با کارگران و توده مردم و تسهیل عضویت در حزب و فعالیت در آن برای کارگران و بخش هر چه وسیعتری از مردم.

* استفاده از فرصتها و نقاط عطف در تحولات سیاسی، و کوشش برای بااستقبال رفتن و ایجاد این فرصتها، با هدف معرفی کردن حزب در يك سطح وسیع در جامعه و عجين و تداعی کردن حزب با این تحولات.

* ظاهر شدن بعنوان رهبر جنبش رادیکال و انقلابی مردم و سخنگوی انقلاب. نمایندگی کردن جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم در مقابل حکومت اسلامی، غرب و سایر نیروهای اپوزیسیون. افشای نیروهای ضد انقلاب و برخورد به نیروهای اپوزیسیون رژیم بر مبنای دوری و نزدیکیشان به انقلاب و امر رهائی مردم و مستقل از هر اختلافی که ممکن است با جمهوری اسلامی و یا با یکدیگر داشته باشند، در کنار نقد همیشگی و طبقاتی ما بر این نیروها. تبدیل شدن حزب به نماینده و سخنگوی خواستهای رادیکال و انقلابی مردم بویژه کارگران، زنان و جوانان در برابر جمهوری اسلامی و کل نیروهای اردوگاه مخالف انقلاب.

* تلاش روزمره برای جدا کردن مردم از آلترناتیوها و خط مشی های بورژوازی و سوق دادن مردم به موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری، تلاش برای توده گیر کردن هرچه بیشتر شعارها و مطالبات اساسی حزب.

* نمایندگی کردن نه مردم به رژیم و کل نظام موجود و تعمیق و رادیکالیزه کردن نقد و اعتراض مردم به حکومت و مذهب و کلیت اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود.

* طرح و تبلیغ و معرفی وسیع جمهوری سوسیالیستی بعنوان آلترناتیو حکومتی حزب. تبلیغ وسیع شوراها بعنوان ارکان جمهوری سوسیالیستی. حزب باید با شوراها و جنبش شورائی و

اعمال اراده و حکومت مستقیم و بلاواسطه خود مردم تداعی شود.

* کسب آمادگی برای دخالت سریع سیاسی و نظامی حزب در شرایط تضعیف حکومت و یا برکناری و فروپاشی آن بویژه در کردستان. کسب آمادگی برای انتقال بخشی از رهبری حزب به داخل در شرایط مناسب.

* دادن طرحها و نقشه عملهای تشکیلاتی مشخص برای ایجاد نهادها و سازمانهای توده ای موقت و پایدار، و در دستور قرار دادن اقدامات سریع برای اجرای این نقشه عملها متناسب با شرایط و توازن قوا در هر مقطع و مرحله از مبارزه.

* به کار گرفتن وسیع ارگانهای تبلیغی و مدیای حزبی برای هدایت و سازماندهی جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی.

۴. ب) رهبری محلی مبارزات

تأمین رهبری انقلاب مستلزم دخالت و درگیری عملی حزب در اعتراضات و مبارزات و کمپینها و جنبشهای جاری نیز هست. برای انجام این وظیفه کل ماشین حزبی در خارج و در داخل کشور باید بسیج و درگیر شود. اساس فعالیت حزب در این جهت در مبحث حزب و جامعه منصور حکمت و قطعنامه "ابراز وجود اجتماعی فعالین چپ و رهبران عملی" مصوب پلنوم بیستم مشخص شده است.

رئوس اقدامات و وظایف حزب در این جهت بقرار زیرست:

* تبدیل حزب به سازمان دربرگیرنده رهبران عملی در جنبش کارگری و مبارزات اقشار دیگر مردم بویژه زنان و جوانان.

* هویت علنی و اجتماعی بخشیدن به فعالین و رهبران عملی چپ و کمونیست در مبارزات و اعتراضات جاری کارگری، مبارزات زنان و جوانان، و سایر بخشهای معترض جامعه.

* همبسته و متحد ساختن مبارزات جاری کارگران. سازماندهی حمایت متقابل بخشهای مختلف طبقه کارگر از مبارزات یکدیگر و از مبارزات اقشار دیگر مردم به شیوه های علنی.

* سازماندهی کمپینها و نهادها و تشکلهای مختلف و متعدد حول مسائل مختلف در جنبش کارگری و در مبارزات جوانان و زنان و سایر اقشار مردم.

* تامین رهبری حزب بر مبارزات جاری کارگران و جوانان و زنان و سایر جنبشهای اعتراضی با اتکا به حوزه ها و شبکه های حزبی و فعالین و رهبران عملی در این جنبشها.

* تلاش برای تشکیل هر چه گسترده تر مجمع عمومی و انواع نهادها و تشکلهای علنی دیگر چه به شکل موقت و حول مطالبات خاص و چه به شکل پایدار، در کارخانه ها و سایر محیطهای کار و در دانشگاهها و محلات و در میان زنان و جوانان و سایر اقشار معترض به نسبت توازن قوا و شرایط مشخص مبارزه در هر مقطع.

* ایجاد سازمان حزبی در داخل کشور. سازماندهی حوزه ها و شبکه ها و کمیته های شهری و منطقه ای و فابریکی هر جا ممکن بود.

* بسیج و به میدان آوردن بخش هر چه وسیعتری از کارگران بر اساس شعارها و رهنمودهای مشخص حزب در هر مقطع و با اتکا بر فعالیت رهبران عملی و محلی حزب. بسیج جوانان، زنان، سکولاریست ها و دیگر بخشهای معترض جامعه حول سیاست های حزب.

۵- پیشبرد پیگیر وظایف فوق پیش شرط تبدیل حزب به يك نیروی پر نفوذ و قدرتمند سیاسی و اجتماعی است. به نحوی که حتی اگر به هر دلیلی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی حزب بقدرت نرسد، يك فاکتور قوی و غیر قابل حذف در تحولات سیاسی و در معادله قدرت بحساب بیاید. پیشروی حزب بر مبنای این استراتژی، مطلوبترین و کم مشقت ترین راه برای سرنگونی حکومت اسلامی، تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب و تحقق جمهوری سوسیالیستی و تامین آزادی و برابری و رفاه در ایران است.

انقلاب در انتظار ماست!

سخنرانی حمید تقوایی در معرفی قطعنامه "مبانی استراتژی و رؤس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی"

مباحثی که داریم مبحث استراتژی است یعنی قطعنامه مبانی استراتژی و رؤس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی. در طرح مبنای این قطعنامه، که در سری اول اسناد پخش شد با توجه به اصلاحات بعضی رفقا تغییراتی داده شد که متن اصلاح شده در سری پنجم بدستتان رسید. بهر حال هر کدام را که دیده باشید برای آشنائی با بحث کافی است چون تغییرات اساسی نبود. من وارد جزئیات و بند بند قطعنامه نمی شوم چون قطعنامه مفصلی است و لزومی هم ندارد. فقط در يك سطح عمومی و اینکه سیاست ناظر بر این قطعنامه چیست و این قطعنامه چی میگوید و چکار می خواهد بکند توضیح می دهم.

بنظر من این قطعنامه از جایی شروع می کند که کنگره چهار ختم کرد. کنگره چهار قطعنامه ای تصویب کرد و گفت وظیفه ما رهبری و سازماندهی انقلاب است و مبانی آنرا هم بدست داد. این قطعنامه اعلام کرد که محتمل ترین سیر سرنگونی حکومت انقلاب است. و گفت که وقتی انقلاب نزدیک می شود نیروهای سیاسی از نو در رابطه با انقلاب تعریف می شوند و نقششان در جنبش انقلابی تعیین کننده میشود. و این تر اساسی که جنبش انقلابی، وقتی مشخصا در مورد ایران صحبت میکنیم، جنبش کمونیست کارگری است. اینطور نیست که چون دو آلترناتیو طبقاتی در مقابل جمهوری اسلامی است و چون بخشی از بورژوازی خواهان سرنگونی رژیم است بنابر این انقلاب که شروع شد يك علامت سوال باز می شود که "آیا چپ رهبری اش می کند یا راست؟" این تصور غلطی است. راست در مقابل انقلاب می

ایستد، رهبری اش نمی‌کند که هیچ‌همه توانش را کار میبرد که انکار و تخطئه اش کند، جلویش را بگیرد و یا منحرفش کند. حتی اگر يك شورش خود بخودی هم در ایران بود، بدون وجود و حضور سیاسی ما، اپوزیسیون راست می‌رفت پشت جمهوری اسلامی برای کوییدنش. در این شك نداشته باشید. بنظر من قبلا برای صفوف ما این مساله زیاد روشن نبود و اینکه دو آلترناتیو راست و چپ در برابر رژیم اسلامی و تصرف قدرت سیاسی وجود دارد خودبخود به این معنی گرفته می‌شد که دو رهبر بالقوه انقلاب داریم. اصلا اینطوری نیست. انقلاب جنبش ماست. اگر ما نبودیم انقلابی در ایران نمی‌بود. آیا این تز ولونتاریستی است؟ آیا ما از خودمان زیادی متشکر هستیم؟ آیا خودمان را زیادی حساب نمی‌کنیم؟ اینکه چرا این نظر عین واقع بینی است را قبلا در کنگره چهارم بحث کرده ایم و من پائین تر باز به این نکته خواهم پرداخت.

اما اجازه بدهید ابتدا در مورد جنبش سرنگونی و انقلاب در شرایط سیاسی ایران نکاتی را یاد آوری کنم.

جنبش سرنگونی نام دقیقی بود که منصور حکمت به مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی داد. و این با انقلاب متفاوت است. انقلاب نمیتواند دو سال و سه سال طول بکشد. انقلاب در طی یک دوره کوتاهتری مثلا ششماه و یا یک سال آغاز میشود و به سر انجام میرسد. یا پیروز می‌شود یا شکست می‌خورد. در ایران این موقعیت نبود، شرایطی بود که منصور حکمت به آن گفت جنبش سرنگونی. این نام گذاری دو دلیل داشت. اول اینکه مشخصا انقلابی در کار نبود ولی اعتراضاتی در جامعه وجود داشت که خود حکومت مساله اش بود. جنبشی که گرچه در قالب خواستها و شعارهای خاص مطرح میشود اما مسئله واقعیست دولت است. وقتی دانشجوی اعتراض میکند رژیم را نقد می‌کند. حتی وقتی زنی حجابش را بالاتر میبرد دارد با رژیم در می‌افتد. فقط برای حقوق زن و آزادی پوشش نمی‌جنگد. این را همه مردم میدانند. و همینطور مبارزه کارگران که قالب اقتصادی دارد ولی بر اعتراض و نفرت عمومی کارگران از رژیم مبتنی است. به همین خاطر این جنبش جنبش سرنگونی است. این جنبش سرنگونی حتی برآمدهای انقلابی از خود نشان داد مثل ۱۸ تیر اول که منصور حکمت گفت که انقلابی که نوبت را میدادیم دارد خودش را نشان می‌دهد. مثل ۱۸ تیر سال قبل و مثل شورش های شهری که لیست اش دیگر از ۲۰ و ۳۰ شهر گذشته. شورشهایی که اگر هر کدامش زمان شاه اتفاق می‌افتاد می‌گفتیم انقلاب دارد فرا می‌رسد. جنبش سرنگونی چنین بروزاتی هم داشته

منتهی این هنوز انقلاب نیست چون مثل جرقه ای اتفاق می افتد و تمام می شود، از این نوع جرقه ها و اتفاقات ادامه دارد ولی همچنان شاهد يك انقلاب بالفعل نیستیم. جنبش سرنگونی است که به پیش می رود.

دلیل دیگری که به جنبش سرنگونی انقلاب اطلاق نمی‌کردیم این بود که جنبش اعتراضی تماما يك جنبش انقلابی نبود. راست هم در آن فعال بود. اپوزیسیون راست هنوز در میان مردم پایگاه داشت و در حرکات اعتراضی آنها نقش بازی می‌کرد. دو خرداد هم همین طور. بعنوان نمونه در جنبش دانشجویی دفتر تحکیم وحدت خیلی قوی بود. فلان روزنامه دو خردادی را می بستند دانشجویان و مردم به خیابان میریختند. انتخابات ریاست جمهوری بود مردم در اعتراض به ولی فقیه به خاتمی رای میدادند. این البته به معنای آن نبود که مردم رفرمیست شده بودند و یا فکر میکردند قرارست خاتمی معجزه ای بکند اما به هر حال درجه ای از توهم مردم و عدم شفافیت و گیج سری جنبش سرنگونی را نشان میداد. دو خرداد هم دقیقا از همین ضعف استفاده می‌کرد که بقول خودشان کل نظام را حفظ کند و تا حدی هم در این کار موفق شد و به عمر رژیم افزود.

آنچه در دو سال اخیر، بعد از در گذشت منصور حکمت اتفاق افتاد، و کنگره چهار اعلام کرد این بود که جنبش سرنگونی به يك جنبش انقلابی تبدیل شده است. در جنبش سرنگونی تنها حزب ما مطرح نبود. حزب ما اتفاقا موقعیتی ضعیفی داشت. منصور حکمت همانطور که در فیلم سخنرانیش در ابتدای این کنگره دیدید می‌گفت ما نیروی چهارم و یا پنجم هستیم. اکنون ما در اپوزیسیون نیروی اولیم. نه به این خاطر که حزمان قوی شده و چنین کنگره ای برگزار می‌کند. بلکه بیشتر به این خاطر که جنبش سرنگونی با ماست. اگر جنبش سرنگونی در خیابان است با ماست. جنبش دانشجویی از دو سال پیش با شعار آزادی برابری عرض اندام کرد. ما تحکیم وحدت را از جنبش دانشجویی بیرون کردیم. سلطنت طلب يك موقع رفتارندوم و غیره را مطرح می‌کرد، طرح رژیم چنچ از بالا را داشت، این دوره تمام شد. به این خاطر امروز بطور ابرکتیو جنبش سرنگون طلبی يك جنبش انقلابی است چون حتی فرصت طلبانه و امکان گرایانه هم از جنبش دو خرداد استفاده نمی کند. و این تا حد زیادی شمره کار ما بود، بدون حزب ما این اتفاق نمی افتاد. بدون حزب ما تحکیم وحدت همه چیز را گرفته بود و آقای خاتمی هم وارد دوره سوم ریاست جمهوری شده بود. نیروی حزب در سه سال قبلا در سیر تحولات جامعه اینقدر مهم نبود که الان هست.

به نظر من در هیچ جامعه‌ای، در هیچ دوره‌ای نیروی حزب تا این اندازه در سیر تحولات يك جامعه دخیل نبوده است. در انقلاب ۵۷ اینطور نبود، هیچ دوره در تاریخ ایران اینطور نبود، هیچ دوره در تاریخ دنیا اینطور نبود. این کاملاً قابل توضیح است که چرا اینطورست. چرا شرایط ایران اینطورست که يك نیروی آگاه و ارادی انسان تا این حد در شکل دادن به تحولات دخیل است. علت اینست بورژوازی که در مقابل انقلاب ۵۷ جمهوری اسلامی را سرکار آورد نه استراتژیک و نه حتی تاکتیکی در میان مدت رژیم مطلوبش این نبود. این رژیم همزاد بحران بود، رژیمی بود برای آنکه سر انقلاب ایران را زیر آب بکند و بعد قدرت را بسپرد به نمایندگان اصلی بورژوازی. این اتفاق هیچ موقع نیافتاد. چون نمایندگان اصلی بورژوازی ایران خیلی بی عرضه تر از آن بودند که بتوانند اوضاع را جمع و جور و کنترل کنند. از آن طرف هم اسلام سیاسی در دنیا سر بر آورد و شوروی مضمحل شد و اسلام سیاسی این زمینه را بدست آورد برای تاخت و تاز. جمهوری اسلامی در ایران بعد از قضیه دیوار برلین مبنای تازه‌ای پیدا کرد که خودش را حفظ کند. این رژیم هم به همین خاطر مانده است. ولی این رژیم راه حل اقتصادی ندارد، راه حل سیاسی ندارد، راه حل فرهنگی و ایدئولوژیک هم ندارد. رژیمی است که مردم از آن متنفرند و این حالت این وضعیت را پیش آورده که تنها يك نیروی سیاسی رادیکال کفایت در میدان باشد که در برابر رژیم بایستد و يك حزب سیاسی باشد که مدعی قدرت باشد تا انقلاب را هم شکل بدهد. ببینید يك موقعی میگوئید که ما باید رهبر و سازمانده انقلاب باشیم. این حرف کلاسیکی است که کمونیست‌ها می‌گویند وقتی انقلابی هست. من می‌گویم که ما باید معمار انقلاب باشیم. این ولونتاریستی است؟ دلخواه است؟ اراده‌گرایانه است؟ اصلاً اینطور نیست. ۶ سال است مملکت منتظر است که یکی بیاید انقلابش را رهبری کند. جامعه دارد می‌جوشد. تنفر از دولت، تنفر از مذهب، خواست‌های مدرن، خواست‌های آزادی‌خواهانه، در هیچ جامعه‌ای اینقدر عمیق نیست که در ایران است. شورش‌های شهری داشتیم یکی بعد از دیگری. دیدیم اینها خصوصیت‌های جمهوری اسلامی در ایرانست. همه چیز موکول به اینست که کسی که به این جنبش خط و پرچم داده است بیاید و رهبری و سازماندهی اش کند. این سیاستی است که قطعنامه کنگره چهارم معین کرده است.

قطعنامه حاضر همانطور که از اسمش پیداست هم مبنای استراتژی ما را مطرح میکند و هم رئوس وظایف ما را. وقت زیادی ندارم اینها را سریع می‌گویم. ببینید اساس کار ما اینست - چیزی که منصور حکمت بعنوان متدولوژی بکار میبرد و از تزه‌های فوئر باخ گرفته بود،

لنینیسم را اینطور میشناخت و میشناساند و امروز دیگر باید با اتکا به خود منصور حکمت و کمونیست کاریگری بر این تاکید کرد - اساس کار اینست که شما باید اراده کنید، حتی اگر انقلابی هم نبود تو باید خواهی و گر نه سوسیالیسم خودش نمی آید. اگر سوسیالیست در صحنه نباشد انقلاب سوسیالیستی روی نمی دهد. نیروی تعیین کننده بشر است، نه رشد نیروهای مولده است، نه شرایط ذهنی و عینی، نه خصلت انقلاب که گویا از پیش معین میکند که انقلاب دموکراتیک است و غیره. انقلابها اسم ندارند اسمشان را ما به آنها می دهیم. احزاب و نیروهای دخیل در انقلاب به آن اسم می دهند. هیچ عامل ابژکتیوی به انقلاب اسم نمی دهد. اگر هم جایی اتفاقی نمی افتد من می گویم انقلاب سوسیالیستی است. چرا؟ چون شرایط ابژکتیو در دنیا نشان می دهد، چون در همه جا سرمایه داری آنقدر رشد کرده است، که چیزی جز انقلاب سوسیالیستی حتی برابری زن و مرد را نمی تواند بیاورد. این از نظر شرایط ابژکتیو. حال انقلاب که اتفاق می افتد شما باشید سوسیالیستی است شما نباشید هر کس دیگری می تواند به هر جا برودش. این اساس متدولوژی و اساس دیدگاه منصور حکمت از نقطه نظر نقش اراده در ساختن سرنوشت سیاسی جامعه است.

اساس و مبنای استراتژی ما هم اینست که ما تعیین کننده ایم. ببینید به دو شیوه میشود به شرایط نگاه کرد. یک متدی هست که وقتی میخواهد آینده را ترسیم کند می نشیند و احتمالات را می چیند، گویی ما تاریخ نویسیم، احتمال یک کودتا می شود، احتمال دو آمریکا حمله می کند، احتمال سه یک جناحی دیگر را می اندازد، احتمال چهارم یکی با هواپیما می آید و می گیرد، احتمال پنجم هم انقلاب می شود. بعد تیک میزند که در هر حالت باید چکار بکنیم. هیچ حزب کمونیستی نمی تواند اینطوری قدم بردارد. حتی هیچ کمپانی بورژوازی که می خواهد سود ببرد استراتژی این نمی تواند باشد. بالاخره آن راهی که مطلوب شماست کدام است؟ شما باید آن راه را دنبال کنید. وگرنه آن اتفاقی که میخواهید نمی افتد. اگر حزبی مثل حزب ما که اسم خودش را کمونیسم کاریگری گذاشته با تمام رادیکالیسم و خلاف جریان بودنش بگوید انقلاب و یا سوسیالیسم نمی شود، خوب نمی شود. مسلما نمی شود. شما فقط ناظر و مفسر تاریخ نیستید، شما دخیل در تاریخید. اگر می گوید انقلاب نمی شود و بروم ببینم با شیرین عبادی ها چطوری می توانم بروم در حکومت موقتشان، مسلما انقلابی نمی شود، حکومتشان را برپا میکنند و البته شما را هم در حکومت راه نمی دهند. فقط از شما تشکر می کنند که راه را برای بورژوازی در ایران هموار کردید. بنابراین کسی نمیتواند خودش

را از تاریخ بکشد بیرون و بگوید می‌نشینم بینم این انقلاب چیست، دموکراتیک است و یا سوسیالیستی؟ اگر فقط تماشا کنی اصلاً انقلابی در کار نخواهد بود. اگر فقط تماشا کنی اتفاقی نمی‌افتد. بنابراین یک‌تاز اساسی در قطعنامه اینست که سیر محتمل انقلاب است و این برای ما سیر محتوم هم است و ما باید برویم این خط سیر را بسازیم. ما عکس‌العمل به چیزی نشان نمی‌دهیم. اینکه ما چه می‌گوئیم، چه سیاستی را در دستور می‌گذاریم و چه نقشه عملی را پیاده می‌کنیم، همانطور هم می‌شود. اگر نکنیم نمی‌شود. این یکی از مبانی قطعنامه ماست.

مبنای دوم، که بر می‌گردد به شرح وظایف، اینست که شما نمی‌توانید منتظر بنشینید و تنها برای انقلاب کف بزنید. نمیتوانید بگوئید امسال که ۱۸ تیر خراب شد صبر کنیم تا ۱۸ تیر سال بعد. صبر کنیم تا اول ماه مه صبر کنیم تا ۸ مارس، صبر کنیم تا باز شدن دانشگاه. به این سیر حوادث و برآمدهای اعتراضی ما نمی‌توانیم بگوئیم انقلاب. این بروز انقلاب است، این فقط ظهور یک پدیده‌ای است که شما باید کلش را در نظر داشته باشید. در جامعه‌ای که ظاهراً در آن هیچ اتفاقی نمی‌افتد و بعد یک شورش شهری اتفاق می‌افتد این رعد و برقی در آسمان صاف نیست. جامعه‌ای است در حال جوش و خروش که ناگهان یک فوران می‌کند. کوه آتشفشانی است که فوران می‌کند و شما باید مکانیسمهای آنرا بشناسید و درگیرش باشید و سازمانش بدهید و کاری بکنید که تبدیل بشود به یک انقلاب واقعی اجتماعی سازمان یافته با هدف و سیاست معین. این یک تصور اشتباه است که چون سه ماه گذشت و خبری نشد فکر کنیم پس مثل اینکه افول شد و چشم انداز انقلاب کور شد و بعد که شورش شهری شد تهییج بشویم و بریزیم بیرون و بگوئیم تظاهرات کنید. اوضاع که آرام شد دوباره برویم به خانه مان. این کاری است که یک حزب انقلابی نمی‌کند. گفتم حتی سازماندهی انقلاب منظور را نمیرساند، ما باید معمار انقلاب باشیم. چرا میتوانیم این کار را بکنیم چون انقلاب آنجا هست. بروزش را نمی‌بینید، شرایطش هست. اساسی‌ترین شرط انقلاب این است که قدرت سیاسی برای جامعه سوال بازی باشد. اکثریت جامعه بدانند که اگر می‌خواهم کارم را بدست بیاورم، حقوق را زیاد کنم، بچه‌ام مرتب مدرسه برود، اتوبوسرانی وضعش خوب شود، کوچه‌مان را اسفالت کنند، باید آخوند‌ها بروند کنار! الان در ایران نود درصد مردم این را می‌گویند. این پیش شرط انقلاب است. همه چیز بر می‌گردد به مسئله قدرت و دولت. و این که دولت در دست کیست. و این مساله آنقدر مطرح است که حتی آن کسی که به نظر می‌رسد برای مطالبات امروزش مبارزه

می کند، این کار را می کند چون توازن قوا به او اجازه نمی دهد علنا علیه رژیم بلند شود. سرنگونی طلب است اما مجبور می شود اینطور عمل کند. من این نکته را قبلا در مورد جنبش کارگری گفتم. جنبش کارگری مدام دارد برای پرداخت دستمزدها و علیه بیکار سازی ها مبارزه می کند. ولی با فعالین جنبش که حرف بزنید میبینید گرایش سندیکالیستی در آن نیست. در ایتالیا که کارگران برای ۳۰ ساعت کار و ۴۰ ساعت کار و یا اضافه دستمزد مبارزه می کنند بروید با فعال این جنبش حرف بزنید و یا با يك عضو اتحادیه، می گوید خوب داریم می رویم با کارفرما مذاکره می کنیم. برای ۲۵ درصد میرویم ولی ۱۰ درصد می دهند و اگر ۱۵ درصد بدهند سر کار می رویم و غیره. اگر بپرسید می خواهید دولت را بیاندازید می گویند دیوانه ای! دولت را چرا بیاندازیم، داریم با صاحب کار چانه می زنیم دیگر! حتی بعضیشان قبول ندارند دولت طرفدار سرمایه درست.

ولی در ایران از عقب ترین کارگر که بر سر دستمزد مبارزه می کند بپرسید شما آینده را چطور می بینی می گوید تا این حکومت فلان فلان شده هست پول ما خورده شده است. این طور می بیند که اگر برای دستمزد مبارزه کند يك ضربه دیگر به دولت میزند. مثل يك جنگ پارتیزانی. با توجه به توازن قوا مبارزه میکند. منتهی در شکل کارگری و انقلابی که برای آنکه موازنه قوا را به نفع خودش بکند نرفته است پشت دو خرداد. متوهم به کسی نیست. نفس مبارزه برای دستمزد يك مبارزه رادیکال کارگری است. کارگر مطالبات اقتصادی دارد و در عین حال محمل مبارزه اقتصادی میدهد به مبارزه سیاسی ضد سرمایه داری اش. و فقط هم کارگران نیستند، دانشجویان هم به همین شیوه مبارزه میکنند.

دانشجویان مساله صنفی دارند که آرام نمیگیرند؟ اصلا بر سر مسئله دانشجویی دعوا دارند و سر مطالبه صنفی مبارزه میکنند؟ مطالباتشان همگی ضد رژیم است. ولی جنبش دانشجویی حرفهایش را طوری بیان می کند که بتواند به پیش برود و بتواند حرفش را بزند. به همین خاطر می گوئیم جنبش سرنگونی در ابعاد مختلف دارد اتفاق می افتد خودش را بروز می دهد و فقط تظاهرات و شورشهای شهری نیست و نشان می دهد که ما تا همین جا چقدر در این جنبش نقش داشته ایم.

بند وظایف قطعنامه در واقع می گوید چطور این جنبش را بسازیم. این بند دو بخش دارد که به نظر من تز پایه ایش دستاورد منصور حکمت است. تز جدیدی است در مارکسیسم بنظر من و در نگاه به طبقات اجتماعی. منصور حکمت می گوید حزب کمونیست کارگری باید

اجتماعاً انتخاب شود از طرف چپ جامعه! چپ سنتی وقتی هم می‌گوید انقلاب مقصودش این است که در عرصه‌های مشخص چه می‌کنم. راس تظاهرات باید باشیم، راس اعتصابات باید باشیم، رهبران عملی مردم باید باشیم. و این می‌شود تمام تصویر. نمی‌گوییم اینها نیست، اینهم یک جزء کار است ولی کسی که اینها تمام حرفش باشد هیچ وقت رهبر انقلاب نمی‌شود. هیچ وقت بعنوان حکومت انتخاب نمی‌شود. می‌شود مددکار اجتماعی و یا بقول خود منصور حکمت کسانی که دلمه می‌برند سر پیکت. سرویس می‌دهند به اعتصابات کارگران و مبارزان خوبی برای حقوق صنفیشان هستند. ولی پس فردا که کارگران می‌خواهند حکومت انتخاب کنند از میان احزاب بورژوائی یکی را انتخاب میکنند. در اروپا هرروز دارد این اتفاق می‌افتد. در ایران هم همه‌اش همینست.

بحث منصور حکمت این است که حزب باید اجتماعاً انتخاب شود. یعنی کسی که عضو حزب هم نیست و شاید برنامه یک دنیای بهتر را هم نخوانده باشد یا تلویزیون را هم ندیده باشد، مرا انتخاب کند و بگوید کاش اینها بقدرت برسند. چپ جامعه باید تو را انتخاب کند. در این شرایط وقتی اوضاع به اصطلاح به نقطه جوش رسید آن موقع حزب این امکان و قدرت را دارد که بعنوان آلترناتیو واقعی حکومت انتخاب بشود. رهبر انقلاب بشود و قدرت را بگیرد. این یک جنبه از رهبری و سازماندهی انقلاب است که زیر تیتیر رهبر سراسری آمده است. و وظایفی که در این رابطه توضیح داده شده مستقیماً بر می‌گردد به رهبری حزب. وظایف سراسری و اجتماعی یعنی آنچه منصور حکمت اینطور فرموله میکند که حزب باید در دسترس باشد، شخصیت‌هایش شناخته شده باشند، رهبرهایش شناخته شده باشند. چطور یک تلویزیون امروز صدها برابر از یک چاپ‌خانه نینا بیشتر می‌ارزد. رادیو می‌خواهیم، تلویزیون می‌خواهیم، آن چیزی که منصور حکمت با این اصطلاح می‌گوید که پرچم سوسیالیسم را باید بکوبیم در وسط میدان شهر. اساس اینست که جامعه ما را در هیات یک حزب مدعی قدرت ببیند که می‌تواند قدرت را بگیرد و می‌تواند قدرت را نگهدارد. معمولاً می‌گویند که حرفهای قشنگی می‌زنند ولی اگر ببینند روی کار آمریکا پدرشان را در می‌آورد، کودتا می‌شود، میریزند سرمان، یک جزیره سوسیالیستی نمی‌تواند در منطقه باشد. بحث‌های منصور حکمت در "آیا کمونیسم در ایران پیروز می‌شود" جواب اینهاست. بحث فقط این نیست که فعال محلی حزب برود نظرات ما را تبلیغ و ترویج کند، بلکه اجتماعاً باید حزب را معرفی کرد و چون مساله اجتماعی است باید تریبون‌هایی مثل رادیو و تلویزیون را در دست گرفت. کافی نیست

بروی توی صف گوشت و شیر و یا در کارخانه و محله بگویی چرا اگر ما کمونیستها پیروز بشویم آمریکا نمیتواند کاری بکند. باید از این تریبونی که تکنولوژی به تو داده مثل رادیو تلویزیون حرفت را به چشم و گوش میلیون ها آدم برسانی و نشان بدهی که چرا ما کمونیستها میتوانیم به قدرت برسیم و قدرت را حفظ کنیم. این تنها مهم نیست که شما آمال و حرف دل مردم را بگویند. این را دیگر مردم تا بحال فهمیده اند. مهم این است که کسی که این آمال را نمایندگی میکند در میدان است، بلد است چطور قدرت سیاسی را بگیرد و میتواند، جریزه اش را دارد که قدرت سیاسی را بگیرد و نگهدارد. مگر کم به کمونیست ها گفتند که حرف هایتان قشنگ است ولی نمی توانید به حکومت برسید، حرف هایتان قشنگ است ولی امکان پذیر نیست، حرف هایتان قشنگ است ولی همیشه اپوزیسیون هستید. اینکه من مطلوب کافی نیست باید نشان بدهی من امکان پذیرم. من ممکن ام. این حرف های ایده آل می تواند در جامعه حاکم شود، می تواند جامعه را دگرگون کند و می تواند یک دنیای بهتر را پیاده کند. برای انجام این کار باید اجتماعا، در یک سطح وسیع اجتماعی، حرف بزنی و مطرح بشوی. و این بعهده تعیین کننده رهبری شخصیت ها و کادر های حزب است که از طریق تریبون ها و بلندگو ها و ابزار های اجتماعی حزب این کار را انجام دهند.

جنبه دیگر وظایف، که در بخش ب بند چهارم آمده است، وظایف محلی است. حزب باید در سطح محلی هم فعالانه کار بکند. بی مایه فطیر است رفقا! من اینرا بار ها گفته ام که بدون پیاده نظام، اگر مثال ارتش را بزنیم، کاری از پیش نمیرود. حتی ارتش ناتو هم تنها با بمباران هوایی یک کشور را نتوانسته بگیرد. اگر شما با توپ خانه و بمباران هوایی، با رادیو و تلویزیون کار میکنید باید بر روی زمین هم نیرو جمع کنید. وگرنه باد می بردتان! در این سطح دیگر بحث بر سر تشکل، سازمان حزبی، رهبری مبارزه در محل، رهبران عملی و غیره است. باید این نوع وظایف را معین کرد و قطعنامه پلنوم بیستم شروع این کار بود. بحث هویت بخشی به فعالین چه شروع این کار است. این بحث نشان میدهد که همین امروز چه باید کرد. شما نمی توانید نقشه عملتان برای روزی باشد، که مثل دروه کتاب های جلد سفید در انقلاب ۵۷، رژیم بسیار ضعیف شده و عملاً آزادی فعالیت سیاسی در جامعه بدست آمده. این چاره امروز ما نیست. شما باید بدانید چطور میشود به دوره کتاب های جلد سفید رسید. من اگر این کار را نکنم آن دوره هیچ موقع نمی رسد. باید ببینید همین امروز چطور میشود انقلاب را ساخت. حالا اگر شما انقلاب را فقط شورش و تظاهرات ببینید این ممکن نیست. چون قضیه مرغ و

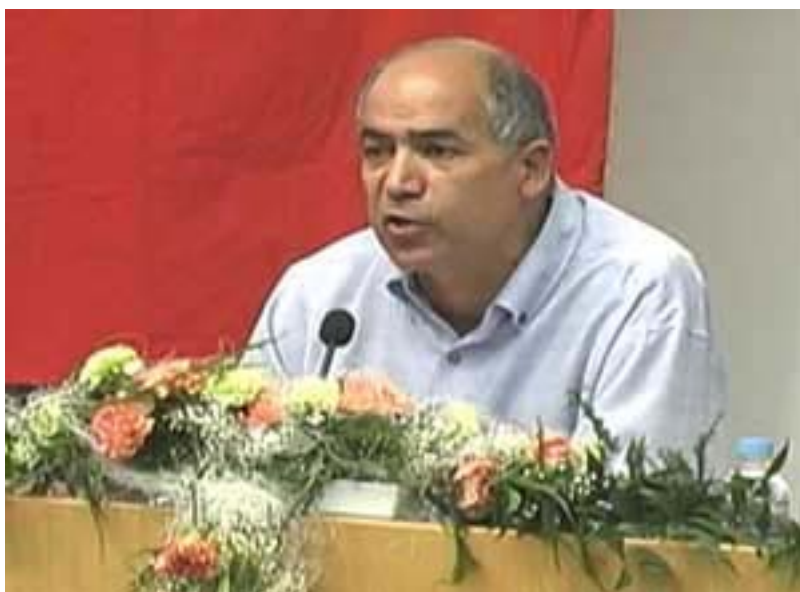
تخم مرغ میشود. انقلاب را نمی‌شود ساخت چون شرایط انقلابی نیست، شرایط انقلابی نیست چون انقلابیون نمیتوانند کارشان را کنند. و یا چون اختناق است از انقلاب نمی‌شود حرف زد و برای انقلاب نمیشود کار کرد. این حرف پوچ است، بی‌معنی است. در هر شرایطی میشود برای انقلاب کار کرد. در غار هم باشیم انقلاب را می‌آوریم، هر جا باشد با هر امکانی میشود برای انقلاب کار کرد. مثل گلی که در غار هم می‌روید ما در هر شرایطی می‌روئیم و رشد میکنیم. بالاخره در هر جا و هر شرایطی یک موازنه قوایی داریم و میتوانیم روی آن موازنه قوا نیرو جمع کنیم، می‌توانیم شرایط علنی مبارزه را بشناسیم، می‌توانم رهبران عملی را متحد کنیم، می‌توانیم سازمان‌های مختلفی را بوجود بیاوریم. همان بحث شخصیت‌ها و رهبرها و کمپینها و هویت بخشیدن که معرف حضور همه هست.

ما این بحث را طرح کردیم و جامعه به ما جواب داد. ما بحث هویت بخشیدن به فعالین چپ را طرح کردیم و اول مه سقز پیش آمد. و برای اولین بار دیدیم همسران رهبران دستگیر شده با اسم و رسم و عکس نامه نوشتند و همین اواخر دو هفته پیش هم نامه دیگری از آنها به روی سایتها بود. جامعه ما را صدا زد، یا ما جامعه را راستش من نمی‌دانم. ما همدیگر را ملاقات کردیم. ما نیاز مبارزه را تشخیص دادیم و اعلام کردیم و دو هفته بعد جامعه گفت آری همینطور است. گزارشاتی داریم که می‌گوید تعداد افرادی که میخواهند سازمان‌های غیر دولتی به ثبت برسانند در تاریخ آن مملکت بی‌نظیر است. فعالین ما از داخل می‌گویند از پی بحث هویت بخشی اینطور شده و می‌پرسند از اینجا به کجا برویم؟ چرا بحث را دنبال نگرفتید؟ نمی‌توانستیم بگوئیم مشغول بحثهای داخلی بودیم! این کنگره باید این موانع را بگذارد کنار و دنبال بحثها را بگیریم و پیش برویم. این جنبه به عقیده من به همان اندازه رهبری سراسری مهم است. راستش اینکه کدام جنبه، رهبری محلی و یا رهبری سراسری مهم تر است معنی ندارد. هر دو مهم اند. دو تز در اینجا اساسی است، اول رهبری سراسری و آلترناتیو اجتماعی حکومت شدن، و دوم در صحنه، در عرصه مشخص مبارزه نیرو جمع کردن و سازمان دادن و از همین امروز انقلاب را ساختن. می‌تواند انقلاب ایران چهره خیلی علنی و متمدنی داشته باشد. می‌دانم بالاخره به آن شلیک میکنند، ولی خیلی سخت می‌توانند به نیروی وسیع متشکل سراسری که موازنه قوا را می‌شناسد و حرف‌هایی می‌زند که بهانه بدست کسی نمی‌دهد ولی در عین حال جوهر حرفش انقلابی و رادیکال است شلیک کنند. این را داریم می‌بینیم. دستگیرشدگان سقز را گرچه موقت و مشروط ولی بالاخره آزاد کردند. کی جمهوری اسلامی

چنین می‌کرد؟ ده‌ها و صدها رهبر جنبش کارگری دستگیر شدند، ناپدید شدند، همسرانشان اعتراضی نکردند، جامعه تکان نخورد، من و شما حتی اسمشان را هم نشنیدیم. الان رهبران کارگری سقر را همه می‌شناسند، کمپین‌اش مشخص است، اسم همسرانشان را هم می‌دانیم، حمایت‌کنندگان را می‌دانیم، و جمهوری اسلامی هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

این سناریو می‌تواند توسعه پیدا کند، هزار و یک مساله داریم، از زلزله بم تا خاتون آباد تا قطع دست و پای کارگران ایران خودرو در محیط کار، هزار و یک موضوع داریم. یک کارگر در جامعه انگلیس دستش قطع شود اسمش در تمام رسانه‌های گروهی انگلیس پر می‌شود. در ایران هر روز دارد این اتفاق می‌افتد هیچ کس خبر نمی‌شود. توازن قوا اجازه نمی‌دهد؟ نخیر سنتش را نداریم! کار نکردیم. مثل جنبش کارگری انگلیس کار نکردیم. کی گفته جنبش کارگری انگلیس فقط زیر پارلمان هایش می‌تواند کار کند! چرا تحت رژیم اسلامی نمی‌شود اینطور مبارزه کرد؟ جنبش کارگری در افکار عمومی حقانیت دارد، فقط راهش را باید بلد باشد. باید از سنت چپ سنتی محافل کارگری که در غار زندگی می‌کنند دست بردارد. جنبش کارگری هم کسانی دارد که در غار زندگی می‌کنند. محافل کارگری پنج و ده و بیست نفره که همه همدیگر را می‌شناسند ولی همسایه‌شان آنها را نمی‌شناسند. این قالب را باید شکست. این قالب دارد می‌شکند. این راه را بما نشان می‌دهد. در همین شرایط می‌توانیم آستین بالا بزنیم و دست اندر کار سازماندهی انقلاب بشویم. و بعد اگر کسی بپرسد انقلاب کی می‌شود، ساعتان را نگاه میکنیم و می‌گوئیم الان می‌گویم کی میشود! می‌گوید ۱۸ تیر امسال نمی‌شود! می‌گوئیم نگران نباش انقلاب را خودمان می‌سازیم! این بار ۱۸ تیر نیست، ۲۵ مرداد است!

رفقا ما می‌توانیم آنجا برسیم، این قطعنامه استراتژی دارد این را می‌گوید. هم در سطح اجتماعی باید بسازیم هم در سطح محلی. بنظر من نقطه شروع‌های خوبی برای همه‌اش داریم. تلویزیون ما یک قدم اساسی جلو بود. یک قدم بلند در سطح اجتماعی شدن بود. تزهای حزب و جامعه و هویت بخشی و جنبش کارگری نقشه عمل دوم ماست. این دو تا را باید پیش ببریم و با تمام قوا باید این کار را بکنیم. این قطعنامه بیش از این چیزی نمی‌گوید. خیلی ممنون.



انقلاب هزاران آژیتاتور کمونیست میخااهد

**سخنرانی اصغر کریمی در دفاع از قطعنامه "مبانی استراتژی و رؤوس
وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی"**

رفقا، درمورد این قطعنامه حمید تقوایی نسبتا به تفصیل صحبت کرد، رفقای دیگری هم روی جنبه هایی از آن صحبت کردند. من هم میخوام بر نکات مهم آن تاکید کنم.
این قطعنامه چند تر دارد:

اولین تر، این است که خصلت تحولات سیاسی که در ایران دارد اتفاق میافتد این است که يك جنبش سرنگونی وجود دارد و در شرایط کنونی محتمل ترین حالت این است که انقلابی در

راه است و جمهوری اسلامی به نیروی انقلاب مردم سرنگون میشود.

تاز دوم، این است که این انقلاب يك انقلاب کارگری میتواند باشد، به این دلیل که کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری حضور قدرتمندی در صحنه سیاسی ایران دارد، به عنوان یکی از آلترناتیوهای اساسی جامعه، بعنوان یکی از ترندهای اصلی جامعه، بعنوان یکی از دو سه حزب اصلی در صحنه سیاسی جامعه حضور دارد. این حزب و این جنبش در سالهای اخیر مهر خود را بر تحولات سیاسی در ایران زده است، جامعه را به چپ چرخانده و اپوزیسیون راست را تحت فشار دائم قرار داده و آنرا بشدت ضعیف کرده است. با حضور این حزب انقلاب آتی در ایران میتواند يك انقلاب کارگری با هدف جمهوری سوسیالیستی باشد.

تاز سوم، این است که تنها شعاری که درمورد آینده سیاسی ایران و این تحولات و نظام بعدی تبلیغ میکنیم و تنها آلترناتیوی که در برابر جامعه میگذاریم، جمهوری سوسیالیستی است و اتفاقا تنها با این شیوه میتوان تضمین کرد که اگر انقلابی صورت گیرد، انقلاب سوسیالیستی و کارگری باشد. ما در همین دوره در جریان اختلافات درون حزب باز هم متوجه شدیم که تاکید بر این مساله تا چه اندازه مهم است. این مساله جزء شناخته شده کمونیسم کارگری بوده و تفاوت اساسی ما را با تمام جریانان راست و چپ جامعه مشخص میکند. ولی در همین دوره در جریان جدال درون حزب دیدیم که چگونه این تاز اساسی زیر سوال رفت و با قطعنامه و تزهایی که جریان راست در درون حزب مطرح کرد چطور پرچم طبقات دیگر را در حزب بلند کرد و میخواست کل حزب را در اختیار طبقات دیگر قرار دهد. با این ادعا که امکان کسب قدرت برای حزب وجود ندارد و جمهوری سوسیالیستی الان ممکن نیست، قطعنامه هائی آوردند که راه را بر جنبش های دیگر هموار میکرد. این تزی یکی از مهمترین نکات این قطعنامه است که بار دیگر جریان ما باید بر آن تاکید بگذارد. قطعنامه درعین حال امکان بروز حالات دیگر را هم اشاره میکند که اگر اتفاقات سیاسی بشکل دیگر پیش رفت و آیا آلترناتیوهای دیگری به قدرت رسیدند چگونه در دل این تحولات هم سعی میکنیم حزب کمونیست کارگری را و آلترناتیو خودمان را جلو ببریم و تقویت کنیم. معلوم است که کسی نمیتواند تضمین کند که حتما و صددرصد انقلاب کارگری اتفاق میافتد و حتما حزب کمونیست کارگری بدون اینکه فاکتورهای مهمی اتفاق بیفتد، و بدون اینکه خود حزب اقدامات وسیع متعدد و همه جانبه و تلاشهای هرکولی در دستور داشته باشد حتما این تضمین شده است. این حالات در قطعنامه پیش بینی شده و اتفاقا برای اینکه در آن حالات هم حزب کمونیست کارگری در موقعیت برای

پیشروی باشد و بتواند دست بالا پیدا کند لازمه اش این است که امروز همین آلترناتیو را تبلیغ کنیم و آنرا تقویت کنیم.

تزدیگر این است که ما در عین حال که از حزب بعنوان فاکتور تعیین کننده تحولات سیاسی صحبت میکنیم تصویر يك حزب لخت و عور را نداریم که مرتب رشد میکند، عضو میگردد، ده بیست هزار عضو میگردد و بعد میرود بطرف کسب قدرت. این هیچوقت تئوری ما نبوده است و هیچوقت در ادبیات بیست و پنج ساله ما به این شکل مطرح نشده است. رشد حزب تنها نگاه به جامعه نیست. انواع تشکلهای و نهادهای توده ای و بزرگ باید حول و حوش حزب شکل بگیرد. انواع تشکلهای توده ای باید درست شود، از همین الان باید بیشترین تلاش را برای دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و جنبش شورائی در دستور داشته باشیم و بیشترین تعداد از کارگران و مردم هر جا و هر زمان که بتوانند بروند شوراهاى خودشان را درست کنند و به اشکال مختلف متشکل شوند. ممکن است شورائی تا موقع انقلاب ایجاد نشود اما يك لحظه هم اهمیت این مساله و تلاش ما نباید کم رنگ شود. ضمانت اینکه مردم بیشتر در اشکال مختلف متشکل شوند، دخالت و تاکید امروز حزب است. و اتفاقا با همین کار است که توده وسیعتری از کارگران و مردم آماده میشوند که حزب را مال خودشان بدانند و به آن نزدیک شوند. اما آیا اگر شوراها تشکیل شدند، اگر نهادهائی در دفاع از حقوق زنان درست شد، اگر نهادهائی در دفاع از سکولاریسم، علیه اعدام و سنگسار و غیره تشکیل شد آیا حتما تضمین شده است که به نفع جنبش کمونیسم کارگری رای بدهند و آنرا تقویت کنند و انتخاب کنند؟ جواب این سوال بنظر من مثبت است. بشرطی که حزب کمونیست کارگری قدرتمند در صحنه حضور داشته باشد، بشرطی که در راه انداختن و هدایت و تقویت این تشکلهای از همین الان سهم داشته باشد. رفیق سمیر نوری مثال خوبی آورد. در دوره جنگ اول خلیج جنبش شورائی در کردستان عراق شکل گرفت که خیلی قوی بود و خیلی نفوذ داشت اما يك حزب کمونیستی کارگری نبود که افق کمونیستی بر این جنبش توده ای حاکم کند و در نتیجه نتوانست از آن فرصت استفاده کند.

منتها همانطور که گفتم کسب قدرت سیاسی نیاز دارد به اینکه حزب هزار کار کند تا بتواند از دریچه ای که از چند سال پیش بروی ما باز شده است و از این فرصت بخوبی استفاده کند و این تز مهم دیگر این قطعنامه است.

درمورد حزب، و برای اینکه به يك آلترناتیو فوق العاده قوی تبدیل شود و مهمترین حزب

سیاسی در جامعه ایران باشد و نفوذش را هرچه بیشتر گسترش دهد، باید هزار کار بکند، لازم است که حزب در دسترسی باشد، که مردم بتوانند همه جا آنرا ببینند و انتخاب کنند. حمید تقوایی از این صحبت کرد که موقعی که تحولات سیاسی مهم اتفاق میافتد که موقعی که مردم میابند بیرون، موقعی که تظاهراتهای عظیم مردم صورت میگیرد مردم بتوانند حزب را در مقابل احزاب دیگر انتخاب کنند. نگویند اینها آدمهای خوبی هستند، برابری طلب اند، رادیکال اند اما توانائی گرفتن قدرت سیاسی را ندارند. مهمترین چیزی که حزب باید ایجاد کند این است که حزب آنچنان قدرتمند باشد و صحنه را به نفع خودش تغییر دهد و آنچنان آمادگی از خودش نشان دهد برای گرفتن قدرت که مردم در چهره این حزب اینرا بخوانند که حزب میتواند قدرت را بگیرد و آنرا حفظ کند، لازم است که شخصیت های شناخته شده تری داشته باشد. شخصیت های شناخته شده حزب همین الان یکی از اهرمهای جابجائی نیرو هستند، یکی از اهرمهای با نفوذ کردن و محبوب کردن حزب کمونیست کارگری شده اند، یکی از اهرمهای محبوب کردن کمونیسم در ایران شده اند. باید در ابعاد هرچه وسیعتری این کار ادامه یابد و رشد کند و چهره های کمونیست کارگری جلو صحنه سیاسی ایران قرار داشته باشند. تلاش برای ایجاد تشکل های توده ای نیز بخشی مهم برای رشد و تحکیم موقعیت حزب در جامعه است.

به هر درجه امروز طبقه کارگر و توده مردم متشکل باشند، تشکلهای توده ای خود را داشته باشند و انواع نهادها و سازمانهای حول مطالبات و خواستههای مردم در جامعه شکل بگیرد، کل چپ جامعه، کمونیسم کارگری و حزب آن در موقعیت بسیار مساعدتری برای پیشروی، برای قدرتمند شدن و قدرت گرفتن قرار میگیرند. در شرایط کنونی طبقه کارگر فاقد تشکل های توده ای خود میباشد باینحال به یمن وجود حزب میبینیم که چگونه کارگر در عرصه سیاست و کسب قدرت نمایندگی میشود و برای کمونیستها این یک نکته بدیهی باید باشد که به درجه ای که طبقه کارگر متشکل تر باشد به همان درجه هم تضمین اینکه حزب آن در سطح جامعه و در انقلاب هژمونی پیدا کند بیشتر میشود.

طبقه کارگر آلترناتیو دیگری ندارد. اگر حزب کمونیست کارگری در صحنه باشد طبقه کارگر نیروی حزب اسلامی را انتخاب کند یا سلطنت طلب را یا قومپرستان را. این موقعی اتفاق میافتد که حزب کمونیست کارگری در صحنه نباشد.

بحث حزب و جامعه در داخل که حمید تقوایی در این دوره در ادامه بحث حزب و جامعه

منصور حکمت مطرح کرد، يك نکته مهم دیگر این قطعنامه است. همین چند ماه گذشته جامعه نشان داد که چقدر این بحث در جامعه جواب می‌گیرد. يك انقلاب عظیم و تحولات مهمی که در جریان است به هزاران آژی‌تاتور و سخنگو احتیاج دارد که بدون روی چهارپایه، در خیابان، کارخانه، دانشگاه و مدرسه و ادارات و هر جا مردم هستند اینها بروند روی چهارپایه و نبض اوضاع را در دست بگیرند، مهر خود را بر اوضاع بکوبند، مردم انقلابی را هدایت کنند و پرچم رهبری مردم را بدست بگیرند و بشوند نماینده مردم و رهبران مردم انقلابی. اگر چنین شرایطی ایجاد نکنیم، چنین توقعی در میان کارگران و بخش چپ جامعه ایجاد نکنیم آنوقت هریچه آخوند و قومپرست و حتی انواع مذهبیون می‌افتند جلو و فضا را در حرکت های مردم می‌گیرند. آنها تاریخا در موقعیت بهتری بوده اند. طبقه کارگر بدلیل خفقان و سرکوب مستمر کمونیسم و بدلائل متعدد تاریخی دیگر نتوانسته این سنت را در میان خودش ایجاد کند. شرایط که عوض میشود میبینیم که طبرزدی یا شیرین عبادی می‌افتند جلو بعنوان شخصیت های سیاسی مطرح میشوند. ما داریم این توقع را با این قطعنامه جلو جامعه می‌گذاریم که فعالین کارگری و رهبران سوسیالیست و چپ در جنبش های اعتراضی بخشهای مختلف مردم از هر کس دیگری شایسته تر هستند بیایند جلو. کارگری که در پتروشیمی همه می‌شناسند، در نفت و ماشین سازیها، در نساجی ها و غیره همه می‌شناسند این مشروعیت و شایستگی را از هر کس دیگری بیشتر دارد که در شهر خودش، در منطقه خودش، در سطح سراسری و حتی بین المللی او را بعنوان يك چهره محبوب و با نفوذ و مهم بشناسند و پشت سرش بسیج شوند. آیا این عملی است؟ بنظر من همان مثال اول مه در سقز به حد کافی صحت این بحث را توضیح میدهد. این عملی است، دیدیم که عملی شد، اینرا باید با تمام قوا ادامه دهیم و این ما را در موقعیت بسیار آماده تر و مساعدتری برای رهبری انقلاب و جنبش اعتراضی مردم قرار میدهد.

اگر نمی‌خواهیم فردا کلاه سرمان برود باید مجموعه فاکتورهائی که در قطعنامه هست را انجام بدهیم. حزب فقط اینجوری میتواند در صحنه سیاسی حاضر باشد و در ابعاد اجتماعی نیرو جابجا کند و رشد کند و خود را برای قدرت آماده کند. بشرطی که از همین حالا این بحث حزب و جامعه چنان پیش برود که صدها و هزاران آدم رادیکال، هزاران کارگر رادیکال، هزاران زن و جوان رادیکال، هزاران دانشجوی رادیکال در جلو صحنه سیاسی ایران قرار گیرند. سیاست ها و مطالبات حزب را باید توده گیر کرد، چهره های سرشناس و رادیکال مبارزات مردم و

تشکل‌های توده‌ای اهرم نیرومندی میشوند که این مطالبات را توده‌گیر کنند و مردم را حول آن بسیج کنند. اینطور کمونیسم و کل‌چپ میتواند در سطح جامعه و در مقابل احزاب طبقات دیگر و در مقابل جنبش‌های دیگر دست بالاتر پیدا کند. رفقا، برای کسب هژمونی و تبدیل شدن به رهبر "نه" مردم و رهبر انقلابی که از راه میرسد، کارهای هرکولی لازم است. این قطعنامه مسیر روشنی را در مقابل حزب قرار میدهد و اقدامات بسیار متنوع و گسترده‌ای را از ما طلب میکند.

قطعنامه در مورد حزب و قدرت سیاسی بعد از جمهوری اسلامی

مصوب کنگره پنجم به اتفاق آرا

سرنگونی جمهوری اسلامی بوسیله يك انقلاب توده ای محتمل ترین حالت سقوط جمهوری اسلامی است. اما این امکان نیز، هر چند ضعیف، وجود دارد که رژیم به طرق دیگری نظیر کودتا، حمله نظامی آمریکا، و یا هر شکل دیگری که از حالا قابل پیش بینی نیست توسط خود بورژوازی کنار زده شود و سقوط کند. از سوی دیگر سقوط جمهوری اسلامی بسته به هریک از حالات فوق میتواند بقدرت رسیدن حزب، شرکت در قدرت، و یا شکل گیری يك دولت جدید بدون شرکت حزب منجر شود. مبانی سیاستهای حزب در قبال این احتمالات چنین است:

الف) بقدرت رسیدن حزب

۱- حزب پس از کسب قدرت سیاسی فوراً جمهوری سوسیالیستی و کلیت برنامه و سیاستهای این جمهوری را بر مبنای برنامه يك دنیای بهتر اعلام میکند، برای عملی کردن آن دست بکار میشود و تلاش میکند موانع اجرای آنرا از میان بردارد. حقوق و آزادیها و اقدامات رفاهی و اقتصادی اعلام شده در برنامه فوراً باید بعنوان قانون رسمیت پیدا کنند و به مرحله اجرا گذاشته شوند. چنانچه بخشهایی از برنامه بعلت عدم تشبیت سیاسی قدرت جمهوری سوسیالیستی فوراً قابل اجرا نباشد علل آن بروشنی بمردم توضیح داده شود.

۲- بقدرت رسیدن حزب ممکن است با و یا بدون شوراها صورت بگیرد. در هر صورت نام حکومت ما جمهوری سوسیالیستی است و نه حکومت حزب و یا حکومت موقت و نظایر آن. صرفنظر از هر خصوصیتی که حکومت کارگری بلافاصله پس از استقرارش داشته باشد، حزب موظف است که سازماندهی شوراهای مردم و تقویت و ارتقای آنها به عنوان ارکان حکومت را در دستور فوری خود قرار بدهد.

۳- با احتمال زیاد بین تصرف قدرت بوسیله حزب و تثبیت قدرت سیاسی جمهوری سوسیالیستی دوره ای از مبارزه سیاسی و کشاکش طبقاتی وجود دارد (تزدولت در دوره های انقلابی) که بسته به شرایط میتواند کوتاه و یا بلند مدت باشد. در این دوره وظیفه اصلی حکومت جمهوری سوسیالیستی تثبیت قدرت سیاسی خود خواهد بود. این شرایط نباید موجب خودداری حزب از نامیدن و معرفی حکومت بعنوان جمهوری سوسیالیستی و اعلام برنامه و سیاستهای سوسیالیستی شود. حزب باید برنامه های خود را بمحض کسب قدرت سیاسی اعلام دارد و هر جا که بورژوازی داخلی و بین المللی مانع عملی شدن برنامه حزب میشوند صریحا توطئه های بورژوازی را افشا کند و مردم را برای خنثی کردن توطئه و مقاومت نیروهای ضد انقلاب بسیج کند. این تنها راه در هم شکستن توطئه ها و مقاوتهای بورژوازی و تثبیت جمهوری سوسیالیستی است.

ب) حزب خارج از قدرت

در شرایطی که برکناری و یا سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت گیری حزب نیانجامد نحوه رابطه و سیاست حزب در برابر دولت تازه مساله مشخصی است که در همان شرایط باید به آن جواب داد و از هم اکنون پاسخگوئی دقیق به آن ممکن نیست. اما علی الاصول میتوان به فاکتورهای زیر اشاره کرد:

۱- با احتمال زیاد با سقوط جمهوری اسلامی عملا نوعی فضای باز در جامعه ایجاد خواهد شد (حتی اگر سقوط رژیم در اثر کودتا و ضد کودتا صورت بگیرد با احتمال زیاد اختناق حاصل از آن دیر پا نخواهد بود) و شرایط مساعدی برای رشد مبارزات کارگران و مردم و پولاریزه شدن

جامعه ایجاد خواهد شد. در این شرایط اساس سیاست حزب گردآوری قوا و تقویت نفوذ حزب در میان مردم و تبدیل شدن به چنان وزنه سیاسی است که نادیده گرفتن آن برای حکومت غیر ممکن باشد (ایجاد نوعی قدرت دوگانه در جامعه).

۲- رابطه دولت تازه با حزب مستقیماً تابعی از درجه نفوذ و قدرت حزب در جامعه خواهد بود. قدرت بسیج توده ای حزب یگانه تضمین ابراز وجود سیاسی حزب، ناتوان کردن حکومت در سرکوب و یا محدود ساختن فعالیت‌های حزب و قرار دادن حزب در یک موقعیت قدرتمند در تعیین تاکتیک در قبال حکومت است. در هر صورت استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی همچنان بر در میدان نگاهداشتن کارگران و مردم انقلابی و تعمیق و ادامه انقلاب در برابر دولتهای غیر کارگری جانشین جمهوری اسلامی استوار خواهد بود.

۳- تبلیغات و فعالیت های حزب باید، مستقل از سیر احتمالی که پیش بینی میکنیم، بر جمهوری سوسیالیستی بعنوان یگانه دولت ذیصلاح و پایدار جانشین جمهوری اسلامی و یا هر نوع دولت دیگر جانشین آن، تنها دولتی که ما و مردم بعنوان حکومت و نظام جدید برسمیت میشناسیم، متمرکز شود. حزب در هر شرایطی، در برابر جمهوری اسلامی و یا دیگر دولتهای بورژوائی جانشین آن هدف خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی را دنبال میکند و تمام کوشش خود را به کار میبرد که با سازماندهی انقلاب و سرنگون کردن جمهوری اسلامی به این هدف دست پیدا کند.

اجازه نمیدهیم هیچ نوع دولت بورژوائی در ایران تثبت شود

سخنرانی حمید تقوائی

در معرفی قطعنامه "حزب و قدرت سیاسی بعد از سقوط جمهوری اسلامی"

قطعنامه حاضر، قطعنامه شماره دو، در واقع مکمل قطعنامه استراتژی است و مربوط میشود به حزب و قدرت سیاسی بعد از سقوط جمهوری اسلامی. قطعنامه اول که امروز تصویب کردیم در مورد استراتژی عمومی حزب برای کسب قدرت بود. اما این قطعنامه در مورد بعد از جمهوری اسلامی است، هم در صورتی که حزب بقدرت رسیده باشد و هم حالت خاصی که بخاطر تغییر و تحولاتی جمهوری اسلامی سقوط کرده ولی هنوز حزب ما در قدرت نیست. این یکی از احتمالات است و حزب باید خیلی روشن بداند در چنین شرایطی چه می کنیم. قطعنامه در دو بخش هر یک از دو حالت حزب در قدرت و حزب خارج از قدرت را بررسی میکند. در بخش اول این توضیح داده میشود که وقتی ما بقدرت برسیم چطور کار می کنیم.

بحث های مهمی درباره این دوره مطرح است. مثل بحث "دولت در دوره های انقلابی" که یکی از بحث های اساسی منصور حکمت، و یکی از در افزوده های او به تئوری مارکسیستی انقلاب است. منصور حکمت تجربه شوروی را با این تئوری توضیح می دهد و آنرا تعمیم می دهد به انقلاب علی العموم و تحولات انقلابی در هر کشوری (از جمله در ایران بعد از انقلاب، جمهوری اسلامی همین حالت را داشت). بحث بسادگی این است که دولتی که در اثر انقلاب روی کار می آید بعد از بقدرت رسیدن هنوز يك دولت متعارف نیست، با احتمال ۹۹ درصد متعارف نیست. در همه انقلابات اینطور است. بنابراین بعد از اینکه ما بقدرت برسیم و جمهوری سوسیالیستی را اعلام کنیم، به این معنی نیست که فوراً از نظر سیاسی يك قدرت

متعارف جمهوری سوسیالیستی هستیم. به شوراها مبتنی هستیم، سوسیالیسم را داریم پیاده می‌کنیم، برنامه مان را داریم پیاده می‌کنیم. ما با یک دوره از کشمکش روبرو خواهیم بود. یک خصوصیت اصلی این دوره این است که دولت برآمده از انقلاب اتوریته و اعتبار و مشروعیت و قدرتش را از انقلاب می‌گیرد نه از وضعیت و نهادهای عادی و نرمال جامعه. و از طرف دیگر وظیفه اصلی دولت تثبیت سیاسی خودش است. این یک درس انقلاب اکتبر است. و همه انقلابات دنیا حتی انقلاب ۵۷ با اینکه به شکست کشیده شد، این تجربه را تایید میکند. حزب ما باید در این مورد کاملاً روشن باشد. این قطعنامه بر مبنای بحث دولت در دوره‌های انقلابی روشن میکند که عملاً ما چه می‌کنیم.

اولین اقدام ما بعد از تصرف اعلام جمهوری سوسیالیستی و اعلام کلیت برنامه یک دنیای بهتر، و نه فقط بخش مطالباتی اش، بعنوان برنامه ایست که این حزب می‌خواهد پیاده کند. ما می‌دانیم که با احتمال بسیار بالا بورژوازی که از تخت افتاده به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد، نه در خود ایران و نه بین المللی، که جمهوری سوسیالیستی از همان روز اول برنامه اش را پیاده کند. بورژوازی دست به مقاومت خواهد زد و آنوقت وظیفه شما تثبیت قدرت سیاسی خودتان است.

تئوری‌های مرحله‌ای بعضاً از ندیدن همین موقعیت دولت در دوره‌ای انقلابی ناشی میشوند، تئوری‌هایی که سوسیالیسم را فوراً قابل حصول نمیدانند و موقوف به بعد میکنند. در شوروی همینطور شد و بعد تعمیم پیدا کرد و تبدیل به تئوری دوران شد و اخیراً در حزب خودمان هم سر در آورد. تروتسکیست‌ها هم این حرف را می‌زدند. در ایران هم اینرا داشتیم. دید سه جهانی اینرا می‌گفت، دید بابک زهرایی اینرا می‌گفت. منصور حکمت در "دولت در دوره‌های انقلابی" همین دیدگاه را نقد میکند و نشان میدهد چطور می‌توانیم رادیکال بمانیم، سوسیالیست بمانیم، جمهوری سوسیالیستی بمانیم و در عین حال قدرت خودمان را تثبیت کنیم. نه دولت موقت می‌خواهی، نه اسم خودت را به مردم نمی‌گویی، نه فکر می‌کنی سوسیالیسم کسی را رم می‌دهد. نه از برنامه حداقلات می‌زنی و نه برنامه حداکثرت را کنار می‌گذاری. با این حال متوجه هستی که ابتدا این دولت ناگزیرست برای تثبیت خودش بچنگد و هنوز دولت دوره پیاده کردن سوسیالیسم نیست. وقوف به این مساله برای هر کمونیستی که می‌خواهد بقدرت برسد اساسی و حیاتی است. و اگر نه همانطور که در شوروی شد، اسم یک نوع دیگر از اقتصاد بورژوازی را می‌گذارند کمونیست جنگی و شکست می‌خورند. باید بدانی

چطور و چه کار دارم می‌کنم و چرا دارم اینکار را می‌کنم. و به مردم باید توضیح داد. تنها راه خنثی کردن مقاومت‌های بورژوازی از تخت افتاده این است که شما مردم را بسیج کنید و بگویید اگر امروز نمی‌توانم آزادی و برابری و رفاه را عین برنامه‌ام پیاده کنم بخاطر اینستکه بورژوازی از قدرت افتاده نمی‌گذارد. تنها از این طریق میشود قدرت جمهوری سوسیالیستی را تثبیت کرد و سوسیالیسم را پیاده نمود. نه تنها سوسیالیسم مردم را رم نمی‌دهد بلکه کاملاً بر عکس بدون سوسیالیسم مردم رم میکنند. اگر می‌خواهی نیروی انقلاب را بعد از اینکه به قدرت رسیدی بسیج کنی برای اینکه بورژوازی را از جامعه جارو کنی و همه برنامه‌ات را پیاده کنی باید همین را به مردم بگویی. بگویی که من سوسیالیستم و می‌خواهم استعمار را بر بیاندازم می‌خواهم کار مزدی را بر بیاندازم. و همه برنامه‌ام را پیاده کنم ولی الان درگیر مقاومت بورژوازی هستم که در خیابان‌ها جلویم ایستاده است.

این خلاصه بخش اول قطعنامه برای حالتی است که حزب بقدرت رسیده است. بخش دوم در مورد حالتی است که حزب در خارج از قدرت قرار دارد. وقت کم است، خیلی خلاصه می‌گویم تز اصلی در اینجا اینست که ما باید خودمان بقدرت برسیم و با این هدف باید مبارزه کنیم و پرچم انقلاب را بلند نگهداریم. به احتمال زیاد قدرت بورژوازی هم نمی‌تواند خودش را تثبیت کند، بخصوص اگر ما در صحنه باشیم. تز "دولت در دوره‌های انقلابی" برای او هم صادق است. ما هستیم و ما اجازه نمی‌دهیم شرایط نرمال بشود. اجازه نمی‌دهیم متعارف شود. اجازه نمی‌دهیم بورژوازی دوباره انباشت و باز تولید سرمایه‌داری را در جامعه ایران بعنوان یک کار روتین شروع کند. چون آنوقت نظام کار ارزان و کارگر خاموش دوباره مثل بختک روی طبقه کارگر می‌افتد. در جامعه ایران سرمایه‌داری بدون اختناق پوچ است، ممکن نیست. به همین دلیل کار ما این است که زمین را زیر پایشان داغ نگه داریم. انقلاب در خیابان است. مثل جمهوری اسلامی که ۵۷ آمد و تا ۳۰ خرداد ۶۰ و حتی شروع جنگ با عراق نتوانست خودش را تثبیت کند. انقلاب ادامه داشت ولی رهبر نداشت. این بار رهبر انقلاب ماییم، در صحنه هستیم، آگاهانه، نقشه مند از امروز این اجازه را نمی‌دهیم که بورژوازی خودش را تثبیت کند حتی اگر در قدرت نباشیم. این بحث قطعنامه در مقابل تمام تزهای راست است. همان‌هایی که بقول سیاوش راهنمای چپ می‌زنند و به راست می‌پیچند. تزهایی که می‌گویند "دولت موقت است، دولت در دوره‌های انقلابی است، باید به آن وقت داد، باید تثبیت اش کرد، دوره مجلس است، دوره فرماندوم است". ما از این نوع مسائل نداریم، از این شوخی‌ها نداریم. از امروز به بورژوازی می‌

گوییم که فکر نکن فقط جمهوری اسلامی مسئله ماست . هر دولتی با پایبون هم بیاید مسئله ماست و نمی گذاریم تثبیت شود . از امروز برایش می جنگیم . يك درس از انقلاب شوروی این است که بلشویسم در قبل از انقلاب ۱۹۱۷ چنین افقی را نداشت . با این افق آموزش نداد . با این افق صفوف خودش را رشد نداد . با این افق طبقه کارگر روسیه را رشد نداد و بلایی بسرش آمد که دیدیم . از امروز اینرا صریح و روشن می گوییم هر دولتی با کودتا ، با بند و بست از بالا یا حمله نظامی آمریکا بجای جمهوری اسلامی بیاید ، ما اجازه نمی دهیم در ایران تثبیت شود . ما در خیابان می ایستیم ، صف کارگران و صف انقلاب را سازمان می دهیم و تا جمهوری سوسیالیستی پیش می رویم . من دیگر صحبتی ندارم ، وقت کم است . امیدوارم در فرصت های دیگری بیشتر در این مورد بحث کنیم .

سه قرار در مورد علنیت، ارتباط کمیته مرکزی و دفتر سیاسی و ارتباط اعضا و ارگانهای رهبری

مصوب کنگره پنجم به اتفاق آرا

قرار در مورد علنی شدن مباحث دفتر سیاسی

قرار (۱) کنگره بر لزوم علنی بودن تمام مباحث تئوریک و سیاسی درون حزب تاکید میکند. بحثهای کتبی باید در اولین فرصت از طریق نشریات و بولتنهایی منتشر شوند و بحثهای شفاهی در سمینارها و جلسات علنی برگزار شوند.

قرار در مورد دسترسی کمیته مرکزی به اسناد دفتر سیاسی

قرار (۲) اعضای کمیته مرکزی حق دارند به تمام اسناد و مباحث دفتر سیاسی و سایر ارگانهای درون کمیته مرکزی دسترسی پیدا کنند. دفتر سیاسی و ارگانهای درون کمیته مرکزی موظفند امکان دسترسی اعضای کمیته مرکزی به اسناد کتبی و صورت جلسات و نوارهای بحثهای شفاهی خود را فراهم کنند.

قرار در مورد شرکت اعضای کمیته مرکزی در جلسات دفتر سیاسی

قرار (۳) اعضای کمیته مرکزی میتوانند در جلسات دفتر سیاسی شرکت کنند.



این حزب هیچ بحث سیاسی مخفی ندارد

سخنرانی کاظم نیکخواه

در دفاع از سه قرار درباره علنی کردن همه بحثها، رابطه کمیته مرکزی و دفتر سیاسی، و نامه هایی که به کمیته ها داده میشود

رفقا شما خسته اید منم خسته ام. اما این موضوع بسیار مهمی است و در فرصت دیگری باید در مورد آن مفصل تر صحبت کرد. این قرارهایی که اینجا هست نشان دوره معینی را روی خود دارد. نشان اختلافاتی که توی حزب بود و مسائل آن دوره در این قرارها احساس میشود. حزب کمونیست کارگری يك حزب علنی است. علنی ترین حزبی است که در تاریخ اپوزیسیون ایران و حتی دنیا شاید وجود داشته است. کنگره های این حزب علنی است. کنفرانسهایش علنی است. اسناد و بحثهایش روبه جامعه منتشر میشود. و خود اینکه تصمیم گرفته شد و مشخصا منصور حکمت این طرح را ارائه داد که کنگره حزب را علنی کنیم، این يك گام اساسی در

سیاست ایران بود. با علنی شدن کنگره حزب کمونیست کارگری ایران، بطور واقعی سیاست در ایران يك گام جدی جلو رفت. مردم ایران حق دارند و انتظارشان بالاتر رفت از همه احزاب و گروههای سیاسی که از آنها بطور جدی بخواهند که در کنگره هایتان را بروی مردم باز کنید. بگویید چکار دارید میکنید. این قطعنامه‌ها و مواضع سیاسی که بیرون میدهید از کجا می‌آید. و پشت درهای بسته برای مردم تصمیم نگیرید. اما من میخواهم يك چیز اساسی تر بگویم. که از این قرارها فراتر می‌رود. همانطور که گفتم این قرارها مربوط به يك دوره معینی است. من فکر میکنم که حزب این دوره، حزب دوره اینترنت، حزب اول قرن بیست و یکم، باید يك حزب باز باشد. نمیتواند باز نباشد. حزبی که بخواهد يك حزب سیاسی جدی باشد نمیتواند در این دوره خود را مخفی کند. بخود ما نگاه کنید. هیچ چیزی حتی آن چیزهایی که نخواستیم علنی کنیم مخفی نماند. بر این اساس ما میبایست بعد از اینکه کنگره مان را علنی کردیم تصمیمات دیگری هم می‌گرفتیم و این علنی کردن را به جنبه‌های دیگر کارمان هم بسط میدادیم. میبایست این را هم علنی میکردیم که بفرض در مورد مواضع سیاسی مان چه روندی داخل حزب اتفاق می‌افتد. و مردم ایران و همه بدانند و ببینند که چه کسی کجا ایستاده، تصمیمات چگونه جلو می‌رود، کی کجا مخالف بوده، کجا تغییر موضع داده و چه نقشی داشته و غیره. این برای شناخت رهبران جامعه از سوی مردم لازم است. و این را من بعدا قول میدهم که بعنوان يك متمم اساسنامه ارائه بدهم.

ولی بهر حال آنچه که اینجا آمده مهر يك دوره معین را با خودش دارد. ما قاعدتا موقعی که کنگره مان علنی است میبایست کمیته مرکزی و مشاورین کمیته مرکزی از همه جلسات و بحثهای دفتر سیاسی با خبر میشدند. خود بخود روشن است که تمام کادرهای حزب میبایست از تمام بحثهای درون حزب با خبر می‌بودند. اما عملا با مقاومت برخورد کردیم. من خودم شاهد بودم که وقتی می‌گفتیم بحثهای دفتر سیاسی را به اعضا و کادرها بدهید عده‌ای می‌گفتند "محریت دفتر سیاسی زیر سوال می‌رود". می‌گفتند اگر این کار را بکنیم نمیتوانیم در دفتر سیاسی "بلند بلند فکر کنیم". می‌گفتیم خب نکنید. دفتر سیاسی جای بلند فکر کردن نیست جای تصمیم‌گیری سیاسی است. قرار نیست کسی توی دفتر سیاسی بلند بلند فکر کند و ایده‌های نپخته‌اش را بیاورد. کتبی و با قرار به دفتر سیاسی بیاید. با قطعنامه بیاید. از مواضعتان دفاع کنید رای بگیرید این نوع کار کردن هم حرفه‌ای تر است و هم سیاسی تر است. حزبی بزرگ و اجتماعی مثل این حزب نمیتواند دفتر سیاسی‌ش جای بلند فکر کردن باشد.

بهرحال در کنگره چهار نرسیدیم و وقت نشد که این قرارها تصویب شود. کنگره چهارم از این قرارها استقبال کرد و آنها را در دستور گذاشت اما به دلیل کمبود وقت فرصت تصویبش فراهم نشد. بنظر من با توجه به اتفاقاتی که در این حزب افتاد روشن است که ما خیلی ضرر کردیم. اگر این قرارها تصویب میشد قطعا این انشعاب اخیر حالت دیگری پیدا میکرد. و نمیشد، کسی امکان پیدا نمیکرد که نظراتی بدهد و بعد انکارش کند. این کار را میدانیم که کردند. خوشحالم که بهرحال این کنگره فرصت شد که تصویب این قرارها را به رای بگذاریم. همانطور که رفیق حمید تقوایی اشاره کرد اساسا باید پروسه عملی اینها را تعریف کرد و این را میگذاریم یعنی اجازه بدهید بگذاریم برای پلنوم کمیته مرکزی که چگونه پروسه عملی کردن این قرارها پیش خواهد رفت، چگونه اسناد علنی میشود چگونه بحثها در اختیار اعضا و جامعه قرار داده میشود.

قرارها اینها هستند: یکی اینستکه "کنگره بر لزوم علنی بودن تمام مباحث تئوریک و سیاسی درون حزب تاکید میکند. بحثهای کتبی باید در اولین فرصت از طریق نشریات و بولتنهایی منتشر شوند و بحثهای شفاهی در سمینارها و جلسات علنی ارائه شوند." قبلا این کلمه "تئوریک" نبود، این را اضافه کردم که روشن باشد که منظور بحث سیاسی فقط بحثهای مربوط به اوضاع سیاسی و دولت و امثال اینها نیست. یعنی ما هر بحث سیاسی و تئوریکی که مربوط به مسائل تشکیلاتی و غیره هم داشته باشیم رو به جامعه اعلام میشود. در اختبار جامعه قرار میگیرد. هیچ چیز مخفی ای این حزب ندارد. هیچ بحث مخفی ندارد و در نتیجه همه اینها در اختیار جامعه باید قرار گیرد.

دومین قرار اینست: "اعضای کمیته مرکزی حق دارند در جلسات دفتر سیاسی شرکت کنند (این جمله "در جلسات شرکت کنند" را رفیق حمید تقوایی اضافه کرد و منهم موافق بودم و ادامه اش که از همان قرار قبلی است اینطور است) و به تمام اسناد و مباحث دفتر سیاسی و سایر ارگانهای درون کمیته مرکزی دسترسی پیدا کنند. دفتر سیاسی و ارگانهای درون کمیته مرکزی موظفند امکان دسترسی اعضای کمیته مرکزی به اسناد کتبی و صورت جلسات و نوارهای بحثهای شفاهی خود را فراهم کنند."

و قرار سوم "اعضا و کادرهای حزب باید بتوانند نظرات خود را در اختیار ارگانهای رهبری حزب قرار دهند. مسئولین و دبیران این ارگانها (کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و ..) موظفند در اسرع وقت نامه ها و نظرات اعضا و کادرها را در اختیار کمیته های تحت مسئولیت خود

قرار دهند."

موضوع این قرار در این حزب يك امر بدیهی است. ولی چون موارد واقعا معدودی اتفاق افتاده بود که نامه‌هایی به کمیته مرکزی و دفتر سیاسی ارسال شده بود ولی در اختیار خود دفتر سیاسی قرار داده نشده بود من لازم دانستم تاکید کنم که این باید اصل باشد که اگر کسی به دفتر سیاسی یا به کمیته مرکزی یا به هر کمیته کشوری نامه مینویسد، خطاب به آن کمیته مینویسد و به دبیر کمیته میدهد آن دبیر موظف است که در اختیار ارگان مربوطه اش در اسرع وقت قرار دهد. حق ندارد آنرا برای خودش نگه دارد. همانطور که گفتم این در موارد معدودی اتفاق افتاده بود ولی همیشه در این حزب يك امر بدیهی بوده، اگر لازم می بینید تصویب کنید. اینها قرارهایی بوده که از جانب من داده شده و رفقا علی فرهنگ سهیلا شریفی بهرام سروش و نازی برومند و اسماعیل مولودی هم قبلا آنرا تایید کرده اند. من صحبت دیگری ندارم. امیدوارم در فرصت دیگری پروسه عملی کردن این قرارها را هم در جزئیات روشن کنیم.

قرار در قدردانی از رفیق حمید تقوائی

کنگره پنجم حزب از تلاشهای بیدریغ و پیگیر رفیق حمید تقوائی، لیدر حزب، در دفاع از مصوبات کنگره های حزب و اصول و اهداف برنامه ای، مقابله قاطع و سازش ناپذیر با گرایش راست درون حزب و فراخوان کنگره پنجم برای به فرجام رساندن این جدال سیاسی درون حزب صمیمانه قدردانی میکند.

به اتفاق آرا تصویب شد.

قرار در قدردانی از رفیق علی جوادی

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری از رفیق علی جوادی بخاطر تلاش پیگیرانه او در محبوب کردن کمونیسم و گسترش چشمگیر نفوذ حزب در ایران از طریق برنامه های تلویزیونی، قدردانی میکند.

به اتفاق آرا تصویب شد.

قرار در حمایت از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق

کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران از فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق قاطعانه حمایت میکند و از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد تا از فعالین این فراکسیون برای اینکه مواضع و نظرات آن به خط رسمی حزب کمونیست کارگری عراق تبدیل

شود با تمام قوا حمایت کند.
با یک مخالف و دو ممتنع تصویب شد.

قرار علیه هتک حرمت

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران کمپین منشعبین برای هتک حرمت، ترور شخصیت و افترا زدن علیه رهبری حزب بویژه علیه رفقا علی جوادی، آذر ماجدی، اصغر کریمی، حمید تقوائی و مینا احدی را قاطعانه محکوم میکند.
با سه رای مخالف و یک ممتنع تصویب شد



حزب، ستاد رهبری کننده انقلاب سوسیالیستی، اکنون در دسترس طبقه کارگر است

سخنرانی محمد مزرعه کار در کنگره پنجم حزب

با درود به جانب‌اختگان راه آزادی و انقلاب سوسیالیستی، با درود به جانب‌اختگان کمونیست پالایشگاه آبادان: فرج اله دشتیانی، جمشید فریدونفر، رضا مرادی و مهدی تمیمی. با درود به منصور حکمت بنیانگذار حزب کمونیست کارگری ایران.

صحبت کوتاه من درباره شوراها، حزب کمونیست کارگری و انقلاب سوسیالیستی است. با اجازه از عزیزان شرکت کننده در کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری، خلاصه و فشرده می‌خواهم

اذهان شما را به ۲۶ سال قبل ببرم و وارد صحنه‌های زنده انقلاب ۵۷ و نقش طبقه کارگر در آن انقلاب بنمایم. بویژه نقش عظیم نفت‌گران اعتصابی صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و چاه‌های حفاری نفت در خوزستان را توضیح دهم. با وجود حکومت نظامی در ۱۶ شهر بزرگ در ایران، از مهر ماه ۵۷، موثرترین، قاطعترین، و سرسخت‌ترین بخش طبقه کارگر ایران یعنی کارگران و کارمندان صنایع کلیدی نفت، گاز و پتروشیمی اعتصاب و مبارزات خویش را آغاز کردند. کارکنان نفت پالایشگاه‌های نفت آبادان، تهران، شیراز، اصفهان، اراک و تبریز و چاه‌های حفاری اهواز و شرکتهای بارگیری نفت جزیره خارک و لاوان بنابه موقعیت اقتصادیشان به عنوان منبع اصلی و حیاتی درآمد نفت نقش غول آسایی در دوره انقلاب ۵۷ ایفا نمودند. در ابتدا با حرکت تلاش و سخت کوشی رهبران عملی کارگران رادیکال و سوسیالیست کمیته‌های اعتصاب در سراسر منطقه نفتخیز فرا خوانده شد. سپس مجمع عمومی کارگران به عنوان پایه و بدنه اصلی شوراهای کارکنان صنعت نفت فرا خوانده شد. اعتصاب و مبارزات به رهبری "شورای هماهنگی کارکنان اعتصابی صنعت نفت" عملاً شریان حیاتی سیستم سرمایه داری ایران را در آن دوره یعنی تولید نفت را تا حد مصرف داخلی پائین آورد و صدور نفت به رژیمهای آفریقای جنوبی و اسرائیل را قطع نمود و حکومت وقت را با يك گام اساسی به شکست نهائی نزدیک کرد. بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ علی‌رغم درخواست شرکت نمایندگان کارگر و کارمند در "شورای انقلاب" طبقه کارگر نتوانست انقلاب را به پیروزی نهائی برساند. آن کمبود اساسی، آن حلقه کلیدی راهگشا، آن ستاد انقلابی رهبری کننده که برای انقلاب سوسیالیستی کارگری ضروری و حیاتی بود در دسترس طبقه کارگر نبود.

۲۶ سال قبل طبقه کارگر از حزب سیاسی خویش محروم بود. بخاطر همین نقطه ضعف اساسی جریان ارتجاعی خمینی به کمک طبقه سرمایه دار و کنفرانس گوادلوپ یعنی يك نیروی ضد انقلابی با فریب، دیسیسه و سازش پنهانی با ارتش سرکوبگر آن دوره توانست قدرت سیاسی را از بالای سر شوراهای کارگری و جنبش انقلابی مردم ایران برباید و با سرکوب جنبشهای کارگران، زنان، دانشجویان و بیکاران با کشتار و قتل عام کمونیستها و آزادیخواهان سرانجام در ۳۰ خرداد ۶۰ انقلاب بهمن ۵۷ را به شکست بکشاند. سر کمونیستها را بریدند تا از پیروزی يك انقلاب چپ در ایران ممانعت کنند.

اکنون پس از ۲۶ سال فاکتور حزب کمونیست کارگری ایران که با تلاش خستگی ناپذیر منصور حکمت و حمید تقوایی و رهبری حزب ما به اینجا رسیده، در سیاست ایران به عنوان

نماینده سیاسی طبقه کارگر و رهبر جنبش انقلابی سرنگونی طلبی جمهوری اسلامی يك واقعیت قابل لمس و عینی است. در شرایط متحول کنونی حزب کمونیست کارگری میتواند و قادر است و باید از طریق رهبری مبارزات طبقه کارگر، شوراهاى کارگری در دل همین جنبش سرنگونی طلبی جاری جنبشهای زنان، جوانان، معلمان، پرستاران و دانشجویان را به زیر پرچم آزادی و برابری یعنی انقلاب سوسیالیستی هدایت نماید. بنابراین روشن و واضح است که انقلابی که حزب کمونیست کارگری با اتکا به شوراهاى کارگری، زنان، محلات مسکونی، معلمان، پرستاران، جوانان و دانشجویان رهبری کند، يك انقلاب سوسیالیستی است که هدف فوری آن سرنگونی جمهوری اسلامی، بدست گرفتن قدرت سیاسی، اعلام جمهوری سوسیالیستی و اجرای برنامه "يك دنیای بهتر" میباشد. در پایان از کارگران، زنان، جوانان، و دانشجویان تقاضا دارم که برای تضمین پیروزی انقلاب سوسیالیستی علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران به حزب کمونیست کارگری بپیوندید.

نابود باد جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها، زنده باد انقلاب سوسیالیستی، زنده باد آزادی
برابری حکومت کارگری، زنده باد شرکت کنندگان در کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری
ایران، زنده باد منصور حکمت و زنده باد حمید تقوائی.

محمد مزرعه کار:

عضو رهبری کمیته اعتصاب اداره کالا - پالایشگاه آبادان
عضو شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان در شیراز
عضو حزب کمونیست کارگری ایران

با انرژی و سرعتی بیش از گذشته به پیش میرویم

حمید تقوائی

سخنرانی اختتامیه کنگره پنجم

این کنگره برای من و فکر میکنم بسیاری از ما غیر قابل انتظار بود. چرا این طور بود؟ کنگره چه خصوصیتی داشت؟ اول اینکه این عظیم ترین کنگره ای بود که حزب تاکنون تشکیل داده است. رفقائی بودند، از کشورهای مختلف، در فرودگاه به مشکل برخوردده بودند و دوباره و سه باره بلیط خریده بودند تا خود را به کنگره برسانند. رفقا ما کسانی هستیم که هر وقت تشخیص بدهیم حزب به ما احتیاج دارد هر طور شده در صف اول حاضر میشویم. حتی رفقائی که فعالیت متشکلی با حزب ندارند و خود را دوستدار حزب میدانند تشخیص دادند که به هر قیمتی شده باید در این کنگره حضور به هم برسانند. این يك نقطه قدرت کنگره بود. نکته دیگر اینکه برای اولین بار رفقای ما در داخل کشور در مباحث کنگره دخیل شدند. برخی از آنها قطعنامه شوراها را بعنوان تایید کننده امضا کردند که متاسفانه در این کنگره فرصت نشد به آن پردازیم ولی ما در هر نشستی این قطعنامه را تصویب کنیم این را در نظر خواهیم گرفت و نام این رفقا را هم ذکر خواهیم کرد. البته دخالت رفقای ما در داخل کشور تنها به این محدود نبود. از طریق اینترنت بطور زنده به کنگره پیام فرستادند، پیامهای متعددی هم قبل از کنگره بدست ما رسیده بود که بعضی را در اینجا خواندیم. در کنگره چهارم هم همین تکنولوژی بود ولی ما چنین استقبالی نگرفتیم. به نظر من این هم نشاندهنده این واقعیت است که در داخل ایران نیز اعضای حزب، کادرهای حزب، فعالین و دوستداران حزب وقتی تشخیص دادند حزب به حضور آنها احتیاج دارد و این کنگره نقطه عطفی است در حرکت این حزب، از جایشان

برخاستند و به هر ترتیبی که توانستند حضور خود را اعلام کردند. پیام دادند، قطعنامه‌ها را خواندند، نظر دادند و امضایشان را پای قطعنامه‌ها گذاشتند و مهر خود را به این کنگره زدند. برای اولین بار در این کنگره، رفقای فعال و رهبران عملی جنبش کارگری، رهبران جنبش شورائی در صنعت نفت در انقلاب ۵۷، فعالین کمونیست در سیمان عراق، در کردستان ایران، به کنگره آمدند و پیامهای پر شوری را در اینجا خواندند، که برای من شخصا غیر قابل انتظار بود. من تصویر دیگری از این کنگره گرفتم. کمونیسم کارگری اگر در خطر بیفتد و بخواهد از يك تند پیچ گذر کند آنوقت چه کسی بهتر و بجا تر از رهبر جنبش شورائی کارگران نفت میتواند اعلام کند که خط منصور حکمت را شناخته‌ام و تشخیص داده‌ام و پایش ایستاده‌ام و فراخوان بدهد به طبقه کارگر ایران که "این حزب توست، این بار در صحنه است و اجازه نمیدهد قدرت را از ما بزدند و همان بلای انقلاب ۵۷ را به سرمان بیاورند". این خصوصیات را در کنار شور و شوقی که در این کنگره، و نه فقط در سالن و جلسات رسمی بلکه در بیرون سالن هم، وجود داشت در نظر بگیرید تا به حقیقتی که در افتتاحیه گفتم، پی ببرید. این يك کنگره فوق العاده بود. و این کنگره بسیار از مساله مباحث اخیر و انشعاب فراتر رفت.

رفقا این را میخواستیم در اینجا اعلام کنم که ما با این کنگره مساله انشعاب را پشت سر گذاشتیم، این پرونده را بستیم و کنگره این مساله را هم از نظر سیاسی و هم از نظر تشکیلاتی به سرانجام رساند. و اکنون با سیاستها، با پلاتفرمها و با مصوبات سیاسی این کنگره فقط میتوانیم بجلو برویم. تا آنجائی که هرکس که از ما جدا شده - حزب درست کرده اند و یا حزب درست نکرده اند - اگر در داخل جنبش چپ هست، احترامش بجاست و اگر نیست همانطور که ما در قبال هر نیروی دیگری وظیفه خودمان میدانیم که از سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی دفاع کنیم، در این مورد هم چنین خواهیم کرد.

رفقا پرونده بحثهای داخلی و انشعاب بسته شد، این حزب فقط میتواند به پیش برود. يك کوه کار داریم، فقط همین قطعنامه استراتژی را در دستور بگذاریم يك کوه کار داریم. از رادیو و تلویزیون گرفته تا تك تك شهرها و کشورها در خارج ایران تا يك يك استانها و شهرها و حوزه ها و محافل و جمع های اعضای حزب و دوستداران حزب در شهرهای ایران فعالیتهای وسیع و همه جانبه ای از ما میطلبد. منتظر ما هستند رفقا! بعد از آنکه بحثها علنی شد و قبل از این کنگره و در پیام مستقیم به این کنگره بسیاری از فعالین از داخل کشور برای ما مینوشتند "چه شد؟ منتظریم، بحثها را دنبال کردیم، حزب تا اینجا آمده است، این راهها را باز کرده است،

باید این پرچم را بلند کند و به پیش برود."

رفقا، من که گفتم باید انقلاب را بسازیم نه تهییج کردم و نه گزافه گفتم و نه خواستم به کسی روحیه بدهم. این گفته منصور حکمت را امروز بالعینه داریم میبینیم که اگر ما هم کنار برویم جامعه ما را صدا میزنند. این يك ضرورت است. این را در پیامهایی که کنگره دریافت کرد دیدیم و قبل از آن هم در بحبوحه بحثهای داخلی، وقتی رفقای که از ایران آمده بودند را ملاقات کردیم اولین بحثی که جلوی ما گذاشتند این بود که "بحثهای حزب و جامعه در ایران چه شد؟ چرا دنبالش را نگرفتید؟" فعالین جنبش کارگری، طبقه کارگر جلو آمده و این بحث را برداشته است و میخواهد همچنان ما را در جلوی صف خودش ببیند. ما باید این پرچم را بلند کنیم و به پیش برویم. میتوانیم، همه امکاناتش را داریم، مهمتر از همه خط و سیاست و مصوبات روشنی داریم که حزب و انقلاب ایران را بجلو میبرد. سرنوشت حزب و انقلاب در ایران به هم وابسته است. و اینکه حزب و انقلاب چطور بجلو میروند و چه مراحل را پشت سر میگذارند کاملا دست ما را میبوسد. من امیدوارم همانطور که کنگره با این شور و شوق تشکیل شد، اسنادی تصویب کرد و راه را نشان داد، حزب با همین شور و شوق ما بجلو برود. ما این کنگره را وسیعا منعکس میکنیم. فیلمها و نوارهایش هست، سعی میکنیم مصوبات و سخنرانی هایش را به شکل کتبی هم در يك مجموعه منتشر کنیم - اسناد کنگره چهارم را هم میخواستیم منتشر کنیم فرصت نشد، این اسناد را هم بصورت کتبی منتشر خواهیم کرد - و سعی میکنیم خود این کنگره مثل يك گلوله انرژی حزب را بجلو پرتاب کند. قدمهای بزرگی میشود بجلو برداشت که بدون کنگره ممکن نبود و من مطمئنم همه شما در این جهت آستینها را بالا میزنید. حزب دیگری است، نقطه عطفی را پشت سر گذاشتیم، حزبی است که فقط میتواند با انرژی و سرعتی بیش از گذشته بجلو برود. پرونده انشعاب را ببندیم، گذشته را پشت سر بگذاریم، به پیش میرویم. موفق و پیروز باشید.

پیام کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری به کارگران ایران

رفقای کارگر،

درودهای گرم و پرشور کنگره پنجم حزب را بپذیرید.

در تاریخ معاصر ایران هیچوقت مانند امروز طبقه کارگر در عرصه سیاست نمایندگی نشده و هیچ زمانی کارگر تا این درجه شانس به قدرت رسیدن و امکان تغییر بنیادی جامعه را نداشته است. امروز حزب کمونیستی کارگران با در دست داشتن پرچم آزادی کل جامعه در صحنه سیاست ایران حضور دارد و طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم را در برابر رژیم اسلامی و سایر طبقات و جنبش ها و احزاب آنها نمایندگی میکند. به یمن حضور قدرتمند کمونیسم، جامعه ایران در سالهای اخیر مرتبا به چپ چرخیده است. خواست آزادی و برابری، نفرت از مذهب و حکومت مذهبی، نفرت از بیحقوقی زن، نفرت از خفقان و تبعیض سیمای واقعی جامعه امروز ایران را ترسیم میکند. حزب کمونیست کارگری و طبقه کارگر باید تضمین کنند که در تحولات تعیین کننده آتی، کل مردم آزادیخواه را، کل زنان و مردان برابری طلب را، کل مردم به جان آمده از مذهب و حکومت مذهبی را به میدان بیاورند و نمایندگی کنند.

جمهوری اسلامی رفتنی است، اما تحولات امروز فقط بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی نیست. مسئله برسر سرنوشت و آینده یک جامعه هفتاد میلیونی است. زندگی و آینده دهها میلیون انسان، رهائی آنها از استثمار، فقر، بیکاری، تبعیض، و انواع جهل و خرافه تماما در گرو پیروزی کمونیسم و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی است. طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کند که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکبت بار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمانیافته تر، هدفمند تر و قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه

برسد. پیروزی کمونیسم کارگری و رهائی مردم در جدال تاریخساز کنونی قبل از هر چیز در گرو این است که طبقه کارگر بعنوان يك نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد. اتحاد کارگران و اتکای رهبران و فعالین کارگری به حزب و سیاستهای آن مهمترین پیش شرط برای پیروزی در این مبارزه است.

رفقای کارگر،

حزب کمونیست کارگری حزب شماست. حزب شما برای هدایت انقلاب، برای زدن مهر آزادیخواهی و راه حل کارگری بر تحولات آتی است. حزب را با تمام قوا حمایت کنید. به حزب بپیوندید و با به زیر کشیدن حکومت اسلامی و برپائی حکومت کارگری دست به کار پایان دادن به نظامی شوید که کل بشریت را به بند کشیده است. از انقلاب مشروطیت تا امروز جریانات متفرقه بورژوائی نسل اندر نسل کارگران و اکثریت مردم را به بدبختی و فلاکت محکوم کرده اند. اینبار اجازه نمیدهیم. اینبار حزب کمونیست کارگری در صحنه حاضر است. اینبار نوبت کمونیستهای کارگری و پرچم يك دنیای بهتر است.

به حزب بپیوندید و ساختن دنیائی آزاد و برابر و شاد و مرفه را به همگان نوید دهید.

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران

شهریور ۱۳۸۳ - سپتامبر ۲۰۰۴

پیام به فعالین حزب کمونیست کارگری در ایران

کنگره پنجم به شما که در زیر تیغ اختناق اسلامی پرچم سرخ کمونیسم کارگری را برافراشته اید درود میفرستد. شما در شرایطی پیچیده در شهرهای مختلف ایران نفوذ حزب را گسترش میدهید، در سنگرهای مختلف از کارخانه و دانشگاه و مدرسه، در مبارزات وسیع و بی وقفه کارگران، در جنبش ضد مذهبی نسل جوان، در جنبش ضد آپارتاید جنسی و برابری طلبانه زنان، و در هر جا مبارزه و اعتراضی هست، امید میدهید و آگاه و متشکل میکنید. شما در جنبش وسیع مردم برای آزادی و رهائی از خفقان حکومت سرمایه داری، حزب را نمایندگی میکنید. در صف مقدم جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران، پرچمدار آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی هستید. آرمانهای انسانی و برابری طلبانه کمونیسم کارگری را به اعماق جامعه میبرید و به توده وسیعتری از مردم کارگر و زحمتکش میشناسانید. شما سازندگان حزب و سازمان دهندگان انقلابید. درود بر شما!

کنگره پنجم حزب کنگره ویژه ای بود که بدنبال یک جدال، جدالی که جزئی از مبارزه همیشگی ما در دفاع از کمونیسم کارگری و سوسیالیسم و در دفاع از منصور حکمت و سنت ها و سیاست های کمونیستی بود، برگزار شد. ما این جدل نظری را با موفقیت پشت سر گذاشتیم و کنگره پنج بدون شك سرآغازی برای گسترش سریع فعالیت های حزب در همه عرصه ها خواهد بود.

کنگره پنجم در شرایط پرتلاطم سیاسی ایران برگزار میشود، شرایطی که بحران سرنگونی جمهوری اسلامی هرروز عمق و دامنه بیشتری می یابد و انقلاب به تنها دورنمای اوضاع کنونی بدل میشود. کنگره پنجم، حزب را در موقعیت مناسب تری برای انجام وظیفه تاریخی خود، برای سازماندهی و رهبری انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران و برقراری جمهوری سوسیالیستی قرار میدهد.

اگر در دل خفقان جمهوری اسلامی روزنه امیدی بسوی آزادی وجود دارد، اگر امیدی به

سرنگونی حکومت اسلامی و رهائی از این نظام جهنمی وجود دارد، اگر کارگران میتوانند امیدوار باشند که نظام موجود را درهم میکوبند و حکومت کارگری را بنا میکنند، اگر زنان میتوانند به روزی فکر کنند که به همه نابرابریها و تبعیضات پایان داده شده است، اگر جوانان میتوانند به آینده ای شاد و آزاد و مرفه دل ببندند، دقیقاً به این خاطر است که اینبار حزب قدرتمندی دارند که در صحنه سیاسی جامعه و در برابر احزاب طبقات دیگر آنها را نمایندگی میکند.

رفقا،

هرچند خفقان حاکم مانع از این شد که در این کنگره در کنار ما باشید، اما این کنگره همه شما بود و همه شما را نمایندگی کرد. صدها نفر در این کنگره شرکت کردند تا از رادیکالیسم این حزب، از مبارزه پیگیر و سرسختانه اش علیه حکومت اسلامی و نظام جهنمی موجود دفاع کنند و با عزمی راسخ خود را برای سازماندهی و رهبری انقلاب و برقراری جامعه ای آزاد و برابر، برای استقرار جمهوری سوسیالیستی، آماده کنند. جای همه شما در این کنگره خالی بود.

بار دیگر به شما درود میفرستیم و برایتان صمیمانه آرزوی موفقیت میکنیم.

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران

سپتامبر ۲۰۰۴، شهریور ۱۳۸۳

پیام کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده های جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم

زنان و مردان شریف و آزاده!

شرکت کنندگان در کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران به همه شما که عزیزانتان قربانی توحش اسلامی سرمایه داران شده اند، درود میفرستند. میدانیم که جای خالی عزیزانتان پر شدنی نیست. میدانیم که خشم و انزجارتان از جانیان حاکم در ایران که دهها هزار تن از مبارزترین و شریفترین انسانها را در زندانها و شکنجه گاهها و خیابانها و کارخانه ها با بیرحمی تمام سر به نیست کردند، پایانی ندارد. این حکومت مورد نفرت و خشم میلیونها نفر از مردم بجان آمده است. مردمی که پا به میدان گذارده اند تا به دوره یکه تازی این کثیف ترین مرتجعین تاریخ پایان دهند و جامعه ای انسانی و آزاد برپا کنند.

خانواده ها و دوستان جانبختگان!

در این روزها که سالگرد قتل عام فجیع زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را پشت سر میگذاریم، ما را در کنار خود بدانید. ما را در غم از دست دادن عزیزانتان که عزیزان همه مردمند شریک بدانید. حکومت جلادان در حلقه خشم و نفرت صفوف میلیونی ما مردم، به سراشیب سقوط افتاده است. بیائید دست به دست هم دهیم و این ماشین جنایت را با انقلاب خویش در هم کوبیم. حزب کمونیست کارگری با برافراشتن پرچم آزادی و برابری مصمم است تا در راس انقلاب کارگران و مردم محروم، برای همیشه به حکومت اختناق و ستم و سرکوب و فقر و استثمار پایان دهد. در زندانها را خواهیم گشود. جامعه ای آزاد و انسانی را پی خواهیم ریخت. آزادی و رفاه و زندگی انسانی را حق بی چون و چرای همه افراد اعلام خواهیم کرد. و در اولین روز پیروزی یاد تمام عزیزان جانبخته مان در این بیست و پنج سال جدال با ارتجاع حاکم را در صفوفی میلیونی با گرمی و شور تمام گرامی خواهیم داشت.

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران

سپتامبر ۲۰۰۴ - شهریور ۱۳۸۳

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری با شکوه تمام برگزار شد

روزهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴ برابر با ۲۸ و ۲۹ شهریور ۱۳۸۳، کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران که یک کنگره فوق العاده بود، بدنبال مجادلات و اختلافات سیاسی درون حزب و برای بفرجام رساندن این مباحث تشکیل شد. این کنگره بزرگترین کنگره حزب بود و بیش از ۴۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. بعلاوه بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای حزب در خارج، که امکان شرکت در کنگره را نداشتند، با پیامهایی کنگره را نماینده خود اعلام کرده بودند.

کنگره با خوش آمدگویی به حاضرین به زبانهای فارسی و انگلیسی و با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد. در ادامه بخشی از سخنرانی منصور حکمت در کنگره ۳ پخش شد. سپس حمید تقوایی در سخنرانی افتتاحیه خود به نقش و جایگاه این کنگره و شرایطی که کنگره در آن برگزار میشود پرداخت. وی بر این نکته تاکید کرد که این یک کنگره ویژه یک حزب ویژه است و در برابر نظراتی که رادیکالیسم و سوسیالیسم و انقلاب را مورد سوال قرار داده است، برای پاسداری و تاکید بر این ویژگیهای پایه ای حزب کمونیست کارگری تشکیل میشود.

با گزارش شهلا دانشفر مسئول دفتر مرکزی حزب از پروسه برگزاری کنگره، تعداد اعضای حاضر و نیز تعداد اعضای که کنگره را رسماً نماینده خود اعلام کرده بودند، کنگره پنجم به اتفاق آرای اعضای حاضر رسمیت یافت.

قطعنامه ها و قرارهای متعددی از طرف لیدر و دفتر سیاسی و کادرهای حزب به کنگره پیشنهاد شده بود. قطعنامه های انشعاب جریان راست از حزب، سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال این انشعاب، مبانی استراتژی حزب، و قرارهایی پیرامون علنیت مباحث سیاسی از جمله مباحث مهم این کنگره بود که با شرکت فعال حاضرین در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به تصویب رسید. همینطور کنگره بدلیل کمبود وقت تصمیم گیری در باره قرارهای پیشنهادی در دفاع از حرمت و حریم خصوصی اعضای حزب را به پلنوم واگذار کرد.

قطعنامه مبانی استراتژی و رئوس وظایف حزب برای کسب قدرت سیاسی مهمترین بحث

کنگره بود. سازماندهی و رهبری انقلاب کارگری و استقرار فوری سوسیالیسم، تاکید بر کمونیسم رادیکال و بدون تخفیف و امکان‌پذیری و مبرمیت سوسیالیسم بعنوان تنها راه حل بحران همه جانبه رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران، نقش و جایگاه حزب در معماری انقلاب ایران، جهت‌گیریها و وظایف سیاسی فوری حزب در قدرت و همینطور وظایف سیاسی و تاکتیکی حزب در شرایطی که بدنبال سقوط جمهوری اسلامی، حزب در قدرت سیاسی نباشد، خطوط این قطعنامه بودند که کنگره مورد بحث قرار داد.

در این کنگره تعدادی از کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق شرکت داشتند. رفیق عصام شکری عضو کمیته مرکزی این حزب به نمایندگی از جانب تعدادی از کادرهای این حزب سخنرانی کرد. عصام شکری در سخنرانی اش ضمن حمایت پرشور از حزب کمونیست کارگری ایران بعنوان پرچمدار کمونیسم کارگری منصور حکمت، تشکیل فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق را به اطلاع شرکت‌کنندگان در کنگره رسانید و کنگره با تصویب قراری حمایت قاطع حزب کمونیست کارگری ایران از فراکسیون چپ را اعلام نمود. کنگره همینطور قراری صادر کرد مبنی بر اینکه کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق میتوانند برای عضویت در کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران خود را کاندید کنند.

در کنگره پنج همچنین سه قرار پیشنهادی دفتر سیاسی به تصویب رسید. کنگره از حمید تقوایی لیدر حزب بخاطر دفاع از مصوبات کنگره‌های حزب و اصول و اهداف برنامه ای، مقابله قاطع و سازش‌ناپذیر با گرایش راست درون حزب و فراخوان کنگره پنجم برای به فرجام رساندن این جدال سیاسی درون حزب به اتفاق آرا و در میان کف زدنهای ممتد صمیمانه قدردانی کرد. کنگره همچنین طی قراری باتفاق آرا از علی جوادی بخاطر تلاش‌های ارزنده در گسترش نفوذ حزب و محبوب کردن کمونیسم در جامعه ایران از طریق برنامه‌های تلویزیونی، قدردانی نمود. در قرار دیگری کنگره پنجم حزب کمپین منشعبین برای هتک حرمت، ترور شخصیت و افترا زدن علیه رهبری حزب بویژه رفقا علی جوادی، آذر ماجدی، اصغر کریمی، حمید تقوایی و مینا احدی را قاطعانه محکوم کرد.

پیامها و نامه‌های متعددی از جانب جمع‌ها، شبکه‌ها و فعالین حزب در شهرهای مختلف ایران از جمله تهران، کرج، اصفهان، تبریز، آبادان، ماهشهر، کرمانشاه، ارومیه، سنندج، سقز، مریوان و بانه به کنگره رسیده بود که برای کنگره قرائت شد. این پیامها که جملگی بر نقش و وظایف حزب در بثمر رساندن انقلاب کمونیستی کارگری و برقراری فوری سوسیالیسم تاکید داشتند و کنگره حزب را نماینده و امید جامعه ایران میدانستند، فضای ویژه ای به کنگره داده بود. حاضرین در کنگره باشکوه و وسیع حزب با کف زدنهای ممتد با همزمانشان در ایران اعلام

همبستگی میکردند. تصویر کنگره بطور زنده و مستقیم از طریق سایت اینترنتی و همینطور پالتاک پخش میشد و همزمان علاقمندان در داخل و خارج کشور کنگره را همراهی کردند. در طول کنگره نیز از طریق شبکه پالتاک پیامهای گرمی به کنگره ارسال شد.

کنگره پنجم حزب تجسم اراده و اتحاد و شور بود. این کنگره، تجسم و بیانگر عزم و اراده کمونیستهای کارگری برای سازمان دادن انقلاب، سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به نظام سرمایه داری بود. کنگره پنجم حزب، کنگره حزب منصور حکمت با تمام رادیکالیسم و آرمان گرایی بی تخفیفش، به جامعه اعلام کرد که حزب کمونیست کارگری با استحکام و عزم کامل برای به میدان کشیدن نیروی میلیونی کارگران و مردم علیه ستم و استثمار به پیش میرود و متحد و مستحکم برای انقلاب سوسیالیستی خود را آماده میسازد. این کنگره، کنگره تعرض به راست به معنای وسیع و اجتماعی کلمه و کنگره اتحاد و حمایت از رهبری رادیکال و سازش ناپذیر حزب بود.

دستور پایانی کنگره انتخابات کمیته مرکزی حزب بود. کنگره ۴۵ نفر را برای عضویت در کمیته مرکزی حزب انتخاب کرد: محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، هما ارجمند، نازنین برومند، نادر بکتاش، سیامک امجدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، فریبرز پویا، حمید تقوایی، امیر توکلی، کیوان جاوید، علی جوادی، ستار چیمین تو، فرشاد حسینی، بهمن خانی، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی، بهرام سروش، محبوبه سیاهمردی، منصور فرزاد، سهیلا شریفی، نادر شریفی، عصام شکری، محمد شکوهی، مصطفی صابر، ایرج فرجاد، علی فرهنگ، اصغر کریمی، خه بات مجید، پروین کابلی، مریم کوشا، خلیل کیوان، آذر ماجدی، شیوا محبوبی، سیاوش مدرسی، شهناز مرتب، اسماعیل مولودی، مریم نمازی، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی. لازم به توضیح است که ۴ نفر از اعضای منتخب کمیته مرکزی از کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق هستند.

کنگره از گروه تدارکات که در کمتر از سه هفته کنگره بزرگ و باشکوه حزب را سازمان داده بودند، با اهدای دسته گلی به گرمی قدردانی کرد.

کنگره پنجم حزب با سخنرانی کوتاه اختتامیه حمید تقوایی در میان شور و شوق حاضرین خاتمه یافت. حمید تقوایی تاکید کرد که با این کنگره حزب ما پرونده این انشعاب را میبندد و باید مثل يك گلوله آتشین متحد و یکپارچه، با انرژی و انسجام سیاسی و تشکیلاتی بالا، به فعالیت و وظایفش بپردازد. هیچ زمانی مانند امروز بشریت محتاج سوسیالیسم و کمونیسم نبوده است. پیروزی ممکن است و این وظیفه بر دوش حزب کمونیست کارگری قرار دارد. بدنبال کنگره نشست کمیته مرکزی که دستور آن اساسا انتخابات بود در محل سالن کنگره

تشکیل شد و بخشی از شرکت کنندگان در کنگره بعنوان ناظر در پلنوم شرکت داشتند. پلنوم بیست و یکم حزب حمید تقوایی را به اتفاق آرا بعنوان لیدر حزب انتخاب کرد. در این نشست ۱۵ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی انتخاب شدند: محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، فاتح بهرامی، علی جوادی، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، عصام شکری، مصطفی صابر، اصغر کریمی، خلیل کیوان، آذر ماجدی، سیاوش مدرسی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. دفتر سیاسی منتخب پلنوم در اولین نشست خود آذر ماجدی را به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب کرد.

در طول کنگره ۲۰ نفر از میهمانان، به عضویت در حزب و سازمان جوانان کمونیست درآمدند و مورد تشویق گرم و پرشور حاضرین قرار گرفتند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۴ - ۳۰ شهریور ۱۳۸۳

نتیجه بازشماری آرای انتخابات کمیته مرکزی در کنگره ۵

با توجه به کثرت تعداد کاندیداها و رای دهندگان در کنگره پنجم و ضیق وقت برای شمارش آرا در کنگره، ضروری بود که بمنظور کنترل مجدد و کسب اطمینان از نتایج انتخابات کمیته مرکزی آرا بازشماری شود. از اینرو هیاتی مرکب از شهلا دانشفر، فاتح بهرامی، سهیلا شریفی و کاظم نیکخواه تحت نظر حمید تقوایی برای بازشماری آرا تشکیل شد. این هیات رای ده نفر از انتهای لیست (از ردیف چهارم تا پنجاهم) را بازشماری کرد و در نتیجه روشن شد که تعداد رای ۴ نفر از کاندیداهای انتخاب نشده بیش از آرای آخرین فرد منتخب است. اسامی این رفقا عبارتست از: سوسن صابری، حسن صالحی، حیدر گویلی و علی محسنی. به این ترتیب بنا به سنت انتخابات در کنگره ها و پلنومهای حزبی این رفقا نیز به عضویت کمیته مرکزی انتخاب میشوند و تعداد اعضای کمیته مرکزی از ۴۵ به ۴۹ نفر ارتقا پیدا میکند. بابت اشتباه در رای شماری دور اول از این رفقا پوزش میخواهیم و عضویت آنان در کمیته مرکزی را تبریک میگوئیم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴

قرار در مورد شورا و جنبش شورائی

مصوب دفتر سیاسی حزب، با یک رای ممتنع

از آنجا که:

۱- با اوجگیری جنبش سرنگونی علیه رژیم اسلامی سازماندهی توده ای مردم به يك امر روز و عاجل تبدیل شده است

۲- ضروری است که از هم اکنون تصویر و افق روشنی از نظام آلترناتیو حکومتی ما یعنی جمهوری سوسیالیستی به جامعه داده شود

از اینرو:

تبلیغ شوراها هم بمثابة تشکل مبارزاتی توده مردم و هم بعنوان ارکان جمهوری سوسیالیستی و تلاش برای تشکیل این ارگانها در محور سیاست سازماندهی توده ای ما قرار میگیرد.

بدین منظور حزب وظیفه دارد

* فعال تر و گسترده تر از گذشته به جنبش مجمع عمومی دامن بزند و سازماندهی مجامع عمومی در کارخانه ها و محیطهای کار را در دستور قرار بدهد.

* بیش از پیش بعنوان پیشرو و پرچمدار جنبش شورائی و سازمانده شوراها در جامعه ظاهر شود. و در هر جا و هر زمان که شرایط و تناسب قوا اجازه دهد شوراهای کارگری و توده ای را

سازمان بدهد.

※ در صورت مساعد بودن شرایط برای تشکیل شوراها با تاکتیک‌هایی نظیر ایجاد و اعلام هیات موسس شوراها، بکوشد.

※ شعار "زنده باد شورا" و "پیش بسوی تشکیل شوراها" را وسیعاً طرح و تبلیغ کند.

گفتگوی نشریه انترناسیونال با حمید تقوائی درباره قرار شورا و جنبش شورائی

انترناسیونال: يك بخش مهم ادبیات حزب درباره شوراها و جنبش شورائی است. همینطور جنبش شورائی یکی از مولفه های هویتی کمونیسم کارگری است. چرا این قرار لازم شده است؟

حمید تقوائی: دقیقا به این دلیل که حزب ما همیشه مدافع و مبلغ شورا بوده است و با شوراها و جنبش شورائی تداعی میشود، ضروری است در شرایطی که از لحاظ سیاسی و توازن قوا شرایط مساعد است پیشقدم تشکیل عملی مجامع عمومی و شوراها باشد. ضرورت قرار شوراها از اینجا ناشی میشود. این قرار در واقع از لحاظ مضمونی سیاست تازه ای را مطرح نمیکند بلکه بر اهمیت و مبرمیت ویژه دامن زدن به جنبش شورائی و تشکل عملی شوراها در شرایط حاضر تاکید میکند. این تاکید گذاشتن بر جنبه خاصی از سیاستها و اهداف مبارزاتی حزب جزئی از سبک کار و شیوه فعالیت همیشگی ماست. برنامه يك دنیای بهتر و سیاستها و شعارهای حزب بسیار جامع است و عرصه های وسیع و متنوعی را میپوشاند. لذا این يك جزء همیشگی کار رهبری حزب است که در هر مقطع اولویتها را تشخیص بدهد و روشن کند که فعالیت عملی حزب در کدام عرصه ها و بر چه شعارها و اهداف مشخصی باید متمرکز شود. قرار شوراها در واقع اعلام میکند که دامن زدن به جنبش شورائی و دست بکار شدن برای تشکیل مجامع عمومی و شورا یکی از این اولویتها در شرایط حاضر است.

انترناسیونال: قرار اشاره میکند که "با اوجگیری جنبش سرنگونی علییه رژیم اسلامی سازماندهی توده ای مردم به يك امر روز و عاجل تبدیل شده است". آیا سازماندهی توده ای

مردم مختص دوره سرنگونی است؟ آیا از این نکته ممکن نیست چنین استنباط شود که مثلا اتحادیه برای دوره متعارف و شورا برای دوره انقلابی مناسب است؟ منظور چیست؟

حمید تقوائی: قرار بر مبرمیت و عاجل بودن سازماندهی توده ای مردم اشاره میکند. سازماندهی توده ای مردم يك امر همیشگی ماست، ولی در شرایطی که شاهد برآمد و وسعتگیری بیسابقه مبارزات مردم در بخشهای مختلف جامعه هستیم، این وظیفه همیشگی در صدر فعالیتهای ما قرار میگیرد و باید بیش از پیش و با تمرکز و صرف انرژی بیشتری برای عملی کردن آن تلاش کنیم. حزب ما همیشه بر تشکیل مجامع عمومی تاکید داشته است. مجمع عمومی موثرترین و قوی ترین شکل تشکل مبارزاتی است و شورا در واقع چیزی بجز مجمع عمومی منظم نیست. به این دلایل حزب ما همیشه ضمن طرح و توصیه و حمایت از انواع تشکلهای مبارزاتی که کارگران و مردم معترض علی العموم میتوانند و باید در هر شرایطی تشکیل دهند، مشخصا فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری را به تشکیل مجمع عمومی فراخوانده است.

این تصور که اتحادیه مختص شرایط متعارف و شورا متناسب با شرایط انقلابی است کاملا اشتباه است. شرایط "متعارف" در ایران کاپیتالیستی، تا زمانیکه طبقه سرمایه دار در هیات سلطنت و یا اسلام و یا هر شکل دیگری حاکم باشد، چیزی جز اختناق و دیکتاتوری خشن و عریان نخواهد بود و این شرایط، سازمانیابی توده ای کارگران و مردم نه تنها در شوراها بلکه در اتحادیه ها و یا هر شکل دیگر را بسیار مشکل میکند. ما نه در نظام شاهنشاهی شاهد شکل گیری اتحادیه های واقعی کارگری بودیم و نه در جمهوری اسلامی. دیکتاتوری "کار ارزان، کارگر خاموش" هیچ تشکل "متعارفی" را برسمیت نمیشناسد. باید برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری جنگید و آنرا به حکومت تحمیل کرد. مقطع انقلاب ۵۷ تا خرداد ۶۰ دوره ای بود که انقلاب دیوارهای اختناق را شکست و شرایطی را بوجود آورد که کارگران و مردم علی العموم توانستند در سازمانهای توده ای متشکل شوند. در این شرایط همه شاهد بودیم که شوراها عمومیت پیدا کرد و به شکل غالب تشکیلی کارگران در کارخانه ها و عموم مردم در دانشگاهها و ادارات و سایر محیطهای کار تبدیل شد. علت این نبود که انقلاب تنها امکان ایجاد شورا را فراهم کرده بود، و یا در شرایط غیر متعارف انقلابی تشکیل اتحادیه ها ممکن نبود. موضوع این بود که کارگران، و دانشجویان و کارمندان نیز، در اولین فرصتی که برای متشکل شدن بدست آمد، به شوراها روی آوردند. بیشک انقلاب شوراها را در يك سطح

وسیع اجتماعی مطرح کرد و مطلوبیت و کارآئی آنرا به توده مردم نشان داد، اما از اینجا نمیشود نتیجه گرفت که شورا تنها در شرایط انقلابی ممکن است. نتیجه گیری درست و واقعی اینست که هرگاه تناسب قوا تشکیل هر نوع سازمان توده ای را در ایران اجازه بدهد کارگران و مردم به شوراها روی می آورند. در جامعه اختناقزده ای مثل ایران نمیشود شرایطی را تصور کرد که کارگران بتوانند اتحادیه های واقعی خود را تشکیل بدهند ولی تشکیل شوراها ممکن یا مطلوب نباشد. آنچه تجربه انقلاب ۵۷ روشنی نشان میدهد این واقعیت است که هرگاه بندهای اختناق سست شود و نفس سازمانیابی توده ای در هر شکلی برای کارگران ممکن شود، میتوان و باید تشکیل شوراها را در دستور گذاشت. قرار شوراها وقتی به اوجگیری جنبش سرنگونی اشاره میکند از همین واقعیت حرکت میکند. جنبش وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی عملاً شرایطی را بوجود آورده است که هم سازمانیابی توده ای مردم و بویژه مجامع عمومی و شوراها را امکانپذیر میکند و هم به آن مبرمیت میبخشد.

نکته مهم دیگری که در مورد ضرورت دامن زدن به جنبش شورائی در این شرایط باید به آن اشاره کرد رابطه شورا و جنبش شورائی با مساله قدرت سیاسی است. امروز مساله قدرت سیاسی، سرنگونی حکومت و خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی يك مساله و خواست عمومی و عاجل اکثریت قریب باتفاق مردم ایران است. در این شرایط بلند کردن پرچم شوراها و دامن زدن به جنبش شورائی این زمینه را فراهم میکند که ایده حکومت شورائی و حق مردم در دخالت مستقیم و بیواسطه در حکومت را بمیان توده کارگران و مردم ببریم و تصویر روشنی از جمهوری سوسیالیستی بعنوان يك حکومت شورائی در برابر جامعه قرار بدهیم. امروز به یمن مبارزات و فعالیتهای مستمر حزب روی آوری به افق و آرمان و ایده ها و شعارهای چپ در جامعه و در جنبش سرنگونی رو به گسترش است. مشخصاً در برآمدهای جنبش اعتراضی مردم ما شاهد طرح شعارهای چپ در خیابانها هستیم. آخرین نمونه اش طرح شعار "سوسیالیسم بیا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم دوی درد مردم" در تظاهرات هفته قبل در تهران بود. بر چنین زمینه مساعدی وظیفه ماست که افق جمهوری سوسیالیستی را هر چه ملموس تر و مشخص تر در برابر جامعه قرار بدهیم. بلند کردن پرچم شوراها، تاکید بر اعمال اراده و نقش مستقیم مردم در حاکمیت و به این اعتبار نقد عمیق دموکراسی پارلمانی، نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه همچنین در نقد همه آلترناتیوهای بورژوائی در اپوزیسیون، اینها همه جزئی از مطرح و توده گیر کردن سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی در میان

کارگران و اقشار وسیع مردم سرنگونی طلب است. این یکی از حلقه‌های اصلی در استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی است.

انترناسیونال: تفاوت شورا بعنوان ارگانهای توده‌ای مبارزه مردم و طبقه کارگر و شورا بعنوان ارگان جمهوری سوسیالیستی کدامند؟

حمید تقوائی: روشن است که مضمون فعالیت و اهداف شورا بعنوان ارگان مبارزه و ارگان حکومت با هم متفاوتند. یکی تشکلی برای اعتراض و مبارزه علیه کارفرما یا دولت و تحقق مطالبات معینی است و دیگری پایه حکومت و ابزار اعمال اراده کارگران و مردم بعنوان دولت است. آنچه باعث میشود هر دو این نوع تشکلهای را شورا بنامیم شکل سازمانی آنهاست. شورا اصولاً نوعی تشکل است که میتواند مضمون و اهداف متفاوتی داشته باشد. وجه مشخصه این شکل تشکل فراگیر بودن آن و اعمال اراده مستقیم همه اعضای آن در تصمیم‌گیریها و عملی کردن این تصمیمات است. این هم در مورد شورا بعنوان تشکل مبارزاتی صادق است و هم در مورد شوراهای بعنوان ارگان حکومت. بدنه اصلی و مبنای شورا در هر دو حالت مجمع عمومی اعضاست و همین ویژگی است که این ارگان را در هر دو ظرفیت به ارگان اعمال اراده مستقیم مردم تبدیل میکند، و در هر دو ظرفیت میتواند بعنوان مناسب و مساعدترین ظرف تشکیلاتی برای عملی کردن سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی عمل کند. از شورا خودبخود رادیکالیسم و سوسیالیسم ساطع نمیشود ولی شورا و در یک سطح عامتر مجامع عمومی ظرف طبیعی گسترش و توده‌گیر شدن سیاستهای کمونیستی و کسب نفوذ و محبوبیت برای حزبی مثل حزب ماست.

نکته دیگر در فرق بین شورا بعنوان ارگان مبارزه و بعنوان ارگان حکومت، ترکیب اعضا و دامنه شمول این تشکل است. شوراهای بعنوان ارگان حکومت در محل سکونت مردم تشکیل میشوند و ارگانهای منطقه‌ای هستند ولی شوراهای مبارزاتی در همه سطوح هم در کارخانه‌ها و محل کار و هم در محل سکونت میتوانند تشکیل بشوند. این تفاوت از اینجا ناشی میشود که حکومت شورائی در جمهوری سوسیالیستی باید کل مردم جامعه را بعنوان شهروند نمایندگی کند و ارگان اعمال اراده تمام شهروندان باشد و لذا تنها میتواند بر مبنای تقسیمات شهری تشکیل بشود. در حالیکه شوراهای مبارزاتی در عرصه‌ها و محیطهای شکل‌میگیرند که موضوع و مسأله‌ای برای اعتراض وجود داشته باشد یعنی اساساً در کارخانه‌ها و محیطهای کار و دانشگاه‌ها و همینطور با پیشرفت و وسعت‌گیری مبارزه در محله‌های

مسکونی و در سطح شهرها. همانطور که در بالا اشاره کردم وجه مشترک این شوراها در اتکای آنها به مجامع عمومی است. و همین خصلت آن را در امر مبارزه و حاکمیت هر دو به یک تشکل ایده ال برای فعالیتهای چپ و کمونیستی تبدیل میکند.

انترناسیونال: معنی عملی و فوری دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری چیست؟ چه

اقدامات عاجلی در دستور فعالین و رهبران عملی کارگری قرار میگیرد؟ تاکیدها کدامند؟

حمید تقوائی: مجامع عمومی را باید در دل مبارزات روزمره تشکیل داد. هم اکنون در موارد متعددی در اعتراضات و مبارزات کارگران مجمع عمومی کارخانه و یا بخشی از کارخانه تشکیل میشود و میتوان گفت در حال حاضر هر جا کارگران متشکل میشوند، مجمع عمومی شکل غالب تشکیلی کارگران است. مساله اینست که اولاً این شکل تشکل باید در سطح گسترده تری تعمیم پیدا کند و کارخانه ها و کارگران بر مراتب بیشتری را در بر بگیرد و ثانیاً به یک سنت مستمر و پایدار تبدیل بشود. در حال حاضر مجامع عمومی تنها در رابطه با یک مساله و مبارزه معین تشکیل میشوند و با اتمام مبارزه عمر مجمع عمومی هم تمام میشود. این وضعیت را باید تغییر داد. این کاملاً طبیعی و قابل انتظارست که شروع کار مجمع عمومی در یک کارخانه سازماندهی یک اعتراض معین باشد ولی فعالیت و مضمون کار آن باید از آن اعتراض معین فراتر برود. مجامع عمومی را باید منضماً تشکیل داد و در مورد هر مساله ای که کارگران دارند، حتی اگر نخواهند برای حل آن دست به اعتصاب و اعتراض بزنند، به بحث و تبادل نظر پرداخت. طبعاً وقتی اعتراض و مبارزه معینی در جریان باشد مجمع عمومی ضرورت و مطلوبیت خود را بیشتر نشان میدهد و بهمین خاطر اولین وظیفه رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری شکل دادن به مجامع عمومی در دل مبارزات جاری در کارخانه هاست اما در کنار پایه گذاری مجامع عمومی در دل مبارزات و همپای آن باید برای منظم کردن جلسات مجمع عمومی و ادامه کاری آنها نیز کوشید. یک دستاورد مهم و نشانه موفقیت هر حرکت اعتراضی در یک کارخانه میتواند تشکیل مجمع عمومی و تشبیت سنت مجمع عمومی باشد. این بعهده فعالین جنبش کارگری است که در دل هر اعتراض و مبارزه معین مطلوبیت و ضرورت و امکانپذیری تشکیل مجمع عمومی را به کارگران نشان بدهند و از کارگران بخواهند که منضماً در جلسات مجمع عمومی گرد بیایند. این امر با توجه به شرایط حاضر و جو اعتراضی که در کارخانه ها و در کل جامعه وجود دارد کاملاً ممکن و

عملی است. به نظر من اصولاً با هر توازن قوائی میشود مجامع عمومی را تشکیل داد. تناسب قوا بین کارگران و حکومت میتواند مضمون کار و اهداف و خواسته‌های مجمع عمومی را تحت تاثیر قرار بدهد ولی نفس وجود مجمع عمومی و تشکیل آن در هر شرایطی امکانپذیر است.

نکته دیگری که باید بر آن تاکید کرد علنی بودن فعالیت برای تشکیل مجامع عمومی است. مجمع عمومی خود تشکلی علنی است و مبارزه برای تشکیل آن هم باید به شکل علنی صورت بگیرد. فعالین جنبش مجمع عمومی باید شناخته شده باشند و بطور علنی کارگران را به تشکیل مجمع عمومی فرا بخوانند. با فعالیت مخفی نه مجمع عمومی و نه هیچ نوع دیگری از تشکلهای توده ای را نمیتوان سازمان داد. تاکید بر علنیت بخشی از بحث حزب و جامعه و هویت بخشی به فعالین چپ در ایران است که يك سیاست اعلام شده حزب ماست و در شماره های قبلی انترناسیونال به تفصیل توضیح داده شده است. در اینجا لازم میدانم فقط این نکته را یادآوری کنم که حتی از نقطه نظر امنیتی و مقابله با پلیس سیاسی کار علنی شیوه ادامه کار تر و امن تری از مبارزه است. بویژه در توازن قوای فعلی برای حکومت تعقیب و دستگیری فعالین سرشناس جنبش کارگری بسیار مشکل تر از فعالین مخفی است که چون ناشناسند دستگیری آنها با اعتراض و مقاومت چندانی روبرو نمیشود. مورد دستگیری فعالین کارگری در سقز در اول ماه مه امسال و کمپین موفقی که برای آزادی آنها به راه افتاد نمونه روشنی از امکانپذیری و کارآئی فعالیت علنی است. جنبش مجمع عمومی را هم تنها با چنین شیوه ای میتوان سازمان داد.

و بالاخره بر همبستگی و یکپارچگی فعالیت در دامن زدن به جنبش مجمع عمومی باید تاکید کرد. مجمع عمومی در سطح يك کارخانه تشکیل میشود اما این امر به این معنا نیست که فعالین جنبش مجمع عمومی در هر کارخانه تنها هستند. جنبش مجمع عمومی يك حرکت فرا کارخانه ایست و باید در همبستگی و اعلام حمایت و حمایت متقابل در کارخانه و بخشهای مختلف جنبش کارگری به پیش برده شود. کارگران فعال و رهبران عملی در کارخانه ها و بخشهای مختلف تولیدی میتوانند و باید در تماس و هماهنگی با یکدیگر عمل کنند. در این مورد هم رهنمودهای حزب در بحث هویت بخشی به فعالین چپ را باید مد نظر قرار داد و بکار بست.

انترناسیونال: آیا منظور از این قرار اینست که در تناسب قوای امروز تشکیل شوراهای

کارگری ممکن است؟ آیا با این قرار حزب همین امروز فراخوان تشکیل شوراها را میدهد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره شد شورا چیزی بیشتر از مجمع عمومی ادامه کار که منظمًا تشکیل میشود نیست. در شرایط امروز تشکیل مجامع عمومی کاملاً امکان پذیر است اما برای تبدیل آن به یک تشکل پایدار به وقت بیشتر و مبارزه همه جانبه تری نیاز هست. نه تنها به این خاطر که اختناق مانع ماست، و توازن قوا اجازه نمیدهد. این مانع اصلی نیست، بلکه اساساً به این دلیل که فعالین جنبش شورائی به شکل علنی و همبسته عمل نمیکنند. پرچم شوراها را باید علناً در سطح جامعه بلند کرد و تشکیل آنها را در دستور گذاشت. این خود پیش شرط تغییر توازن قوا به نحوی است که بتوان عملاً شوراها را تشکیل داد. تشکیل شورا همین امروز عملی نیست ولی سازماندادن یک جنبش قدرتمند با خواست و برای برپائی شوراها همین امروز و فوراً عملی است. تنها کافیست فعالین جنبش کارگری سنتهای دست و پاگیر مخفی کاری را به کنار بگذارند و برای سازماندادن جنبش شورائی بر مبنای رهنمودهای حزب در بحث حزب و جامعه در ایران دست بکار بشوند. حزب ما تمام توان خود را در خدمت این امر بکار خواهد گرفت.

انترناسیونال: شعار "زنده باد شورا" و "پیش بسوی تشکیل شوراها" چه پیامی دارد؟ منظور چیست؟

حمید تقوایی: شعار "زنده باد شورا" یک شعار آرمانی و استراتژیک است. این شعار در یک سطح عمومی و اجتماعی مطلوبیت شوراها و نقش و اهمیت آن در مبارزه کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی را بیان میکند. این شعار به شورا بعنوان ارگان حکومت سوسیالیستی نیز اشاره دارد. شعار "زنده باد شورا" در کنار شعار "زنده باد جمهوری سوسیالیستی"، بیانگر نوع و شیوه حکومت در این جمهوری است. "زنده باد شورا" یعنی نه به دموکراسی پارلمانی، نه به حکومت و بوروکراسی ما فوق مردم، و نه به کلیت ماشین دولتی بورژوائی. از این نقطه نظر در شرایطی که مساله دولت و قدرت سیاسی به یک معضل عمومی اجتماعی تبدیل شده، شعار "زنده باد شورا" در امر سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی و انقلاب جایگاه تعیین کننده ای دارد. هم از این نقطه نظر و هم بخاطر نقش تعیین کننده ای که شوراها در مبارزات همین امروز کارگران و توده مردم میتوانند داشته باشند شعار "زنده باد شورا" یکی از شعارهای اصلی حزب ما در این دوره خواهد بود.

شعار "پیش بسوی تشکیل شوراها" معنای مشخص تر و عملی تری دارد. این شعار هدف

معین تشکیل شوراهای را اعلام میکند و فعالین و رهبران عملی کارگران و مردم را فرا میخواند که برای رسیدن به آن هدف دست بکار بشوند. همانطور که در سؤال قبلی اشاره کردم این هنوز لزوماً بمعنای تشکیل فوری شورا نیست ولی به این معنا هست که جنبش شورائی را میتوان همین امروز و فوراً سازمان داد. اینکه شوراهای عملاً کی تشکیل میشوند تماماً به فعالیت و شیوه "پیشروی ما بسوی تشکیل شوراهای" بستگی دارد. بدون فعالیت آگاهانه و نقشه مند برای برپائی شوراها، شورائی در کار نخواهد بود.

انترناسیونال: برای تشکیل شوراهای اصولی قائل هستید، مثلاً شوراهای باید حتماً از پائین تشکیل شوند؟ چرا شبکه‌ای از فعالین کارگری در یک صنعت معین و یا مجموعه صنایع یک منطقه نمیتوانند پیشقدم تشکیل شوراهای شوند؟

حمید تقوائی: شورا سازمانی مبتنی بر مجمع عمومی است اما شوراهای لزوماً از پائین و از دل مجمع عمومی تشکیل نمیشوند. این کاملاً ممکن است، و در تجربه انقلاب ۵۷ هم این را شاهد بودیم، که فعالین جنبش شورائی در سطح یک کارخانه و یا یک صنعت و رشته تولیدی شورا را اعلام کنند و بعد توده کارگران را به پیوستن به شورا فرا بخوانند. مجمع عمومی در واقع بدنه اصلی و ساختار تشکیلاتی شورا است و نه لزوماً پیش شرط تشکیل آن. روشن است که در صورتیکه شرایط آماده نباشد اعلام شورا روی کاغذ خواهد ماند، اما در صورت فراهم بودن شرایط در بسیاری از موارد تشکیل هیاتهای موسس و اعلام شورا تشکیل مجامع عمومی را تسهیل میکند و کوتاهترین و سریعترین راه برای تشکیل شوراهاست. همه بحث بر سر همین تشخیص درست شرایط و به موقع عمل کردن است. به نظر من در جامعه‌ای که هر یکی دو هفته یکبار شورشهای شهری اتفاق میافتد، و یا کانونهای دفاع از کودکان در شهرهای مختلف تشکیل میشوند، اعلام شوراهای و سپس مبتنی کردن آنها بر مجمع عمومی هدفی دور از دسترس نیست. لااقل در شهرهای کردستان که موازنه قوای مساعد تری برای اعتراض و مبارزه وجود دارد تشکیل هیاتهای موسس شوراهای و اعلام شورا در کارخانه‌ها و یا رشته‌های معینی از تولید کاملاً امکانپذیر است.

قطعنامه پیرامون تلاشهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی

مصوب دفتر سیاسی حزب، باتفاق آرا

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به سلاحهای کشتار اتمی باعث تشدید کشمکش و مخاطرات اتمی در سطح جهان شده است. دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی يك نگرانی جدی مردم متمدن در سطح جهان است. رئوس سیاست حزب کمونیست کارگری در تقابل با این وضعیت بر مبنای زیر استوار است.

۱- حزب کمونیست کارگری خواهان پایان دادن فوری به مسابقه خونبار تسلیحاتی اتمی و نابودی تمامی سلاحهای کشتار دسته جمعی موجود در جهان است. حزب کمونیست کارگری خود را بخشی از جنبش بشریت متمدن برای نابودی سلاحهای کشتار دسته جمعی میداند.

۲- حزب کمونیست کارگری تلاشهای رژیم اسلامی بمنظور دستیابی به سلاحهای اتمی را شدیداً محکوم میکند. در کارنامه قطب اسلام سیاسی لیست طویلی از جنایات تکان دهنده از سنگسار و قصاص و سربریدن و تروریسم روزمره گرفته تا جهاد اسلامی و کشتار کودکان و قتل عام انسانهای بیگناه قرار دارد. این اردوگاه اکنون به يك قطب فعال تروریسم بین المللی و يك پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه تبدیل شده است. تجهیز رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی، تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی را به نیرویی اتمی تبدیل خواهد کرد که میتواند خاورمیانه را به ورطه نابودی بکشانند.

۳- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که اطمینان خاطر قطعی و جلوگیری از دستیابی

رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی تنها با سرنگونی رژیم اسلامی توسط توده‌های مردم ممکن است.

۴- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که سیاست آمریکا و متحدینش مبنی بر خلع سلاح اتمی جمهوری اسلامی کوچکترین ربطی به صلح و مصون داشتن مردم از مخاطرات اتمی نداشته بر عکس تلاش برای حفظ کنترل انحصاری بر سلاحهای کشتار دسته جمعی و اتمی در سطح جهان است. آمریکا و متحدینش تماما نیروهای اتمی هستند. آمریکا تنها نیرویی است که سلاح اتمی علیه انسانها بکار برده و صدها هزار مردم بیگناه ناکازاکی و هیروشیما را در ظرف چند ثانیه تبدیل به خاکستر کرده است. پرونده این قطب جهانی تروریسم دولتی و قدرتی امپریالیستی، عیان و غیر قابل انکار جلوی چشم جهانیان است.

۵- حزب کمونیست کارگری در عین حال که بطور همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه میکند، هرگونه حمله ماجراجویانه نظامی آمریکا و اسرائیل و متحدینشان را به تاسیسات هسته‌ای و یا تحریم اقتصادی ایران را که مصائب ناگوار بسیاری برای مردم بدنبال خواهد داشت، قویا محکوم میکند.

۶- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که در فردای سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی در ایران تضمین خواهد کرد که نظام آتی ایران نه تنها یک نیروی مجهز به سلاحهای اتمی نیست بلکه پرچمدار مبارزه‌ای همه جانبه برای نابودی سلاحهای اتمی و کشتار دسته جمعی در سطح جهان خواهد بود.

قطعنامه درباره حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران

مصوب کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

۱- حکومت اسلامی با بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیقی مواجه است. این بحران مزمن، که رژیم بخاطر هویت اسلامیش قادر به حل و تخفیف آن نیست، زمینه ساز يك جنبش عظیم سرنگونی طلبانه است که روزبروز بیشتر گسترش و تعمیق پیدا میکند و رادیکالیزه میشود. امروز این جنبش هر نوع محمل و پوششی را بکنار گذاشته و با هویت و خواستها و شعارهای رادیکال خود به میدان آمده است. اکنون مردم در اعتراضات و تظاهرات خود صریحا خواست سرنگونی رژیم را مطرح میکنند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به شعار اصلی مبارزات مردم تبدیل شده است. این شرایط بیش از هر زمان دیگر شکل گیری يك انقلاب عظیم توده ای را در چشم انداز قرار میدهد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم محتمل ترین شکل برکناری رژیم و نظام حاکم بر ایران است.

۲- پروژه دو خرداد و کلا تغییر و استحاله رژیم در هر شکلی به بن بست رسیده است. این پروژه حتی بعنوان پوشش و محملی برای طرح اعتراضات مردم نفوذ خود را از دست داده است و در صحنه سیاسی ایران حتی قادر به وقت خریدن هر چند موقت و کوتاه مدت برای رژیم نیست. اساسا جنبش ملی- اسلامی، که دو خرداد تنها يك شکل بروز آنست، با رشد جنبش انقلابی مردم و به پیروزی رسیدن آن، به پایان حیات سیاسی خود میرسد.

۳- باز شدن افق انقلاب، چشم انداز اپوزیسیون راست برای خزیدن بقدرت از طریق کودتا و یا

بند و بست از بالا را تیره کرده است. سیاست رفراندوم و نافرمانی مدنی، که اساسا پوششی برای مقابله با جنبش انقلابی مردم بود، عملا و در نتیجه رشد جنبش سرنگونی بی اعتبار شده و کارآئی خود را از دست داده است. نیروهای اپوزیسیون راست اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و یا گروههای بینابینی دیگر، با رشد و رادیکالیزه شدن انقلاب علنا در برابر آن قرار خواهند گرفت.

۴- دولتهای غربی، آمریکا و اتحاد اروپا، در برخورد به رژیم اسلامی و کلا وضعیت سیاسی در ایران يك سیاست پراگماتیستی را دنبال میکنند. هدف آنان در کوتاه مدت اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای رام کردن و منطبق کردن آن با سیاستهای غرب در منطقه و مشخصا در عراق و در برخورد به مساله فلسطین است. در دراز مدت آنان خواهان تعدیل و تغییر رژیم اسلامی و نهایتا جانشین ساختن آن با يك حکومت مطلوب خود هستند. ممانعت از گسترش مبارزه انقلابی مردم و تحریف و متوقف کردن این مبارزات، و حفظ و مصون داشتن نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داری در ایران یکی از اهداف این نوع تغییر و استحاله است. این فاکتور مقابله با انقلاب به موازات رشد مبارزات انقلابی مردم، جای بارزتری در سیاستهای غرب نسبت به رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- با گسترش جنبش سرنگونی و نزدیک شدن به انقلاب، موقعیت سیاسی نیروهای اپوزیسیون و دول و نهادها و نیروهای سیاسی غربی در قبال جمهوری اسلامی، دیگر نه تنها بر مبنای سرنگونی طلبی بلکه اساسا بر مبنای مواضعشان در قبال جنبش انقلابی مردم مشخص میشود. با رشد جنبش انقلابی مردم علیه رژیم، حتی بخشهایی از خود رژیم سرنگونی طلب خواهند شد. در این شرایط صفتبندی دیگر نه بین سرنگونی طلبان و "اصلاح طلبان"، بلکه بین طرفداران انقلاب و مخالفین آن، بین دو اردوی انقلاب و ضد انقلاب، شکل میگیرد و تعیین کننده میشود. امروز انقلاب و برخورد به جنبش انقلابی مشخصی که در حال شکل گیری است يك عامل اصلی در تعیین مرز بین راست و چپ جامعه و در صحنه سیاست ایران است.

۶- با رشد جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم که رژیم اسلامی و نیروهای آشکارا مدافع آن را هدف مستقیم خود قرار داده است، نیروهای اپوزیسیون دو خردادی و یا اصلاح طلبان

کمتر آبرویافته از همین نوع، اپوزیسیون راست، و دولتهای غربی (آمریکا و اروپا) تلاش خواهند کرد تحت لوای تغییر رژیم از بالا، با پرچم فرم و تغییر تدریجی و مسالمت آمیز رژیم، و حتی به اسم انقلاب، در برابر جنبش انقلابی مردم بایستند، و در برابر آن سد و مانع ایجاد کنند. وجه مشترک این نیروها ضدیت با انقلاب و بخصوص هراس از قدرت گیری چپ در شرایط انقلابی است.

۷- حزب کمونیست کارگری در رادیکالیزه کردن و به چپ سوق دادن فضای سیاسی در ایران نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است. ورشکستگی پروژه دو خرداد، بی اعتباری آلترناتیو اپوزیسیون راست و سیاستهای نظیر فراندوم، و خنثی شدن تمهیدات غرب برای کنار آمدن با جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر فراگیر شدن شعارها و خواستههای نظیر سکولاریسم، لغو آپارتاید جنسی، آزادی و برابری، لغو مجازات اعدام و خواست آزادیهای بیقید و شرط، و شعارهای رادیکال دیگری که شاهد طرح و مقبولیت وسیع آنها در جامعه هستیم، بدون حضور و فعالیت گسترده حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی ایران قابل تصور نبود. این دستاوردها را باید تثبیت کرد و از آن فراتر رفت.

رشد جنبش سرنگونی و انقلابی مردم به سطح کنونی خود زمینه مساعدی برای پیشرویهای بیشتر حزب و گسترش نفوذ و قدرت آن در جامعه و در جنبش انقلابی مردم بوجود می آورد. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا به استقبال این شرایط میروید و بر مبنای این زمینه اجتماعی، سازماندهی و رهبری انقلاب را در دستور خود قرار میدهد.

۸- سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم و استقرار جمهوری سوسیالیستی، پیش از هر چیز مستلزم آنست که حزب کمونیست کارگری موقعیت خود را بعنوان رهبر و سخنگوی انقلاب تثبیت کند. تحقق این رهبری پیش شرط پیروزی انقلاب آتی در ایران و برقراری نظام سوسیالیستی است. حزب باید بعنوان يك حزب آماده و توانا برای کسب قدرت سیاسی در میان بخش هر چه وسیعتری از مردم شناخته شود.

۹- حزب ما پرچمدار و نماینده اعتراض و نه گفتن کارگران و زنان و جوانان به جمهوری اسلامی است. تعمیق این نه و رادیکالیزه کردن مخالفت و اعتراض مردم به رژیم و نظام سیاسی

اقتصادی حاکم در ایران، امری که جزئی از فعالیت همیشگی حزب کمونیست کارگری بوده است، امروز بیش از پیش به یک وظیفه مبرم و عاجل حزب ما تبدیل میشود. حزب کمونیست کارگری تضمین کننده رادیکالیسم، پیگیری و سازش ناپذیری جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن نظام سرمایه داری در ایران است. یک شاخص پیشروی و اعتلای این جنبش طرح و توده گیر شدن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "آزادی، برابری، حکومت کارگری"، و "برقرار باد جمهوری سوسیالیستی" بعنوان شعارهای اصلی و محوری در میان بخش هر چه وسیعتری از مردم و در تظاهراتها و اعتراضات کارگران، زنان و جوانان است.

۱۰- یک شیوه تحریف و به شکست کشاندن جنبش انقلابی مردم مطرح شدن سناریوهای مختلف تغییر و اصلاح رژیم، چهره و شخصیت سازیها و کلا ایستگاهها و موانع مختلفی است که نیروهای ضد انقلاب و مشخصا دولتها و نهادهای غربی بهمراهی و بکمک اپوزیسیون راست و نیروهای ملی - اسلامی در برابر جنبش انقلابی مردم قرار میدهند. افشا و خنثی ساختن این طرحها و تلاشهای نیروهای ضد انقلاب پیش شرط پیشروی مبارزات انقلابی مردم و به پیروزی رسیدن انقلاب است. این یک وجه تعطیل ناپذیر از مبارزه حزب ما بعنوان رهبر و سازمانده انقلاب است.

۱۱- حزب ما در عین مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب، خود را برای مقابله با هر نوع شرایطی که ممکن است با کودتا، برکناری جمهوری اسلامی و دیگر اشکال تغییر و تحول در قدرت سیاسی از بالا پیش بیاید آماده میکند. حزب از این شرایط نیز به نفع قدرت گیری مردم و پیشروی بیشتر مبارزه انقلابی آنان برای رسیدن به رهایی و سوسیالیسم استفاده خواهد کرد.

۱۲- حزب کمونیست کارگری ایران بموازات پیشرفت روند انقلاب و بمنظور بجلو سوق دادن این روند در هر مقطع نقشه عملها و تاکتیکهای عملی متناسب را برای سازماندادن و متحد ساختن کارگران و اقشار مردم آزادیخواه در مبارزه علیه جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار میدهد. متشکل کردن و متشکل نگاهداشتن مردم و تامین و تضمین اعمال اراده مستقیم آنان در دل شرایط پر تحولی که در پیش است، گسترش سازمان حزبی و ایجاد

سازمانهای توده ای نظیر مجامع عمومی و شوراهای هر جا که تناسب قوا اجازه بدهد، و اتخاذ اشکال مبارزاتی و تاکتیکیهای مناسب نظیر بدست گرفتن کنترل محلات هر جا و هر زمان که ممکن باشد، و در هر شرایطی سازمان دادن تعرض بیشتر و گسترده تر مردم و به عقب راندن جمهوری اسلامی در تمام عرصه ها مبنای مشترک این نقشه عملها خواهد بود.

کنگره چهارم، کمیته مرکزی حزب را موظف می کند که تدوین و تصویب این نقشه عملها و تاکتیکیهای عملی را بر اساس تناسب قوای مشخص در هر مقطع در دستور کار خود قرار دهد و ارگانها و کمیته های حزبی را برای اتخاذ عملی و پیشبرد این وظایف آماده و بسیج نماید.

۱۳- انقلاب آتی ایران تنها با استقرار جمهوری سوسیالیستی، تنها نظامی که میتواند آزادی و برابری و رفاه را متحقق کند، به پیروزی خواهد رسید. طبقه کارگر ستون فقرات و محور این انقلاب است. حزب کمونیست کارگری با بسیج و بمیدان آوردن بخش هر چه وسیعتری از کارگران و توده مردمی که از نظام موجود به ستوه آمده اند، حول پرچم سوسیالیسم، این پیروزی را تضمین خواهد کرد.

قطعنامه درباره طبقه کارگر و قدرت سیاسی

مصوب پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

این قطعنامه یکی از قطعنامه های کنگره چهارم حزب است. کنگره کلیات قطعنامه را تصویب کرده بود و آنرا برای وارد کردن اصلاحاتی به کمیته مرکزی حزب سپرد. پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب پس از تصویب یک اصلاحیه پیشنهادی به بند ۸، کل قطعنامه را به اتفاق آرا تصویب کرد.

۱- جمهوری اسلامی در یک بحران همه جانبه و علاج ناپذیر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی قرار دارد. سرنگونی حکومت اسلامی از طریق یک انقلاب توده ای عظیم در دستور جامعه قرار گرفته است. دوره پرتلاطم جاری در تحولات سیاسی ایران، دوره بیداری و دوره بپاخاستن توده های عظیم مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش و دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت است. انقلاب آتی ایران انقلابی است که جامعه را حول دو طبقه کارگر و بورژوا قطبی خواهد کرد و در نهایت تکلیف سرمایه را در ایران روشن میکند. آغاز این روند انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، پلاریزاسیون اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه و واقعیات اقتصاد سیاسی سرمایه داری در ایران یک فرصت تاریخی برای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای برقراری سوسیالیسم در ایران فراهم کرده است.

۲- جمهوری اسلامی رفتنی است، اما تحولات امروز فقط بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی نیست. نحوه زندگی و آینده دهها میلیون انسان بعد از جمهوری اسلامی، و رهائی آنها از

استثمار، فقر، بیکاری، تبعیض، و انواع جهل و خرافه تماما در گرو پیروزی کمونیسم و ایجاد يك جامعه سوسیالیستی است. طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کند که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکتت بار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمانیافته تر، هدفمند تر و قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران بر عزم قاطع حزب برای حضور در صف مقدم این مبارزه و برقراری يك جمهوری سوسیالیستی در ایران تاکید میکند.

۳- پیروزی کمونیسم کارگری و رهائی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که طبقه کارگر بعنوان يك نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد. اتحاد و متشکل بودن کارگران و اتکای رهبران عملی مبارزات کارگری به حزب و سیاستهای آن مهمترین پیش شرط برای پیروزی در این مبارزه است.

۴- امکان حضور مستقل طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی در يك انقلاب همگانی با وجود حزب کمونیست کارگری ایران فراهم شده است. امروز، در جدال اجتماعی و طبقاتی علیه سرمایه داری ایران و رژیم فعلی آن، حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست کارگری ایران، قدرتمند در صحنه سیاست ایران حاضر است. حزب کمونیست کارگری محصول عروج کارگر در انقلاب ۵۷ و ظهور يك جنبش حزبی مارکسیستی و متکی به نگرشی دخالتگر و رادیکال در صحنه سیاسی ایران است. دو و نیم دهه تلاش برای سازماندهی يك پراتیک کمونیستی در متن و مرکز جدال اجتماعی، حزب کمونیست کارگری را به پرچمدار اصلی آزادیخواهی و برابری طلبی، رادیکالیسم و سوسیالیسم در جامعه ایران بدل کرده است. حضور و موقعیت قدرتمند حزب کمونیست کارگری امکان بالفعل و واقعی را برای انتخاب کمونیسم در مقابل جامعه قرار داده است. وجود حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاست ایران مهمترین نقطه قدرت طبقه کارگر برای متحقق کردن سوسیالیسم است.

۵- برپائی و سازمان یافتن تشکل های توده ای کارگران و قد علم کردن جنبش تعرضی و اعتصابی کارگری ناقوس مرگ حکومت اسلامی را به صدا در میاورد. وقتی کارگران به حرکت خود سازمان دهند و با اعتراضات و اعتصابات خود بطور متشکل و تعرضی بمیدان بیایند،

وقتی کارگر نفت و کارگر صنعتی متشکل حرکت بکند، شمارش معکوس برای سرنگونی جمهوری اسلامی شروع میشود.

۶ - اهمیت حیاتی و تعیین کننده حضور طبقه کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی و نقش آن در بزیر کشیدن حکومت سرمایه از جایگاه و قدرت کارگران در عرصه تولید نتیجه میشود. کارگران اهرمهای تولیدی جامعه و شاهرگ حیات سرمایه و دولت آنرا در دست دارند و قادرند با اعتصابات گسترده و متوقف کردن چرخهای تولید، حکومت سرمایه را به زانو در آورند. یک نمونه زنده این واقعیت نقش کارگران صنعت نفت در انقلاب ۵۷ بود. این موقعیت ویژه، طبقه کارگر را عملاً و بطور عینی به محور و ستون فقرات جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم تبدیل میکنند. در اوضاع سیاسی حاضر، اعتصابات وسیع و سازمانیافته کارگری بلافاصله مردم را در سطح وسیع اجتماعی به میدان مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت میکشاند.

۷ - جنبش کارگری ایران، بدلیل بحران عمیق اقتصادی سرمایه داری و بدلیل بیست و پنج سال اختناق و سرکوب افسار گسیخته جمهوری اسلامی متحمل شدیدترین ضربات شده است. جمهوری اسلامی نه تنها قادر به تخفیف و حل این بحران اقتصادی نیست، بلکه خود موجب تشدید آن است. رژیم با انداختن بار این بحران اقتصادی بر دوش طبقه کارگر عملاً کارگران و خانواده های آنان را به فلاکت اقتصادی مطلق کشانده است. تهاجم حکومت اسلامی به ابتدائی ترین حقوق و معیشت کارگران طبقه کارگر را به یک موقعیت تدافعی رانده است. وضعیت فعلی هم از نظر امکان ایفای نقش تاریخساز و زیر و رو کننده طبقه کارگر و هم از نقطه نظر وضع زندگی و سطح معیشت کنونی کارگران قابل ادامه نیست. تغییر این وضعیت یک وظیفه کلیدی حزب کمونیست کارگری در شرایط فعلی است.

۸ - پیشروی جنبش کارگری، و تغییر و ارتقاء وضعیت تدافعی فعلی به یک موقعیت قدرتمند تعرضی، قبل از هر چیز در گرو متشکل شدن کارگران است. گسترش دامنه عمل و نفوذ شبکه کارگران کمونیست و رهبران کمونیست کارگران، ظاهر شدن این رهبران بعنوان رهبران علنی و با هویت اجتماعی، سیاسی و طبقاتی کارگران، ایجاد و گسترش سازمان حزب در محیط کار و زیست طبقه کارگر، و بالاخره دامن زدن به جنبش مجمع عمومی در کارخانه ها و واحدهای تولیدی ارکان اصلی عبور از موقعیت کنونی است. کنگره چهارم حزب بر ضرورت و عاجل

بودن تشکیل حوزه ها و سازمان های حزبی در محیط های کار و زندگی کارگران تاکید میکند، و همه رهبران و فعالین رادیکال مبارزات کارگری را به دفاع و پشتیبانی فعالانه از اهداف و سیاستهای حزب و پیوستن آنان به حزب کمونیست کارگری فرامیخواند. کنگره همچنین بر نقش مجمع عمومی هم بعنوان تجمع هدفمند و آگاهانه برای تصمیم گیری و اعمال اراده جمعی کارگران در مبارزات جاری و هم بعنوان نطفه و پایه شوراهاى قدرتمند کارگری و جنبش شورائی تاکید میکند. برپائی و دامن زدن به جنبش وسیع مجامع عمومی در کارخانه ها و مراکز تولیدی فوری ترین و ضروری ترین اقدام همه کارگران کمونیست و رهبران اعتراضات کارگری برای ممکن کردن پیشروی طبقه کارگر است.

۹- علیرغم موقعیت تدافعی جنبش کارگری، طبقه کارگر با وجود حزب خود، حزب کمونیست کارگری، در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی حضور قدرتمندی دارد. حزب کمونیست کارگری طبقه کارگر را در عرصه سیاست و در جنبش سرنگونی طلبانه که زنان و جوانان و مردم آزادیخواه در آن نقش فعالی دارند نمایندگی میکند و نیروی پیشرو و رادیکال جنبشهای عمومی نظیر جنبش علیه مذهب، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و برای آزادی و رهایی زنان، آزادیهای بیقید و شرط و کلا در تمام عرصه های مبارزه علیه نظام اسلامی سرمایه در ایران است. رهبران عملی جنبش کارگری باید عمیقاً این موقعیت پیشتاز حزب طبقاتی خود را در جدال بر سر قدرت سیاسی بشناسند و اهمیت وجود و جایگاه حزب را وسیعاً به توده های کارگر بشناسانند. نفوذ و مقبولیت حزب و اهداف و سیاستهای کارگری آن در سطح جامعه کارگران کمونیست و رهبران عملی جنبش کارگری را در موقعیت بسیار مساعدی برای انسجام بخشیدن به صفوف کارگران در مبارزات جاری از یکسو و از سوی دیگر فعالیت و دخالت مستقیم در عرصه مبارزه سیاسی و تعرض سیاسی به جمهوری اسلامی قرار داده است.

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری همه فعالین حزب و کارگران کمونیست را فرامیخواند که برای گسترش نفوذ حزب در میان کارگران و جلب کردن توجه توده های کارگر به حزب و اهداف و سیاستهای آن فعالانه بکوشند و از همه فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری میخواهد که با اتکا به اهداف و سیاستهای حزب زمینه دخالت و ایفای نقش زیر و رو کننده کارگر متشکل در صحنه مبارزه سیاسی فراهم آورند.

حقوق جهانشمول انسان

مصوب کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

مقدمه

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی. جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

اکثریت عظیم مردم جهان اما نه از آزادی بهره مند هستند و نه به امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه، که خود خالق آن هستند، دسترسی دارند. مقدرات زندگی مادی و معنوی انسان به تولید برای سود وابسته است. استثمار و انقیاد اقتصادی توده عظیم انسانی قانون حاکم بر جهان است و مقتضیات تولید سود و سود آور نگاه داشتن صدها میلیون انسان منطق نظام سرمایه داری است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همگی مصائب و محرومیت هائی هستند که هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند.

آزادی بشر از نظر بورژوازی، در اساس، آزادی استثمار کردن و استثمار شدن است. آنجا هم که پای حقوق بشر به میان کشیده میشود در بهترین حالت حقوق سیاسی مشروط و محدودی

تصویر میشود که استفاده از آن برای اکثریت کسانی هم که شامل آن شده اند ممکن نیست. آزادی و برابری با انقیاد اقتصادی متناقض است. حقوق بشر سرمایه داری با مسکوت گذاشتن این واقعیت نمیتواند پاسخگوی نیاز انسان باشد. بیانیه حقوق بشر تضمین کننده آزادی و برابری انسانها نیست. ابزار جلوگیری از طغیان مردم آزادیخواه و برابری طلب است. وسیله ای برای ممانعت از جلب مردم و متفکرین و آزادیخواهان به ابعاد عمیقتر حقوق بشر و درک تناقض حقوق انسان با ماهیت نظام سرمایه داری است.

حزب کمونیست کارگری ایران با انتشار بیانیه حقوق جهانشمول انسان تصویر روشنی از مبنای حقوق انسان را بدست میدهد. حزب کمونیست کارگری ایران این حقوق را حقوق همه انسانها در هر نقطه جهان میداند و برای تحقق آن میکوشد.

اعلام حقوق جهانشمول انسان بعلاوه در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و نقشی که حزب کمونیست کارگری بر عهده دارد اهمیت ویژه خود را دارد. جامعه ایران دستخوش یکی از عظیم ترین تحولات تاریخ خود است. جمهوری اسلامی در شرف سرنگونی است و مردم ایران میتوانند و باید علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی نظامی را بنا نهند که در آن آزادی و برابری در عمیق ترین و وسیعترین سطح فردی و اجتماعی متحقق گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تخطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاست های جامعه اعلام میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران کلیه احزاب سیاسی و کلیه مردم در ایران و جهان را به حمایت جدی از بیانیه حقوق جهانشمول انسان دعوت میکند.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

مواد زیر حقوق جهانشمول و انکار پایذیر انسان است. هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ يك از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند.

- ۱- حیات پایه ای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.
- ۲- استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع است.
- ۳- مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، چه فردی و چه دولتی، ممنوع است. وسائل کار و تولید دارائی جمعی کل جامعه است.
- ۴- کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.
- ۵- هر کس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.
- ۶- همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.
- ۷- هر کودک حق یک زندگی شاد، ایمن و خلاق را دارد. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، را داشته باشند.
- ۸- هر فرد، بدون قید و شرط، در داشتن هر عقیده و بیان آن در شکل نوشتاری، شفاهی، هنری، یا هر شکل دیگری چه بصورت فردی و چه جمعی آزاد است. نقد هر چیز و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه، همچنین اعتراض و اعتصاب کردن بصورت فردی یا جمعی حق بی قید و شرط هر فرد است. هر فرد میتواند هر حزب یا تشکلی را ایجاد

کند و یا به چنین نهادهایی بپیوندد.

۹- داشتن حرمت و شخصیت حق هر انسان است. هر نوع افترا، هتک حرمت ممنوع است. هر نوع تبلیغ نفرت یا برتری مذهبی، ملی، قومی، نژادی و جنسی ممنوع است.

۱۰- تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است که درباره نظرات و اعتقادات شخصی خود سکوت کند. هر نوع تحریکات و تهدیدات علیه بیان آزادانه نظرات افراد ممنوع است.

۱۱- شرکت مستقیم و مستمر در امر حاکمیت حق هر فرد است. مقامات و نهاد های دولتی و ارگانهای اداره امور از بالا تا پائین باید منتخب مردم باشند. مردم حق انتخاب و عزل کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در کشور را دارند. کلیه افراد بزرگسال از حق رای همگانی و برابر برخوردارند و حق دارند برای هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی کاندید شوند.

۱۲- دولت، ارگانهای اداره امور یا مقامات مختلف به خودی خود هیچ حقی در مقابل مردم، چه بصورت فردی و چه بصورت جمعی، ندارند مگر اینکه مردم این حق را به صراحت به آنها داده باشند.

۱۳- دولت و نظام اداره جامعه باید تماما غیر مذهبی و غیر قومی باشد. هر نوع کمک دولت به اشاعه هر مذهب یا دادن هر نوع مضمون یا ارجاع مذهبی، قومی و یا ملی به قوانین ممنوع است. هر نوع ارجاع به مذهب، قومیت یا ملیت افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها ممنوع است.

۱۴- داشتن یا نداشتن مذهب، بی قید و شرط آزاد است. مذهب از دولت و آموزش و پرورش جداست. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. انتخاب یا عدم

انتخاب مذهب امر بزرگسالان است. کودکان و نوجوانان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند. جلب افراد غیر بزرگسال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است. تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی ممنوع است.

۱۵- تعیین مذهب رسمی و زبان رسمی اجباری ممنوع است.

۱۶- سلامتی حق هر فرد است و هر کس حق دارد از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن خود از صدمات و بیماری ها برخوردار گردد و از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه استفاده کند.

۱۷- برخورداری از يك محیط زیست سالم و ایمن حق هر انسان است.

۱۸- معاشرت و زندگی اجتماعی حق هر انسان است. هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران ممنوع است.

۱۹- جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی حق هر کس است. سانسور، و کنترل بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد ممنوع است.

۲۰- آموزش حق هر فرد است. هر کس حق دارد از امکانات جامعه امروزی برای ارتقای دانش و تخصص خود و یا آشنائی با دست آوردهای فکری و عملی بشریت زمان خود برخوردار شود. دسترسی به کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه و استفاده از آنها حق هر کس است.

۲۱- هر سالمند حق يك زندگی شاد، خلاق و ایمن را دارد. هرکس حق دارد در دوره سالمندی، مستقل از موقعیت مادی خود، از بهترین امکانات زیستی، درمانی و بهداشتی بهره مند گردد. تضمین این حقوق برای سالمندان با جامعه است.

- ۲۲- آزادی بی قید و شرط سکونت، سفر و نقل مکان حق هر فرد بزرگسال است. هر کس بدون قید و شرط حق دارد به هر کشور سفر کند و یا در هر کشوری اقامت گزیند.
- ۲۳- هر کس میتواند با پذیرش تعهدات حقوقی شهروندی، شهروند جامعه شود.
- ۲۴- زندگی خصوصی افراد، محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی مصون است.
- ۲۵- هر کس در انتخاب لباس آزادی بی قید و شرط دارد. هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی ممنوع است.
- ۲۶- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.
- ۲۷- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.
- ۲۸- رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است.
- ۲۹- قضات، دادگاه‌ها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی مستقل هستند. انتخاب و عزل قضات و سایر مقامات قضایی حق مردم است.
- ۳۰- برپائی دادگاه‌های ویژه ممنوع است. کلیه محاکمات باید علنی برگزار گردند.

۳۱- همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. هیچ مقام یا فردی مصونیت قانونی ندارد. هر کس بی قید و شرط حق دارد علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عادی اقامه دعوا کند.

۳۲- هرکس حق دارد از ادای شهادت علیه خود یا اعتراف خودداری کند.

۳۳- اصل در کلیه محاکمات بر براءت متهم است. برخورداری از امکان رسیدگی و محاکمه منصفانه حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود. کسب اعتراف با تهدید و تطمیع ممنوع است.

۳۴- مجازات اعدام و حبس ابد یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد تحت هر شرایطی ممنوع است.

بیانیه برای مذهب زدایی از جامعه!

مصوب کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

جامعه آزاد جامعه ای بدون مذهب، بدون خرافه و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسانها است. مذهب جریانی فکری و اجتماعی فی نفسه تبعیض آمیز، خرافی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان است. مذهب حتی بعنوان امر خصوصی افراد سد راه رهایی و شکوفایی و اعتلای انسان است.

ایران جامعه ای اسلامی نیست. حکومت اسلامی است. اسلام يك پدیده ارتجاعی و تحمیلی در ایران است که تنها با قدرت سرکوب و کشتار و شکنجه و سنگسار تاکنون بر سر کار مانده است. بیش از دو دهه است که میخواهند بزور جامعه را اسلامی کنند. قادر نشده اند. اسلام يك وصله ناجور بر پیکر جامعه است. اسلامی کردن جامعه بخشی از جهاد ضد انسانی بر علیه تمامی آحاد جامعه است که جنبش اسلام سیاسی و حاکمیت اسلامی دنبال میکنند.

امروز مبارزه علیه حاکمیت اسلامی، اسلام، سنن و اخلاقیات و روابط عقب مانده اسلامی و کل ارتجاع اسلامی بخشی از مبارزه وسیع و همه جانبه مردم برای خلاصی فرهنگی و رهایی است. این مبارزه ای تاریخی علیه خدا و تمام مظاهرش و برای بازگرداندن اختیار به انسان است. این جنبشی است که اصالت و ارزشهای انسانی را در مقابل مذهب نمایندگی میکند. این مبارزه پس از رنسانس بزرگترین تلاش تاریخی علیه سلطه نفوذ مذهب در جامعه است. تاثیرات این تحول اجتماعی سیمای سیاسی خاورمیانه را دگرگون خواهد کرد. این جنبش امروز تماما توسط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود.

حزب کمونیست کارگری بمنظور قطع نفوذ مذهب از جامعه خواهان يك مبارزه صریح و

روشن و باز و همه جانبه علیه نفوذ دستگاه مذهب است. حزب کمونیست کارگری در عین تلاش برای آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، در عین اینکه اعتقاد به هر باوری، حتی عقب مانده ترین و ضد انسانی ترین احکام، را حق انکار ناپذیر آحاد جامعه میداند، اما در عین حال خواهان تشدید مبارزه علیه مذهب، گسترش فعالیتهای روشنگرانه ضد مذهبی و مبارزه ای همه جانبه بمنظور مذهب زدایی از تمامی شئون جامعه است و برای تحقق اهداف زیر مبارزه میکند.

یک نظام سکولار

سکولاریسم گام اول در مسیر رهایی همه جانبه انسانها از چنگال خرافات و تعصبات جاهلانه مذهبی است. حزب کمونیست کارگری بمنظور استقرار یک نظام سکولار خواهان تحقق شرایط زیر است.

۱- جدایی کامل مذهب از دولت. حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی و متاثر از مذهب از قوانین کشور در حوزه آموزش، قضا، کار و تقویم رسمی. لغو مقوله مذهب رسمی. لغو هر نوع ارجاع به مذهب افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها. ممنوعیت انتساب افراد، فردی یا جمعی، به هر نوع تعلق مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره. ممنوعیت هر گونه تظاهر و ابراز وجود مذهبی افراد در نظام اداری جامعه.

۲- تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد. آزادی مذهب و بی مذهبی. آزادی انتقاد به کلیه جوانب اخلاقی، فرهنگی و تاریخی مذهب. ممنوعیت تحریکات و تهدیدات مذهبی علیه بیان و ابراز وجود آزادانه افراد. ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب.

۳- لغو آپارتاید جنسی. لغو کامل کلیه قوانینی که متضمن جدایی زن و مرد در تمامی شئون جامعه، در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسایل نقلیه عمومی، اماکن کار، آموزشگاهها، و تردد در جامعه است.

۴- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که

ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند. برقراری آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.

۵- ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایر باشد. ممنوعیت هر نوع ابراز وجود مذهبی که محل آرامش و احساس امنیت مردم باشد. ممنوعیت هر نوع مراسم و رفتار مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت حیوانات مغایر باشد.

۶- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۷- زدودن هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی. ممنوعیت ایراد هر نوع خطبه مذهبی در مراسم دولتی ثبت ازدواج. ممنوعیت تعدد زوجات و صیغه.

برابری و رفع تبعیض از زنان

تبعیض مذهبی علیه زنان يك مشخصه موقعیت زن در جامعه است. در جامعه ایران که سلطه و فشار مذهب و سنتهای کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی و بیحقوقی و فرودستی زن در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکنند. رئوس اقداماتی که باید فوریت برای رفع تبعیض بر زنان به اجرا در آید عبارت است از:

۱- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقررات و راه و رسمهای مذهبی و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان يك شهروند آزاد و متساوی الحقوق در جامعه است. لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه.

۲- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان

"سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی‌ها و امور مالی خانواده، وراثت، طلاق، و سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده.

مصونیت کودکان

یکی از اقدامات عاجل برای تضمین شادی و خلاقیت و ایمنی کودکان جلوگیری از تعرض مذهب به روح و روان کودک و جلوگیری از کودک‌آزاری است. بمنظور مصون داشتن کودکان از تعرض مذاهب و نهادهای مذهبی حزب کمونیست کارگری اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

۱- ممنوعیت دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی به کودکان و افراد زیر شانزده سال. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه‌های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی. ممنوعیت حجاب برای کودکان و افراد زیر شانزده سال. ممنوعیت ختنه کودکان.

۲- ممنوعیت و لغو کلیه قوانین مذهبی که مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از يك زندگی خلاق و شاد و تفریحات و شرکت در فعالیتهای اجتماعی مخصوص کودکان گردد.

روابط جنسی آزاد

قوانین و سنن و اخلاقیات مذهبی يك مانع اصلی برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. از اینرو حزب کمونیست کارگری خواهان تحقق مفاد زیر است.

۱- ممنوعیت هرگونه دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان و یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی افراد. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲- لغو کلیه قوانین و مقررات مذهبی و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز

همسر خویش بعنوان جرم برخورد میکنند.

۳- مبارزه با تلقیات مذهبی و عقب مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصا سد راه آموزش جنسی در مدارس و استفاده افراد بزرگسال از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی است.

مبارزه با "صنعت مذهب"

صنعت جهانی مذهب، دستگاه مذهب اسلام و ادیان اصلی دیگر نظیر مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، و غیره، انجمنهای داوطلبانه معتقدین به اندیشه های معینی نیستند، بلکه نهادهای سیاسی و بنگاههای مالی بسیار عظیمی هستند که هرگز بطور واقعی حسابرسی و کنترل نشده اند، و در قبال اعمال خود مورد بازرسی قرار نگرفته اند. "صنعت مذهب" مانند تمام صناعی که مضر حال و رفاه آحاد جامعه هستند باید تحت کنترل جامعه قرار گرفته و مردم باید از صدمات آنها مصون نگهداشته شوند. بدین منظور حزب کمونیست کارگری اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

۱- ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیتها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی. ثبت رسمی ادیان و فرقه های مذهبی بعنوان بنگاه ها و نهادهای خصوصی و تابعیت مذهبی از کلیه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاهها. کنترل مراجع قانونی بر حسابها و دفاتر و دریافتی ها و پرداختی های فرقه ها و نهادهای مذهبی. تابعیت این نهادها از قوانین مالیاتی ناظر بر بنگاههای مشابه.

۲- مصادره و باز پس گیری کلیه اموال و دارایی ها و اماکنی که نهادهای مذهبی (سازمان اوقاف و سایر نهادهای متعدد مذهبی) چه در طول حکومت رژیم اسلامی و چه در دوران سلطنت پهلوی به زور و یا از طریق تصمیمات دولت، نهادها و بنیادهای مختلف مذهبی تصاحب کرده اند. قرار گرفتن این اموال در اختیار نهادهای منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه و رفاهی جامعه.

تقویم و تعطیلات رسمی جامعه

تقویم جامعه و تعطیلات رسمی جامعه باید هیچگونه نشانی از مذهب برخوردار نباشند.

بمنظور تغییر تقویم و تعطیلات رسمی جامعه حزب کمونیست کارگری برای تحقق شرایط زیر مبارزه میکند.

۱- حذف هر نوع اشاره به مناسبتها و سالروزهای مذهبی از تقویم رسمی. درکنار تقویم محلی، تقویم میلادی رسمیت قانونی پیدا کند و در اسناد رسمی کشور ذکر شود.

۲- انتقال روزهای تعطیل در هفته از جمعه به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان.

۳- حذف کلیه تعطیلات مذهبی از تقویم رسمی جامعه.

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که تحقق شرایط فوق در گرو بزیر کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. جمهوری سوسیالیستی اجرا و تحقق فوری اقدامات فوق را برای "مذهب زدایی" از جامعه تضمین میکند. حزب کمونیست کارگری همه آزادیخواهان، همه آته‌نیستها و همه انسانهای برابری طلب و انساندوست را به این مبارزه تاریخی فرامیخواند.

بیانیه حقوق زنان

مصوب کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

مردسالاری و زن ستیزی یکی از وجوه تاریک و شرم آور جامعه بشری است. رهایی زن و برابری زن و مرد یک آرمان تاریخی و قدیمی بشریت است. تاریخ شاهد جنبش های وسیع برای آزادی زن بوده است.

تبعیض علیه زنان خاص ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. ولی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ستمکشی زن ابعادی هولناک بخود گرفته است. جمهوری اسلامی از بدو حاکمیتش با شلاق و ترور و شکنجه به حقوق زنان یورش برده است. همواره تلاش کرده است تا موجودیت زنان را زیر حجابی سیاه بپوشاند؛ تلاش شان برای دستیابی به استقلال اقتصادی را سد کند؛ موجودیت جنسی شان را با سنگسار پاسخ گوید؛ و با توسل به خشن ترین شیوه های سرکوب موقعیت زن را در جامعه و خانواده به دوران قرون وسطی بازگرداند. حاکمیت آپارتاید جنسی و تحمیل حجاب اسلامی برجسته ترین نمودهای بردگی جنسی جامعه امروز ایران است.

از همان ابتدای حیات جمهوری اسلامی یک مبارزه بلانقطاع و رادیکال علیه این بردگی جنسی و زن ستیزی عریان تولد یافته است. مبارزه علیه ستمکشی زن بمثابه یک رکن مهم مبارزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه برسمیت شناخته شده است. هم اکنون یک جنبش وسیع، پر قدرت و بالنده برای دفاع از حقوق زنان در جریان است. طی دو دهه گذشته این جنبش از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده است و اکنون با صدایی رسا خواست آزادی زن را در مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری طنین انداز کرده است. جنبش آزادی زن جنبشی رادیکال و ضد اسلامی است.

جنبش برای آزادی زن در ایران به یمن مبارزات خستگی ناپذیر، دخالت گسترده و نفوذ و تاثیر کمونیسم کارگری هر روز رادیکالتر و منسجم تر میشود. کمونیسم کارگری تلاش های

جریانات راست و ملی-اسلامی در به‌سازش کشیدن جنبش آزادی زن و در کند کردن رادیکالیسم این جنبش را افشاء و طرد نموده است. کمونیسم کارگری در پیوند عمیق خود با جنبش آزادی زن خواستها و آمال آن را گسترش داده و تعمیق کرده است. کمونیسم کارگری به سخنگو و رهبر رادیکال این جنبش بدل شده و پرچم‌رهایی زن را بلند کرده است. جنبش آزادی زن امروز از ارکان مهم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

رهایی زن و برابری کامل زن و مرد در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی، لغو مناسبات سرمایه‌دارانه و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. امری که حزب کمونیست کارگری برای آن مبارزه میکند.

حزب کمونیست کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم‌اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

۱- اعلام برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی‌قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳- لغو کامل آپارتاید جنسی، ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم‌سازی افراد (زن و مرد) از محیط اجتماعی و امکان معاشرت.

۴- حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک و جدایی.

۵- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت

فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملك اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۶- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی و بلوغ جنسی رسیده اند.

۷- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد با پرداخت حقوق که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه

کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۸- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم‌های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه‌های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی‌های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۹- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۱۰- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تشبیت برابری زن و مرد.

حزب کمونیست کارگری بحض کسب قدرت این حقوق را بعنوان قوانین رسمی کشور اعلام خواهد کرد.

قطعنامه درباره اوضاع سیاسی ایران

مصوب کنگره سوم حزب (اتفاق آراء)

۱- بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناگیزر دائما تعمیق میشود و زمینه های عینی واژگونی رژیم اسلامی را فراهم میکند.

اولا، بقاء هر حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین يك دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرفنظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به يك حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود، مناسبات حقوقی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین کند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد و بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری ایران را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است.

ثانیا، حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان يك نظام و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در يك مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و

ارعاب پاسخگوی این موج اعتراضی جدید نیست و سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است.

ثالثاً، تسلط حکومت مذهبی و مقررات و موازین ارتجاعی اسلام در ایران دیگر قابل دوام نیست. اسلامیت حکومت مستقیماً در برابر سکولاریسم عمیق مردم و جامعه و فرهنگ عامه قرار گرفته است. جامعه ایران یک حاکمیت مذهبی و اسلامی را بیش از این تحمل نمی‌کند و علیه آن بپاخاسته است.

۲- بن بست حکومت اسلامی و خطر واقعی سرنگونی و انقلاب شکافهای بسیار عمیقی در درون هیات حاکمه ایجاد نموده است. جناح راست حکومت هر نوع عقب نشینی در برابر اعتراضات مردم را سرآغاز اضمحلال حکومت میداند و خواهان ادامه سیاست سرکوب و ارباب در جامعه است. جناح اصلاح طلب، جریان دوم خرداد، در تلاش برای حفظ رژیم، خواهان سازماندهی یک حکومت اسلامی تعدیل یافته و متکی بر طیف وسیع تری از محافل و گروهبندی های ملی و اسلامی است. اما نه سیاست تشدید اختناق و نه تعدیل حکومت اسلامی هیچیک پاسخ بحران رژیم نیست. استراتژی هردو جناح در متن واقعیات اقتصاد سیاسی ایران امروز و در برابر جنبش سیاسی عظیمی که علیه حکومت اسلامی شکل گرفته است محکوم به شکست است.

۳- تحولات و کشمکشهایی که امروز در ایران در جریان است روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی است. این روند میتواند مراحل گوناگونی را از سر بگذارد و اشکال مختلفی بخود بپذیرد. آنچه مسلم است جامعه ایران در چهارچوب جمهوری اسلامی به یک موقعیت غیربحرانی و متعارف باز نمیگردد. جمهوری اسلامی رفتنی است.

۴- سرنگونی رژیم اسلامی پایان سیر تحول سیاسی در ایران نیست. کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید برجای رژیم اسلامی بنشینند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند. از نظر حزب کمونیست کارگری جنبش کنونی

علیه رژیم اسلامی و سرنگونی حکومت موجود میتواند حلقه ای در يك انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری يك نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

۵- تقابل سه جنبش سیاسی اصلی آینده جامعه ایران را رقم میزند.

اول، اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی. در سالهای اخیر جریان دوم خرداد پرچم وحدت این جنبش و بستر همکاری مستقیم آن با حکومت ارتجاعی ایران بوده است. کل طیف اپوزیسیون سازشکار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارند. این جنبش که تا ضربه خامنه ای و جناح راست به اکثریت دوم خردادی مجلس اسلامی ششم صحنه سیاسی ایران را تحت الشعاع خود داشت، اکنون رو به تجزیه می‌رود و اهمیت و جایگاه تاکنونی خود را از دست میدهد. این يك قطب سیاسی عقب مانده و ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مدنی مردم است و بقاء رژیم کنونی را تنها راه حفظ نفوذ خویش در حاکمیت و مقابله با جنبشهای سیاسی بیرون حکومت تلقی میکند. عمر سیاسی مفید این جنبش حداکثر باندازه عمر حکومت اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندهای کم تاثیرری در حاشیه جدال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند.

دوم، ناسیونالیسم راست طرفدار غرب. سلطنت طلبان و مدافعان رژیم سابق ستون فقرات این جنبش اند، اما ابعاد واقعی این جنبش بسیار فراتر است و بخش وسیعی بورژوازی ایران و محافل و کانونهای ملی گرا و جمهوری خواه را در بر میگیرد. بعلاوه این جنبش با زوال جمهوری اسلامی بخشهای مهمی از اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را نیز در تقابل با چپ بخود جذب میکند. این يك جنبش ارتجاعی است که اساسا به اعتبار دو دهه حاکمیت ارتجاع اسلامی بر ایران، فقر اقتصادی و انزوای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، امکان یافته است مجددا خود را طرح کند. این جنبش از نظر استراتژیکی متحد و پایگاه آمریکا و غرب محسوب میشود و در تلاقی های مهم سیاسی آتی حمایت مادی و تبلیغاتی غرب را خواهد داشت. از نظر اجتماعی افق این جریان تجدید سازمان يك سرمایه داری متکی به کار ارزان و کارگرخاموش و استبداد پلیسی - نظامی است. در خوشبینانه ترین حالت، نمونه جوامعی نظیر مصر و ترکیه دورنمایی است که این جنبش برای مردم ایران ترسیم میکند.

سوم، کمونیسم کارگری: شکل گیری کمونیسم کارگری بعنوان يك جنبش فکری، سیاسی و

حزبی در طول دو دهه اخیر، برای نخستین بار امکان واقعی حضور مستقل طبقه کارگر را بعنوان يك نیروی سوسیالیست در برابر کل احزاب و جنبشهای بورژوازی فراهم کرده و سوسیالیسم را بعنوان يك آلترناتیو واقعی در برابر جامعه قرار داده است. حزب کمونیست کارگری نیروی پیشتاز این جنبش است، اما دامنه این جنبش و نفوذ اجتماعی بالقوه آن بسیار گسترده تر است. کمونیسم کارگری تنها قطب سیاسی مبشر يك جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران است. جنبش کمونیسم کارگری نه فقط میتواند پرچمدار و سازمانده طبقه کارگر در تحولات جاری و آتی ایران باشد، بلکه در این موقعیت هست که اکثریت مردم را در يك انقلاب توده ای برای آزادی و برابری و رفاه در ایران رهبری کند.

۶- پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان يك نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان يك آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

۷- حزب کمونیست کارگری در تحولات جاری ایران برای يك پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برای برقراری فوری يك جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب خواهان سرنگونی فوری رژیم اسلامی است و با هر تلاش نیروهای درون و بیرون حکومت برای حفظ حکومت اسلامی در اشکال جدید و جرح و تعدیل شده قاطعانه مقابله میکند. حزب کمونیست کارگری در عین حال از هر گشایش سیاسی و فرهنگی که با فشار مردم به حکومت اسلامی تحمیل میشود فعالانه دفاع میکند و در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، و پلیسی تر کردن فضای جامعه قاطعانه می ایستد.

قطعنامه کنگره سوم درباره: اوضاع ایران و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری

(به اتفاق آراء به تصویب رسید)

۱- آغاز روند سرنگونی رژیم اسلامی، پولاریزاسیون اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه و واقعیات بنیادی اقتصاد سیاسی سرمایه داری در ایران، فرصت تاریخی تعیین کننده ای برای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای برقراری سوسیالیسم در ایران فراهم کرده است.

۲- انقلاب ۵۷ اولین صف آزایی عظیم اجتماعی و طبقاتی در متن یک ایران کاپیتالیستی بود. حضور طبقه کارگر در انقلاب ضد استبدادی و ضد سلطنتی ۵۷، چشمگیر، بی سابقه و تعیین کننده بود. با اینحال در فقدان یک جنبش حزبی خود آگاه و ذینفوذ کمونیستی کارگری که بتواند حضور مستقل طبقه کارگر در انقلاب همگانی و رهبری طبقه کارگر برجانبش عمومی را تضمین کند و افق رهاییبخش سوسیالیسم کارگری و مارکسی را به آرمان عمومی صف آزادی خواهی و انقلاب بدل کند، جنبش ارتجاعی اسلامی و اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی انقلاب مردم را به بیراهه بردند و نهایتاً به خون کشیدند.

۳- اینبار جنبش حزبی کمونیستی کارگری، حتی مقدم بر حضور توده ای کارگران در صحنه سیاسی ایران حاضر است و فی الحال بعنوان یکی از نیروهای سیاسی دخیل در روند اوضاع سیاسی آتی در سطح جامعه برسمیت شناخته شده است. حزب کمونیست کارگری، محصول عروج کارگر در انقلاب ۵۷ و ظهور یک جنبش حزبی متکی بر کمونیسم مارکس و لنین، و نگرشی دخالتر و رادیکال در صحنه سیاسی ایران است. بیش از دو دهه جدال کمونیسم کارگری علیه احزاب و طبقات و افقهای بورژوایی و خرده بورژوایی در جامعه ایران و در درون

چپ، بیش از دو دهه دفاع از کمونیسم و مارکسیسم در اوج حملات بورژوازی جهانی، و بیش از دو دهه تلاش برای سازماندهی یک پراتیک کمونیستی در متن و مرکز جدال اجتماعی، حزب کمونیست کارگری را به پرچمدار اصلی آزادیخواهی و برابری طلبی، رادیکالیسم و سوسیالیسم در جامعه ایران بدل کرده است. اکنون تمام احزاب و دستجات اصلی بورژوازی ایران، از جریان‌های اسلامی حاکم و منتقدین درونی‌شان تا کل اپوزیسیون ملی و اسلامی خارج حکومت و ملیون طرفدار غرب و مدافعان رژیم پیشین، کمونیسم کارگری را بعنوان قطب مقابل خود تعریف میکنند. ضدیت با حزب کمونیست کارگری به شاخص ابراز وفاداری با حکومت و تبری جویی از سرنگونی طلبی و رادیکالیسم و انقلاب بدل شده است.

۴- اوضاع سیاسی ایران یک فرصت معین برای یک حرکت تاریخساز کمونیستی با نتایج دگرگون کننده در ایران و در سطح بین المللی فراهم آورده است. این فرصت نباید از کف برود. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران توجه حزب را در تمام سطوح به وظایف خطیری که این موقعیت بر دوش حزب قرار میدهد جلب میکند. حزب کمونیست کارگری باید بعنوان حزب کارگران در جدال قدرت و رهبر انقلاب مردم پا به میدان بگذارد. کنگره در عین وقوف به دشواری‌ها و موانع عظیم و بسیاری که بر سر راه حزب و جنبش کمونیسم کارگری در ایفای این نقش قرار دارد، معتقد است حزب کمونیست کارگری ایران میتواند و باید این گام بلند را بردارد.

۵- کنگره بار دیگر بر اهمیت مباحث "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" بعنوان مباحث کلیدی در ارتقاء حزب به سطح وظایف خطیر خویش در دوره کنونی تاکید میکند و خواهان آنست که وسیع ترین استنتاجات عملی این مباحثات به اجرا درآید.

۶- کنگره موکدا توجه رهبران و کادرهای حزب در سطوح مختلف را به ابعاد عظیم وظایفی که دوره کنونی بر عهده آنها میگذارد جلب میکند. کنگره خواهان آنست که استانداردهای فعالیت حزب در تمام سطوح متناسب با نیازهای این دوره بالا برده شود.

۷- کنگره به تمام اعضاء و فعالین حزب برای حضور در یک مبارزه متحدانه، پرشور، وقفه ناپذیر، منضبط و گسترده برای پیروزی کمونیسم در تحولات جاری ایران فراخوان میدهد.

پیام کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران ایران

رفقای کارگر

درودهای گرم و پرشور کنگره سوم حزب کمونیست کارگری را بپذیرید. یکبار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخساز قرار گرفته است. دوران پرتلاطمی آغاز شده است. دوره بیداری، دوره بپاخاستن توده های عظیم مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت. جمهوری اسلامی رفتنی است. این را دیگر کودن ترین مدافعان خود این حکومت نیز فهمیده اند. مردم حکم به سرنگونی این نظام داده اند و دست بکار بزیر کشیدن آن شده اند. طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کند که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکبت بار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمان یافته تر، هدفمندتر و قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. کارگر و کمونیسم رهبر بحق جنبش توده ای برای سرنگونی این حکومت است. اکنون دوران سرنگونی آغاز شده است. کنگره حزب کمونیست کارگری بر عزم قاطع ما برای حضور در صف مقدم این مبارزه تاکید نمود. اما این تنها نیمی از تصویر است

رفقا،

تحولات امروز ایران فقط بر سر بود نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ دارد صورت میگیرد. این آینده میتواند، اگر ما شکست بخوریم، تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید باشد. اما اگر پیروز بشویم، و

میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه‌ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید کرد.

رفقا،

در دنیای سرمایه داران، در قوانین شان، در مناسبات اقتصادی شان، در فرهنگ شان، در تک تک خشتهای نظام ضد بشری سود و سرمایه، کارگر را با بیحقوقی و محرومیت و فرودستی و بی‌تامینی و رنج معنی میکنند. اما بیش از یک قرن و نیم است که بشریت محروم نام کارگر و پرچم کمونیسم کارگری را با آزادیخواهی، مساوات طلبی، آزاد اندیشی، عدالت اجتماعی، خرافه ستیزی و رفاه و رهایی تداعی میکند. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان بدهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم تمام جهان قرار بدهد. برای ایفای این نقش، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه به میدان بیایید.

حزب کمونیست کارگری پرچم این دنیای بهتر را برافراشته است. به حزب کمونیست کارگری، حزب انقلاب کارگری، پیوندید.

آزادی برابری حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران

پیام کنگره سوم حزب کمونیست کارگری به مردم ایران

مردم آزادیخواه ایران!

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری در دهه‌های پرشور خود را به شما تقدیم می‌دارد. این کنگره در شرایطی برگزار می‌شود که جامعه ایران در شرف تحولاتی مهم و بسیار اساسی است. جمهوری اسلامی رفتنی است. این پیامی است که اعتراضات هر روزه شما علیه این حکومت مرتجع دست راستی و مذهبی و قوانین قرون وسطایی و ضد انسانی آن به جهانیان اعلام کرده است.

حکم مردم ایران روشن است. دنیای بهتری می‌خواهیم، به جهنم اسلام و سرمایه در ایران گردن نمی‌گذاریم. دیکتاتوری و خفقان و سرکوب را نمی‌پذیریم. از حاکمیت مذهب منزجریم و عزم کرده ایم دست مذهب و اسلام را از زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خود کوتاه کنیم، حکومت حجاب و قصاص و توهین و تحقیر زنان بس است. فقر و بیکاری و فقدان هرگونه تامین اجتماعی بس است! ما مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی براه افتاده ایم. و تاریخ صدها بار نشان داده است که در برابر اراده مردم هیچ نیرویی را تاب مقاومت نیست.

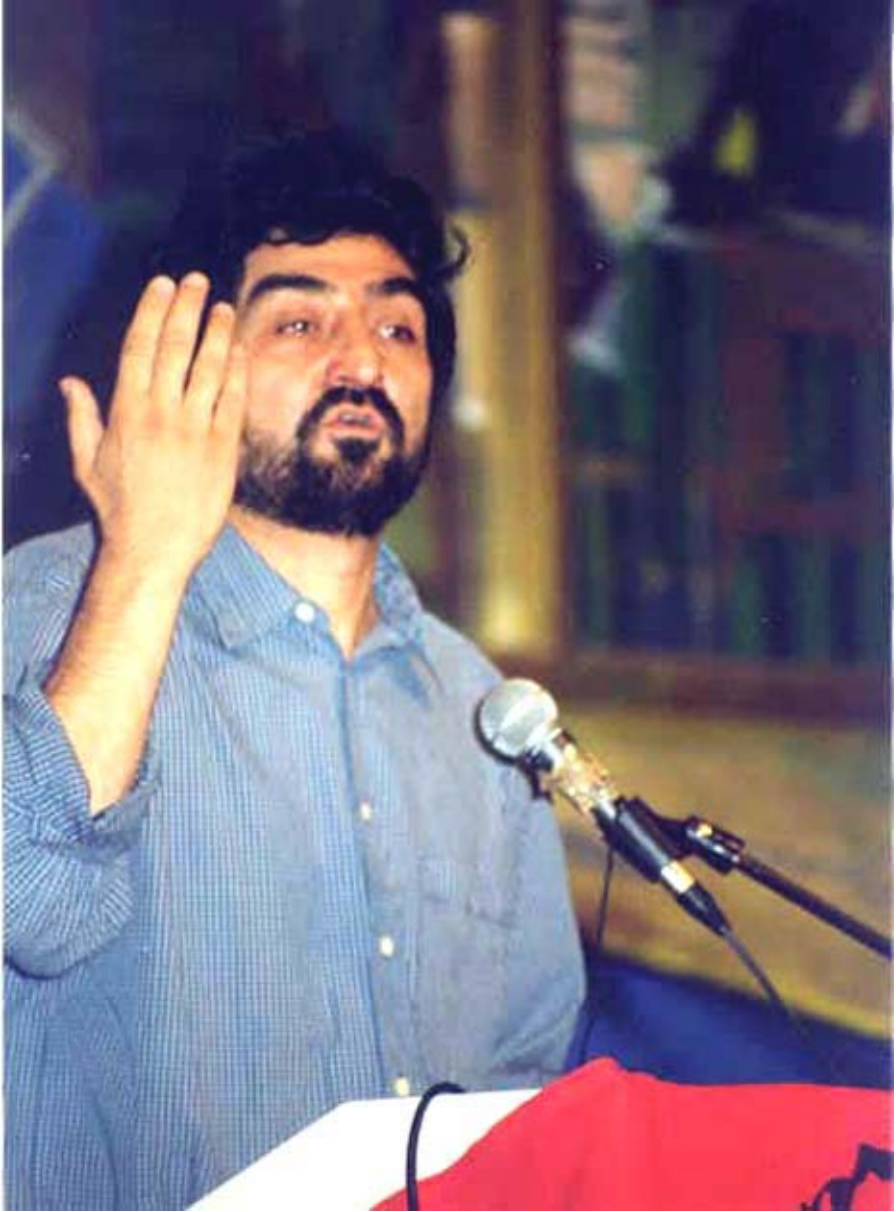
مردم آزادیخواه

با عزم و اراده متحد ما عمر حاکمیت این خیل اوباش بسرعت به پایان خواهد رسید. هیچ جامعه و هیچ انسانی سزاوار زندگی تحت چنین نظام ارتجاعی و ضد بشری نیست. سرنگونی این رژیم با تلاش و هوشیاری ما می‌تواند و باید سر آغاز پایه گذاری جامعه ای باشد که در آن فقر و محرومیت معنا ندارد، خفقان و ستم و تبعیض به فراموشی سپرده می‌شود و انسانها رفاه و آزادی و برابری واقعی را تجربه می‌کنند. امروز این پیروزی و این آینده در

دسترس ما قرار دارد. نباید فرصت را از دست داد، نباید به چیزی کمتر از این رضایت داد. حزب کمونیست کارگری ایران پرچم این دنیای بهتر را برافراشته است و با تمام قوا در این راه مبارزه میکند. برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای ساختن یک دنیای بهتر، دنیایی عاری از فقر و تبعیض، جامعه ای آزاد و برابر و سعادت‌مند به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران

مهرماه ۱۳۷۹



منصور حکمت - کنگره سوم حزب - اکتبر ۲۰۰۰



کنگره سوم حزب - اکتبر ۲۰۰۰



حمید تقوائی - کنگره چهارم حزب - دسامبر ۲۰۰۳



کنگره چهارم حزب - دسامبر ۲۰۰۳



کنگرہ پنجم حزب - سپتامبر ۲۰۰۴



کنگره پنجم حزب - سپتامبر ۲۰۰۴



قدردانی حمید تقوایی از رفقای که تدارکات کنگره پنجم را سازمان دادند

حکومت کارگری!

آزادی
بدیاری